

فصل سوم

ماجرای نفت شمال و کویر خورین

در فصل های پیشین، به مناسبت، بخش هایی از ماجرای نفت شمال در کنار موضوعات دیگر بازگو شد، اما با توجه به اهمیت این موضوع، در این فصل به بازخوانی ماجرا های مربوط به نفت شمال و تجزیه تحلیل آن پرداخته خواهد شد و در ادامه نیز تاریخچه نفت کویر خورین بررسی می شود.

داستان نفت شمال از زمانی آغاز شد که ناصرالدین شاه در بهمن ماه ۱۲۷۴، با امضای یک امتیازنامه، بهره برداری از آن را به سپهدار تنکابنی (محمودولی خان خلعتبری)، وزیر خزانه داری و گمرکات، واگذار کرد.

تنکابنی همان کسی است که چندماه پس از فتح تهران در ۹ مهر ۱۲۸۸ به نخست وزیری منصوب شد و اولین کابینه کامل را پس از پیروزی مشروطه خواهان تشکیل داد. او امتیاز استخراج نفت در سه منطقه تنکابن، کجور و کلارستاق مازندران را از شاه گرفت. امتیازنامه برای سپهدار تنکابنی صرفاً در حکم یک برگ کاغذ بود. او امکانات کافی برای بهره برداری از امتیاز را نداشت، بنابراین تصمیم گرفت آن را با امضای یک قرارداد در ۶ بهمن ۱۲۹۴ / ۲۷ ژانویه ۱۹۱۶ به مدت ۹۹ سال به شخصی به نام آکاکی مدیدیه ویچ خوشتاریا، از اهالی گرجستان، واگذار کند. تنها متنی که از قرارداد خوشتاریا و تنکابنی وجود دارد ترجمه ای نامفهوم است که ظاهراً در هنگام عقد قرارداد برای طرف ایرانی تهیه شده است:

"ماده اول: من، سپهسالار اعظم، نظر به مندرجات فرمان پادشاهی مورخه شعبان ۱۳۱۳ که به موجب آن، امتیاز معادن نطف محال ثلاثه تنکابن و کجور و کلارستاق به من داده شده است، اظهار میدارم و کمپانی خشداریا را مأمور می نمایم که تمام اقدامات لازمه را برای اجرای امتیاز مذکور به عمل آورد. برای این مقصود و به جهت اینکه امور راجعه به انکشاف و حفر معادن آسان شود، اظهار میدارم که امتیاز مذکور با تمام حقوق راجعه به آن از تاریخ حال تا نود و نه سال به کمپانی خشداریا واگذار می نمایم و اصل فرمان مذکور هم که به مهر و امضای اعلی حضرت مرحوم، ناصرالدین شاه، ممهور و ممضی و به مهر وزرای اعلی حضرتی نیز ممهور است، از جمله مهر مرحوم مجد الدوله، وزیر علوم و معادن، است. این نکته را هم اظهار میدارم که از تاریخ این ورقه در تمام مدت، مسئولیت اجرای فرمان مذکور به عهده کمپانی خشداریا یا ذوی الحقوق او خواهد بود.

ماده دوم: من، کمپانی خشداریا، حق دارم تجسسات لازمه در معادن نطف در مدت یک سال از تاریخ آخرین جنگ و صلح دولت روسیه با سایر دول متخاصم به جا بیاورم.

ماده سوم: من، خشداریای کمپانی، متعهد هستم، در صورتی که پیدا نمایم برای خودم یک استخراج معادن نفت در مدت معین شده، نظر به ماده دوم، تقدیم نمایم به حضرت اشرف، پنجاه هزار منات، بدون عوض. همچنین، تقدیم نمایم صد هزار منات از قرار پوطی بنا به ماده پنجم این قرارداد. در این صورت، مبلغ صد هزار منات پرداخته خواهد شد و بعداً از قرار کسر خواهد شد.

ماده چهارم: اگر تا مدت آخر وعده، یعنی در مدت یک سال از روز قرارداد صلح دولت روسیه با سایر دول متخاصم از عهده برنیایم، من نخواهم پرداخت شرایط استخراج معادن نفت را که پنجاه هزار منات بدون عوض و صد هزار منات از بابت حساب پوطی باشد و آن وقت من، خشداریا کمپانی، تمام اختیارات خود را از دست می دهم، یعنی آنچه در این قرارداد به من واگذار شده است.

ماده پنجم: برای انجام این کار ها که من پیدا کنم، یک استخراج نفتی متعهد هستم بدهم به حضرت اشرف از هر پوطی یک کوپیک تا زمانی که نفت حاصل می شود در محل اطراف این امتیاز، با رعایت ماده سوم این قرارداد که از بابت صد هزار منات مساعده محسوب خواهد شد.

ماده ششم: تمام حقوق در این امتیاز که در شعبان هزار و سیصد و سیزده اعلی حضرت مرحوم، ناصرالدین شاه، واگذار کرده است به من، همچنین خشداریای کمپانی آزاد است واگذار کند به یک نفر یا یک تجارتخانه که دارای اوراق سهام باشد. در این صورت، قبولکننده این امتیاز به عهده می گیرد تمام شرایط این قرارداد را و همچنین قرارداد پوطی که منفعت حضرت اشرف تقدیم می شود و همچنین تمام موازین قرارداد را.

ماده هفتم: در تمام اطراف که می شود نفت استخراج کرد، من که سپهسالار اعظم هستم، حق دارم اینکه نگاه دارم یک نفر نماینده برای مواظبت مقدار نفت استخراجشده. در هر صورت، نماینده حق مداخله در امورات داخلی این اداره ندارد، به جز اینکه ناظر در استخراج نفت باشد.

ماده هشتم: نه من، سپهسالار اعظم و نه اشخاصی که از طرف به آن ها امتیاز واگذار می شود، به هیچ وجه نمی تواند نقض کند این امتیاز را و تعیین بدهند و خشداریای کمپانی یا اشخاصی که امتیاز از طرف من به آن ها واگذار شده، کاملاً و مرتباً بایست انجام بدهیم مواد این قرارداد را.

ماده نهم: موعد این قرارداد معین می شود در مدت نود و نه سال، با همین قرارداد حق تجدید خواهند داشت.

ماده دهم: تمام مذاکرات در باب این قرارداد حل می شود در محکمه نه نفری که طرفین نمایند، حکمیت محکمه سه نفری حکمیت خواهد داشت برای طرفین."

پنجم ربیعالثانی مطابق با ۲۷ یانوار ۱۹۱۶ - امضا، محمدولی سپهسالار اعظم، تمبر ثبت به مهر دولتی برسد، منشورالمک، مدیرکل - در دفتر ثبت اسناد وزارتخانه در تحت نمره ۳۰ ثبت گردید. مورخه هفتم حوت توشقان
نیل ۱۳۳۴ مطابق ۲۷ فوریه ۱۹۱۶،۴

محکم کاری دولت روسیه

خوشتاریا از اتباع روسیه تزاری بود که واگذاری امتیاز به او برای دولت ایران در دسرساز شد. روس ها دیرزمانی بود که در اندیشه اخذ امتیاز نفت شمال ایران بودند. رقیب دیرینه آن ها به واسطه قرارداد داری توانست غیرمستقیم، بر منابع نفتی جنوب ایران دست یابد. اولین چاه پرفشار نفت نیز در سال ۱۲۸۷ ش در مسجسدسلیمان کشف و استخراج نفت از آن آغاز شده بود. دولت روسیه از قرارداد خوشتاریا و تنکابنی آگاه شد و فرصت را مغتنم شمرد و با اعمال فشار بر سپهسالار اعظم، کوشید قراردادی جدید منعقد کند. امتیازنامه خوشتاریا محرمانه و به صورت غیررسمی امضا شده بود و دولت روسیه ضمن تلاش برای تبدیل آن به یک امتیازنامه رسمی، قصد داشت سرتاسر شمال ایران را در دامنه حوزه عملیات آن وارد کند. روسیه تزاری در همان سال ، دولت سپهسالار را مجبور کرد «امتیاز استخراج نفت و موم طبیعی معدنی» را به خوشتاریا اعطا کند. با استناد به این قرارداد که بدون نظارت مجلس میان دولت های روسیه تزاری و ایران منعقد شد، حق انحصار کشف و استخراج نفت، گاز، قیر و موم طبیعی در ایالات گیلان، مازندران و استرآباد به مدت هفتاد سال به خوشتاریا واگذار شد. به این ترتیب، سپهسالار که بیست سال از امتیاز خود استفاده نکرده بود، آن را طی دو معاهده واگذار کرد. از بررسی مفاد هر دو قرارداد چنین برمیآید که تفاوتی در مفاد و محتوای آن ها وجود ندارد و تنها نکته مهم در قرارداد دوم، صورت رسمی آن است.

متن قرارداد دوم به این شرح است:

مابین وزیر امور خارجه دولت شاهنشاهی به امر دولت از یک طرف و مسیو اکاکی مددیویچ خوشتاریا از طرف دیگر (منبعد برای تسهیل، به جای اسم خوشتاریا، صاحب امتیاز نوشته می شود) در خصوص تفتیش و استخراج نفت مواد ذیل مقرر گردید:

ماده اول: دولت اعلی حضرت شاهنشاهی ایران به موجب امتیازنامه، حق انحصار کشف و استخراج نفت و گاز طبیعی و قیر و موم طبیعی را در حوزه ایالات گیلان و مازندران و استرآباد در مدت هفتاد سال به صاحب امتیاز مرحمت و اعطا میفرماید. (محال و نقاطی که به موجب فرمان همایونی مورخ شعبان ۱۳۱۳ به آقای محمدولی خان سپهسالار اعظم واگذار شده، به کلی از این امتیاز خارج است.) ابتدا از تاریخ امضای امتیاز تا مدت هفتاد سال این تفتیش و استخراج در ایالات مذکوره، حق صاحب امتیاز خواهد بود.

ماده دوم: دولت اعلی حضرت شاهنشاهی ایران به صاحب امتیاز اجازه می دهد که هر وقت می خواهد، شرکتی تأسیس نماید. اسامی و نظامنامه و سرمایه آن شرکت به توسط صاحب امتیاز معین می شود، مشروط بر آنکه در ایجاد شرکت صاحب امتیاز باید رسماً به وزارت فواید عامه دولت علیه اطلاع داده و همینطور نظامنامه آن شرکت را با تعیین محلی که شرکت مزبور باید در آن نقاط عملیات نماید، اظهار دارد و مدیران آن شرکت را باید به وزارت فواید عامه معرفی نماید. در این صورت البته، آن شرکت تمام حقوق امتیاز را دارا خواهد بود و مقرر است که آن شرکت باید تعهد و مسئولیت صاحب امتیاز را عهده کند.

ماده سوم: صاحب امتیاز حق دارد که بنای چاه های نفت و حوض ها و انبار ها و محل تلمبه و مواقع جمع و تقسیم و تأسیس کارخانه و راه های لازمه و ابنیه و هرچه که لازمه دایرداشتن استخراج و حملونقل نفت است، بنماید.

ماده چهارم: دولت علیه ایران اراضی بایره (غیر از جنگل که جزء اراضی دایره محسوب می شود) خود را در محل هایی که مهندسین صاحب امتیاز به جهت بنا و تأسیس عملیات مذکوره در ماده سوم لازم بدانند، مجاناً به صاحب امتیاز واگذار خواهند فرمود و اگر آن اراضی دایره باشد، صاحب امتیاز باید اراضی لازمه را به قیمت عادله از اولیای دولت علیه خریداری کند و دولت علیه به صاحب امتیاز حق می دهد که اراضی و املاک لازمه را به جهت اجرای این امتیاز به رضایت از صاحبان، ابتیاع یا اجاره کند، مشروط بر آنکه هیچ وقت قیمت اراضی و املاک از قیمت عادلانه اراضی واقعه در حولوحوش تجاوز ننماید. مسلم است که این خریداری، موافق مواد شرایطی خواهد بود که مابین صاحب امتیاز و مالکین مقرر خواهد شد.

توضیح: مقرر است که اماکن مشرفه و مساجد و جمیع متعلقات به آن ها به محیط دایره شعاع آن دویست زرع باشد، از حوزه عملیات مجزا و مستثنا است.

ماده پنجم: صاحب امتیاز متعهد است در موقع کشف و استخراج هر چشمه نفت، وزارت فواید عامه را به موجب راپرت مخصوص مطلع ساخته و دو نسخه نقشه (که حداقل به مقیاس یک ده هزارم باشد) از اراضی و محالی که

می خواهد در آن ها استخراج نفت نماید، به راپرت خود منضم نماید. هرگاه، صاحب امتیاز استخراج نفت را مفید به حال خود دانست، یکصد هزار منات نقد و یکصد هزار منات بلیط اکسیون بدون حق استرداد باید به وزارت فواید عامه بدهد و این تقدیمی به نحو مذکور یک دفعه خواهد بود.

ماده ششم: صاحب امتیاز متعهد است که هر ساله از منافع خالص صدی شانزده با یک صورت بیلان به دولت علیه ایران تقدیم دارد.

ماده هفتم: دولت علیه ایران حق دارد، در هر موقعی که مقتضی بداند، برای حفظ حقوق خود و اطمینان از اینکه صاحب امتیاز مواد فوق الذکر را اجرا بنماید، تفتیشات لازمه در کتابچه و دفاتر تجارتي صاحب امتیاز راجع به نفت و سایر مواد مذکوره بنماید و نیز یک نفر کمیسر برای این کار معین خواهد شد که طرف شور صاحب امتیاز بوده و محض خیر این تأسیس هرگونه اطلاعات مفیده داشته باشد، به صاحب امتیاز داده، همه نوع راهنمایی نماید و محض حفظ حقوق دولت، متفقاً با صاحب امتیاز هرگونه تفتیشی که مفید بداند به عمل آورد. صاحب امتیاز همه ساله از تاریخ شروع به عمل، سالی شش هزار منات به کمیسر دولتی حق خواهد داد.

ماده هشتم: کلیه عمله و اجزائی که در تأسیس و بناهای فوق مشغول عملیات می شوند و باید از اتباع ایران و رعایای اعلی حضرت شاهنشاهی دولت عله باشد، به استثنای اعضا و اجزای علمی و فنی.

ماده نهم: تمام اسباب و ماشین آلات لازمه برای تفتیش و تأسیس و ایجاد و دایر نمودن و بسط آن ها که برای صاحب امتیاز لازم گردد، از حقوق گمرکی معاف خواهد بود.

ماده دهم: پس از انقضای مدت مقرر در این امتیاز، کلیه اسباب و ماشین آلات و ابنیه و ساختمان متعلق به آن ها از منقول و غیرمنقول و کلیه چاه ها و چشمه های نفت بالکلیه بدون استثنا متعلق به دولت علیه ایران خواهد بود. صاحب امتیاز و شرکای ایشان به هیچ وجه حق اعتراض و خسارت نخواهند داشت.

ماده یازدهم: اگر در مدت پنج سال از تاریخ این امتیاز شروع به عملیات نشود، این امتیاز از درجه اعتبار به کلی ساقط است.

ماده دوازدهم: منازعات طرفین در خصوص اجرای مواد و شرایط امتیاز را بدین نحو قطع خواهند کرد که یک نفر از طرف وزارت فواید عامه و یک نفر از طرف صاحب امتیاز معین خواهد شد، در صورتی که ماب هالنزاع به حکمیت دونفری قطع نشد، آن دو حاکم مصوبه طرفین به رضایت هم، ثالثی را معین می کنند که در آن موضوع محل نزاع حکم و قطع و فصل نماید."

در تهران به دو نسخه نوشته شد - شهر جمادیالاولی توشقان ٹیل ۱۳۳۴ - امضا، وثوق الدوله وزیر خارجه.

نکات برجسته قرارداد ایران و مسیو خوشتاریا

بر اساس قرارداد خوشتاریا، صاحب امتیاز اجازه یافت در نقاط مختلف عملیاتی خود شرکت ایجاد کند. تدوین اساسنامه و نظامنامه شرکت نیز با نظر صاحب امتیاز و اطلاع وزارت فواید عامه انجام می پذیرفت. همچنین، صاحب امتیاز متعهد بود در صورت کشف نفت، ۱۰۰ هزار منات نقد و ۱۰۰ هزار منات بلیط اکسیون را بدون حق استرداد به دولت ایران بپردازد. علاوه بر آن، سالانه ۱۶ درصد از سود خالص شرکت به عنوان حق الامتیاز به دولت ایران تعلق می گرفت. ماده هشتم قرارداد صاحب امتیاز را موظف می کرد تا حد امکان نیرو های مورد نیاز خود را از کارگران و اتباع ایرانی تأمین کند. بر اساس ماده نهم و دهم مالکیت همه ماشین آلات مستقر در حوزه عملیاتی که برای کشف و استخراج نفت استفاده میشد، پس از پایان مدت قرارداد، به دولت ایران انتقال می یافت. در مقابل، دولت ایران اراضی بایر مورد نیاز شرکت را در طول مدت قرارداد به رایگان به صاحب امتیاز واگذار کرده و صاحب امتیاز برای ورود تجهیزات و ماشین آلات به کشور، از پرداخت هرگونه عوارض گمرکی و مالیات معاف شده بود.

مخالفان قرارداد نفت شمال

اعطای امتیاز نفت شمال مخالفان بسیاری در داخل و خارج کشور داشت. طبق قانون اساسی، امضای هر قراردادی فقط با تأیید مجلس رسمیت می یافت، بهره برداری از نفت شمال در حالی به دولت روسیه تزاری واگذار شد که مجلس تعطیل و سپهسالار، نخست وزیر و وثوق الدوله، وزیر خارجه و خوشتاریا آن را امضا کرده بودند. تحمیلی بودن و نظارت نداشتن مجلس دو دلیل اصلی مخالفان داخلی این قرارداد بود. نگرانی از دست دادن بازار های نفتی در داخل و خارج ایران هم مهمترین دلیل مخالف خارجی آن، یعنی شرکت نفت ایران و انگلیس بود. سرانجام شرکت نفت انگلیس - پرشیا با کمک عناصر انگلوفیل درون کابینه، لغو قرارداد را در دوره نخست وزیری صمصام السلطنه زمینه چینی کرد. مصطفی فاتح درباره این قرارداد می نویسد:

"بر همهکس واضح بود که امتیاز فوق با تهدید و فشار به دست آمده بود و هیچ ارزش قانونی نداشت، چنانکه اولین اقدام کابینه بعد که به ریاست صمصام السلطنه روی کار آمد، این بود که امتیاز خوشتاریا را لغو و از درجه

اعتبار ساقط بدانند. به این هم اکتفا نکرده، دولت ایران به سفارت روس و سایر سفارتخانه های خارجی مقیم تهران اعلام نمود که امتیاز مزبور لغو است و به خود خوشتاریا هم این نکته را مؤکداً اطلاع داد."

صمصام السلطنه که در ۱۲۹۷ ش به نخست وزیری منصوب شد، با موجی از مخالفت های داخلی و خارجی روبرو بود. بسیاری از نمایندگان مجلس و مسئولان شرکت ایران و انگلیس دولت را به دلیل اعطای این امتیاز سرزنش کردند. صمصام السلطنه با همین فشار ها و مخالفت ها و برای تسلط بر اوضاع، قرارداد را یکطرفه لغو کرد، هرچند اعتراض دولت روسیه تزاری را به دنبال داشت. بخت با ایران یار بود که با وقوع انقلاب در روسیه، ورق برگشت. زمامداران شوروی پس از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷، همه قراردادهای دولت ایران و روسیه را که در دوران روسیه تزاری به زور از دولت ایران اخذ شده بود، ملغی اعلام کردند. به این ترتیب، برای اولین بار در تاریخ معاصر، یک قرارداد استعماری بدون درگیری لغو شد.

خوشتاریا واقعیت را نمی پذیرفت و تصمیم گرفت امتیاز خود را واگذار کند. او امتیازنامه ای را که دولت ایران آن را نامعتبر اعلام کرده بود، در ازای ۱۰۰ هزار لیره به شرکت نفت بریتانیا واگذار کرد. شرکت نفت بریتانیا در می ۱۹۲۰ / اردیبهشت ۱۲۹۹ شرکتی به نام «شرکت نفت های شمال ایران» ۸ برای بهره برداری از این امتیاز تأسیس کرد.

تلاش امریکایی ها برای تصاحب نفت شمال

دولت ایران که قرارداد خوشتاریا را بی اعتبار و امضای آن را سرپیچی از فرمان رسمی خوانده بود، مراتب اعتراض خود را به تأسیس "شرکت نفت های شمال ایران" طی نام های به سفارت انگلیس در ایران ابلاغ کرد. اختلاف بر سر نفت شمال برای امریکایی ها فرصتی بود تا از آب گلآلود ماهی بگیرند و با جلب نظر حسن پیرنیا (مشیر الدوله) امتیاز را از آن خود کنند. وزارت خارجه امریکا با نام های در ۲۱ مرداد ۱۲۹۹ / ۱۲ آگوست ۱۹۲۰، به حسین علاء، وزیرمختار ایران در واشنگتن، اعلام کرد که شرکت های امریکایی (مشخصاً اوپل نیوجرسی) ۱۰ پذیرای امتیاز نفت ایالات شمالی ایران هستند. پیشتر، حسین علاء تمایل دولت ایران را برای همکاری با امریکایی ها به آن ها اطلاع داده بود. وزیرمختار دولت امریکا در تهران هم نظرات دولت متبوع خود را در چهار فصل از طریق وزارت خارجه به سمع و نظر دولت ایران رساند:

"شرکت های امریکایی درصدد بر خواهند آمد که امتیاز نفتی در ایالات شمالی ایران تحصیل کنند و وزارت خارجه امریکا امیدوار است که در این باب توفیق یابند.

وزارت خارجه امريكا خوشوقت است كه دولت ايران متوجه اين نکته شده كه يك منبع مهم اقتصادي آن نبايد به انحصار يك شركت واحد خارجي درآيد.

وزارت خارجه امريكا معتقد است كه انحصار توليد ماده خام مهمي مانند نفت توسط يك مؤسسه خارجي، مخالف با اصل رفتار مساوي با اتباع تمام كشور هاي خارجي است.

وزارت خارجه امريكا به دولت ايران توصيه مي كند كه از لحاظ منافع ايران و از لحاظ روابط اقتصادي بين المللي مصلحت در اين است كه اعطاي امتياز نفت متوقف گردد تا آنكه شركت هاي امريكايي فرصت اين را داشته باشند كه درباره آن با دولت ايران وارد مذاكره شوند."

مصطفي فاتح به نقل از كتاب روابط خارجي امريكا در سال ۱۹۲۰ مي نويسد:

"در تاريخ دوازدهم اوت ۱۹۲۰، معاون وزارت خارجه امريكا نام هاي به وزيرمختار ايران در واشنگتن نوشته و گفته بود: طبق درخواست شفاهي كه ضمن صحبت نموديد و مشعر بر اين بود كه دولت شما ماييل است شركت هاي امريكايي درصدد تحصيل امتيازات نفت در ايالات شمالي ايران برآيند، با ن هایت مسرت به سفارت خود در تهران تلگرافاً اطلاع داد هام كه وزارت خارجه امريكا عقیده دارد كه شركت هاي امريكايي درصدد تحصيل امتياز نفت در ايالات شمالي خواهند بود و وزارت خارجه امريكا اميدوار است كه شركت هاي امريكايي در اين باب توفيق حاصل كنند و نيز با خشنودي به اطلاع ميرساند كه نماينده مختار شركت نفت استاندارد نيوجرزي ضمن نام هاي به وزارت خارجه امريكا اطلاع داده است كه اصولاً شركت مزبور پيشنهاد ورود به عمليات در شمال ايران را با حسن نظر تلقی خواهد كرد، اگر توافق مطلوبي در اينباره با دولت ايران حاصل گردد."

فاتح در ادامه با استناد به مطالب همين كتاب مي نويسد:

"در ملاقاتي كه بين وزيرمختار امريكا و وزير خارجه ايران صورت مي گيرد و مطالب فوق مذاكره مي شود، وزير خارجه ايران اظهار مي دارد كه امتياز خوشتاريا بيعتبار است و درباره امتياز نفت به شركت هاي امريكايي هم اظهارنظري نمي تواند بكنند، زيرا مجلس شوراي ملي تعطيل است و اين قضيه پس از آنكه مجلس رسماً و قانوناً تشكيل شد، بايد مطرح مذاكره قرار گيرد."

کارشکنی شرکت نفت انگلیس _ پرشیا

گزارش ورود نماینده شرکت نفت انگلیس _ پرشیا برای تأیید امتیاز خوشتاریا و گرفتن امتیاز نفت ایالات خراسان و آذربایجان که جزء امتیاز خوشتاریا نبود، موضع دوستانه دولت امریکا را به اعتراض بدل کرد. دولت امریکا به اخذ امتیاز امیدوار بود و یکتنه به مبارزه با شرکت نفت انگلیس _ پرشیا برخاست. آنان قبلاً از دولت ایران خواسته بودند پیش از ورود شرکت های امریکایی به ایران از مذاکره درباره نفت شمال با هر کشوری خودداری کند.

احتیاجات مالی ایران دلیل شتابزدگی دولت بود. دولت ایران برای ایجاد تعادل در بازار نفت ایران، از طریق وزیرمختار خود در امریکا از آن کشور یک وام ۱۰ میلیون دلاری درخواست کرده بود. در این سو، مذاکرات شرکت نفت انگلیس _ پرشیا با دربار ایران به نتیجه نرسید و شرکت برای زیر فشار قراردادن دولت ایران، پرداخت حق الامتیاز ۱۶ درصدی ایران از منافع شرکت را تا مشخص شدن وضع امتیاز نفت شمال به تعویق انداخت.

واگذاری امتیاز نفت شمال به شرکت استاندارد اوایل

در روزهایی که دغدغه اصلی دولت و دربار مسائل مالی بود، شرکت نفت انگلیس _ پرشیا با پرداخت نکردن حق الامتیاز دولت ایران بر مشکلات افزود. مذاکره با امریکایی ها راه نجات بود و دولت هم برای حل مشکل درباره امتیاز نفت شمال، با شرکت «استاندارد اوایل» وارد مذاکره شد. سرانجام، بر اساس مصوبه ۳۰ آبان ۱۳۰۰ / ۲۳ نوامبر ۱۹۲۱ مجلس شورای ملی امتیاز نفت شمال به "استاندارد اوایل" واگذار شد.

مصوبه مجلس شورای ملی که در ۳۰ آبان ۱۳۰۰ / ۲۱ نوامبر ۱۹۲۱ با قید فوریت به قانون تبدیل شد و به تصویب رسید، بدین شرح است:

"ماده اول: مجلس شورای ملی واگذارن امتیاز استخراج نفت را در ایالات آذربایجان و خراسان و گیلان و استرآباد و مازندران به کمپانی استاندارد اوایل آمریکایی به شرایط ذیل تصویب می نماید.

ماده دوم: مدت این امتیاز بیش از پنجاه سال نخواهد بود.

ماده سوم: حقوق دولت بیشتر از صدی ده کلیه نفت و مواد نفتی است که کمپانی از چاه ها خارج می نماید؛ قبل از آنکه هرگونه خرجی به آن تعلق گیرد.

ماده چهارم: شرایط دیگر این امتیاز از قبیل تسعیر سهم دولت در صورتی که دولت صلاح بداند و طرز تأدیه آن و نظرات دولت ایران و عواید کمپانی و شرایط ابطال کننده امتیاز و سایر شرایط لازم برای حفظ حقوق دولت و مملکت را دولت تهیه و پس از توافق نظر با کمپانی مزبور به مجلس شورای ملی پیشنهاد خواهد نمود.

ماده پنجم: کمپانی استاندارد اوپل نمی تواند به هیچوجه این امتیاز را به هیچ دولت یا کمپانی یا شخصی انتقال بدهد و همچنین، شراکت با سرمایه داران دیگر منوط به تصویب مجلس شورای ملی ایران است و عدم رعایت این ماده باعث سقوط امتیاز از درجه اعتبار خواهد بود.

احمد قوام (قوام السلطنه)، نخست وزیر، بر همین اساس بخشنام های صادر کرد و مراتب را به اطلاع مدیران دولتی رساند:

"...در جلسه ۲۳ نوامبر [۳۰ آبان ۱۳۰۰] در مجلس شورای ملی بر حسب پیشنهاد دولت، امتیاز معادن نفت آذربایجان، خراسان، استرآباد، مازندران و گیلان به کمپانی استاندارد اوپل امریکایی واگذار و به اتفاق آرا تصویب شد. [...] مسبق باشید که زمان حکومت تزاری، خوشتاریا، تبعه روس، این امتیاز را به استثنای بعضی ایالات بدون شرایط قانونی تصویب مجلس گرفته بود و در کابینه های بعد بطلان امتیاز مزبور به سفارت روس و سایر سفارتخانه ها اعلان و از درجه اعتبار ساقط شد. معهدا، کمپانی معظم جنوب مدعی است که خوشتاریا این امتیاز را به کمپانی مزبور انتقال داده؛ در صورتی که هم آنوقت، وزیر خارجه وقت، کمپانی را به بطلان امتیاز کتباً متوجه نموده و در مذاکرات با سفارت انگلیس نیز این مطلب همیشه خاطر نشان شده است."

عبدالله مستوفی درباره اعطای امتیاز نفت شمالی به شرکت استاندارد اوپل در بخشی از خاطرات خود می نویسد:

"یکی از کار های خیلی پر سر و صدای و خیلی بی نتیجه، کابینه قوام السلطنه موضوع واگذاری نفت شمال به شرکت استاندارد اوپل امریکایی به شمار می آید. هنر شخص قوام السلطنه در این امر، پن هان نگاه داشتن مذاکرات مقدماتی بود همین که مذاکره با نماینده، کمپانی ختم و قرار و مدار کار گذاشته شد، رئیس الوزراء لایحه پیشنهاد آن را تنظیم و تقاضای جلسه سری و در این جلسه مطلب را آفتابی کرد و بدون این که مجالی به خبرچین های سفارتی که در در مجلس بودند داده شود جلسه علنی تشکیل گردید و نظر به تقاضای دولت فوریت لایحه تصویب و تا عصر همان روز تمام تشریفات مقدماتی کار به عمل آمده و در جلسه، دیگر علنی که

عصر مجدداً تشکیل شد قانون واگذاری نفت شمال به کمپانی استاندارد اوپیل در یک ساعت و نیم از شب گذشته به اکثریت قریب به اتفاق از مجلس گذشت"

اعتراض شوروی و انگلیس

اعطای امتیاز نفت شمال به شرکت "استاندارد اوپیل" به انگلیس و شوروی مخابره شد و به تدریج صدای مخالفت آنان به دربار رسید. هر یک از دو طرف با استدلال های گوناگون درصدد القای غیرقانونی بودن آن بودند. سفارت شوروی به بند ۱۳ عهدنامه ایران و روسیه، مورخ فوریه ۱۹۲۱ (بهمن - اسفند) اشاره می کرد که طبق آن، دولت ایران متعهد شده بود، امتیازاتی که دولت شوروی به ایران مسترد می کند، به هیچ دولت یا اتباع دولت ثالثی واگذار نکند. آن ها واگذاری امتیاز نفت شمال به شرکت استاندارد اوپیل را خارج از تعهدات دولت ایران می دانستند. دولت ایران با ارسال نام های به دولت شوروی یک بار دیگر غیرقانونی بودن امتیازنامه خوشتاریا را متذکر شد و این قرارداد را خارج از شمول قرارداد های دو دولت دانست.

دولت انگلیس هم در نامه های اعتراض آمیز خود به فروش امتیازنامه نفت شمال از سوی خوشتاریا به شرکت اشاره می کرد، اما اعتراض شرکت نفت انگلیس - پرشیا و جاهت قانونی نداشت. دولت ایران هنگام عقد قرارداد، بیاعتبار بودن امتیازنامه خوشتاریا را به سفارت انگلیس اطلاع داده و این شرکت با علم به این مسئله قرارداد را از خوشتاریا خریده بود.

رئیس دولت ایران، احمد قوام، برای رفع نارضایتی طرف انگلیسی با کاردار سفارت انگلیس در تهران ملاقات کرد که شرح آن در تلگرافی از سوی قوام به سفارت ایران در لندن به تاریخ ۸ آذر ۱۳۰۰ ش مخابره شد:

"راجع به اعطای امتیاز نفت شمال به کمپانی استاندارد اوپیل، سفارت انگلیس کتباً به وزارت خارجه و اینجانب اعتراض نمود و جواب داده شد که چون نوشت های که در دست خوشتاریا بوده است، به تصویب مجلس نرسیده و قبل از انتقال به کمپانی نفت جنوب ملغی بوده و ابطال آن را حین انتقال دولت به وزارت خارجه انگلستان اعلام کرده است، ادعای کمپانی نفت جنوب لغو و از درجه اعتبار ساقط است. دیروز هم، حضوراً دلایل بطلان نوشته مزبور و انتقال آن را به شارژدافر، [کاردار] انگلیس، گفتم و در جواب شارژدافر که در ضمن دفاع از کمپانی نفت جنوب، عدم مراجعه دولت را به سفارت انگلیس غیردوستانه تلقی می کرد، اظهار داشتم که چون تقریباً ده روز قبل از اعطای امتیاز به کمپانی امریکایی راجع به امتیاز خوشتاریا در مجلس مذاکره شد و من بطلان امتیاز خوشتاریا را در مجلس اظهار کردم و مجلس از اظهار من اتخاذ سند نمود و شما هم سکوت کردید.

دیگر، دلیلی نمی ماند که تصور کنم، مراجعه نکردن من در این موضوع که حق مطلق دولت و بلامانع بوده است، بر خلاف دوستی تعبیر شود. شارژدافر اظهار داشت شما به کلنل گری اظهار کرده بودید متأسف هستمید که قبلاً با لرد کرزن مشورت نشده است و من این مطلب را به لرد کرزن تلگراف کردم. گفتم این اظهار کلنل گری را تکذیب می کنم. گفت شاید کلنل گری این اظهار را نموده و شما تصدیق کرد هاید، آن را هم رد کردم. قرار شد رفع این سوء تفاهم را بنمایید. ضمناً از بیپولی مذاکره شد. گفت کلنل گری اظهار میداشت که تقاضا کرد هاید وضعیت دولت را به لرد کرزن اطلاع داده و مشخص کنم به چه شرایطی به دولت کمک خواهند کرد. گفتم این پیشنهاد را کلنل گری کرد و من گفتم اگر شرایطی برای دادن پول می کنند، مختارند، لکن باید معلوم شود که امتیاز نفت شمال که به کمپانی امریکایی داده شده و گذشته است، از موضوع شرایط خارج است. مطلب دیگر که لازم است به فوریت تحقیق نمایید، این است که چون اول دسامبر باید سهم دولت از عایدات نفت جنوب پرداخته شود، به وسیله محاسب انگلیسی معلوم نمایید عایدات دولت بابت سال ۱۹۲۰ چه مبلغ بوده است؛ چون تا حالا به اختلاف گفته شده است، تحقیق صریح و فوری را اطلاع بدهید."

دولت در هراس

از تلگراف احمد قوام به حسین علاء که در تاریخ ۱۰ آذر ۱۳۰۰ تنظیم شد، اینگونه استنباط می شود که دولت به هر نحو ممکن مخالفت دولت شوروی و انگلیس را با اعطای این امتیاز مرتفع کرده بود. گرچه به درستی نمی دانیم دولت ایران چه راهی را برای حل مشکل پیش گرفته بود، صرف فروکش کردن اعتراض ها در آن زمان برای دولت ایران یک پیروزی بزرگ بود. نگرانی دیگر دولت ایران که از تلگرام احمد قوام به حسین علاء درک می شود، آینده مذاکره با شرکت «استاندارد اویل» بود که اخباری از آن به تهران مخابره نمیشد:

"در باب امتیاز نفت شمال به کمپانی امریکایی، بالاخره مقاومت شدید دولت که بر خلاف تصور همسایگان بود و همچنین هیجان افکار تهران و سایر نقاط مملکت و مقالات شدیدالحن جراید، سفارت روس را از تعقیب اعتراضات منصرف و اساساً موافق نموده است و از حرارت انگلیسی ها نیز کاسته است، به قسمی که می توانم به جنابعالی بشارت بدهم که مقصود حاصل و اشکالات مرتفع می شود. فعلاً، نگرانی دولت از تأخیر تلگراف جنابعالی است. نمیدانم چه عللی موجب شد که تا به حال از شمه اقدامات خودتان به دولت اطلاع نداد هاید. لازم است هرچه زودتر اساس امتیاز را به امضای کمپانی رسانیده، نتیجه را در این موضوع و در موضوع قرض و مستشار به فوریت اطلاع دهید."

به نظر می رسد حسین علاء همچنان از واکنش دولت های روس و انگلیس نگران بود و ضمن دعوت دربار به مقاومت در برابر این اعتراضات، این اقدام را برای دولت ایران واجب می دانست. ۲۲ قوام با ارسال تلگرامی در تاریخ ۱۱ آذر ۱۳۰۰ به حسین علاء اطمینان خاطر داد.

"در باب مقاومت دولت در مقابل اعتراض روس ها و انگلیسی ها [...]، مطمئن باشید که دولت با عزم تغییرناپذیر خود مقاومت نموده و در نتیجه مقاومت دولت و توجه عمومی مردم، حضرات ساکت شده و قطعاً تسلیم نظریات دولت می شوند. از این بابت نگران نباشید و انجام امر را به فوریت اطلاع دهید."

او در تلگرام بعدی خود به حسین علاء در همان روز، موافقت سفارت روس و انگلیس با اعطای امتیاز به "استاندارد اوپیل" را اعلام و مسیر مذاکرات با وزارت امور خارجه امریکا را به سوی دریافت کمک های مالی از این دولت هدایت کرد.

"بعد از جواب های سخت دولت، از طرف انگلیسی ها دیگر اظهاری نشد و سفارت روس هم بعد از شنیدن جواب های سخت و مشاهده شغف عمومی و مقاومت جراید و موافقت ولایات با دولت نسبت به اعطای امتیاز به کمپانی امریکایی اظهار موافقت می نمایند. از مقاومت خللناپذیر من مطمئن [باشید] تا بتوانید در انجام امر تسریع نمایید. در مسئله پول، اگر کمک فوری نشود، زحمات و اقدامات من مختل خواهد شد."

شرکت نفت انگلیس_ پرشیا در تلاش برای دورزدن امریکا

اختلافات ایران و شرکت نفت انگلیس_ پرشیا همچنان به قوت خود باقی بود. معلوم است که کمپانی دوست نداشت هیچ کشوری در نفت ایران سهیم شود. دولت انگلیس با استناد به یک قرارداد بی اعتبار، خود را صاحب منابع نفت شمال ایران می دانست. داوود مفتاح (میرزا داوود خان مفتاح السلطنه)، وزیرمختار ایران در لندن، از طریق سفارتخانه ایران تلاش می کرد دولت بریتانیا را مجاب به پذیرش امر کند، اما سخنان سرچارلز گرینوی، ۲۵ رئیس هیئت مدیره شرکت نفت انگلیس_ پرشیا در دوازدهمین مجمع عمومی صاحبان سهام بیانگر آن است که شرکت این اقدام را به نفع دولت ایران نمی دانست و دولت ایران را به مصادره اموال متهم کرد:

"برای اولین دفعه، بین دولت ایران و شرکت نفت اختلاف عمد های روی داده است. دولت ایران بدون هیچ دلیل موجهی مدعی شده است که امتیاز خوشترایا از درجه اعتبار ساقط است، زیرا امتیاز مزبور به تصویب مجلس شورای ملی نرسیده است و مذاکراتی را با شرکت نفت استاندارد شروع کرده است که امتیازی شامل همان

نواحی امتیاز خوشتاریا به اضافه دو ایالت دیگر را به شرکت مزبور اعطا نماید. این عمل دولت که جنبهٔ مصادره را دارد، موجب تعجب بسیار گشته و مسلماً به صلاح دولت ایران نیست که از تشریک مساعی با شرکت ما خودداری نماید. وثوق الدوله، نخست وزیر سابق ایران که خود یکی از امضاکنندگان امتیاز خوشتاریا است، اکنون در لندن است و اظهار داشته حاضر است گواهی بدهد که امتیاز خوشتاریا قانونی بوده و در وضع عادی اعطا شده است."

زمانی که شرکت نفت انگلیس_ پرشیا با گفتگو و حتی تهدید نتوانست به اهداف خود برسد، سعی کرد شرکت استاندارد اوپل را مجبور به همکاری کند. عقب نشینی شرکت از ادعاهای اول خود گویای این واقعیت است که در شرایط اضطرار به حداقل منافع از نفت شمال ایران هم رضایت داشته است.

لرد کدمن در حاشیه مجمع سالانه مؤسسه نفت امریکا، با مسئولان شرکت امریکایی دیدار کرد و کوشید به مسئولان شرکت بقبولاند که در صورت کشف نفت، این شرکت برای صادرات ناگزیر است یا با شوروی یا شرکت نفت ایران و انگلیس کنار بیاید.

تمام درها به روی دولت امریکا باز است

نفت شمال و پیامدهای آن برای دولت ایران دردسرساز شد و مسئولان نمی دانستند چه سیاستی را در برابر واکنش طرفین دعوا پیش گیرند.

هنگامی که دولت از دیدار جان کدمن با رؤسای شرکت آگاه شد، مراقب بود در تصمیم شرکت نفت "استاندارد اوپل" اخلاقی پیش نیاید. انعقاد قراردادهای جدید با دولت امریکا آن ها را به حضور مداوم در ایران دلگرم می کرد. به همین منظور، قوام با کاردار سفارت امریکا در تهران درباره عقد معاهداتی جدید با موضوع استخدام مستشاران نظامی و غیرنظامی و خرید تجهیزات و تسلیحات از امریکا وارد گفتگو شد.

او پس از دیدار با کاردار سفارت امریکا در تهران، تلگرامی مفصل برای حسین علاء، وزیرمختار دولت ایران در واشنگتن، در تاریخ ۱۴ آذر ۱۳۰۰ نوشت که علاوه بر روشن کردن مسائل مرتبط با قرارداد نفت شمال، حکم گزارشی از اوضاع و احوال عمومی کشور را داشت. ضرورت تنظیم گزارش آن بود که علاء با انتقال آن به وزارت خارجه امریکا نگرانی طرف امریکایی را از مداخله روسیه و انگلیس در ایران راحت کند:

"اولاً، امروز اطلاع حاصل شد که کمپانی استاندارد اوپل برای اسکات کمپانی نفت جنوب درصدد است، قراردایی با کمپانی مزبور بدهد. لزوماً، تذکر می‌دهم که اگر چنین قراردادی از قبیل شرکت کمپانی نفت جنوب در امتیاز نفت شمال یا به طور دیگر صحت داشته باشد، علاوه بر اینکه مخالف ماده پنجم اعطای امتیاز است، در افکار عمومی که فوق العاده متوجه امر امتیاز شده است، سوء اثر دارد. صحت و سقم موضوع را تحقیق و اگر صحت دارد، جلوگیری فرمایید.

ثانیاً، در باب اوضاع عمومی مملکت برای اینکه در موقع بتوانید پاره‌ای [انتشارات محتمله را تکذیب نمایید، تذکر می‌دهم که از بدو تشکیل کابینه خود، چون پیشرفت مقاصد حسنه دولت را موقوف به امنیت و آرامش مملکت می‌دانستیم، با وجود اینکه سیاست مستقلی اتخاذ نموده و عدم تمایل به همسایگان، تولید مشکلات کرده بود، معهداً بحمدالله، موفقیت کامل در اعاده امنیت حاصل و در عموم ولایات امنیت کامل برقرار است. فقط در مغرب آذربایجان، اسماعیل آقا [سیمیتقو] باقی است که با ده هزار قشونی که دولت در مقابل او تمرکز داده، امید است به زودی رفع شود. قوه نظامی فعلاً غیر از امنیه راه و پلیس ولایات به سی هزار نفر میرسد و کمتر موقعی دولت از حیث قوای نظامی اینطور مقتدر بوده است.

ثالثاً، به طوری که در تلگرافات اخیر، مکرر گوشزد کرد هام، از مقاومت دولت در مقابل اعتراضات همسایه ها کاملاً مطمئن باشید. تا آخرین درجه مقاومت خواهد شد و در سایه همین مقاومت حضرات ساکت شده اند.

رابعاً، به طوری که مسبوق هستید، دولت در نظر داشت برای تعلیمات نظامی یک عده صاحبمنصب از سوئد استخدام کند و دولت سوئد هم قبول کرده بود، ولی نظر به اینکه صاحب منصبان سوئدی اخیراً در ایران سوابق خوشی نداشته و محبوبیتی ندارند و به علاوه پس از آمدن مستشاران مالیه امریکایی، استخدام صاحب منصب از امریکا به چندین نظر مرجح است و صلاح میدانم تا میزان ده نفر صاحبمنصب برای اتاماژور ۲۷ [استاد ارتش] قشون و مدرسه نظام و متخصص برای اروپلان [هواپیما] از امریکا استخدام شود. در این باب، با شارژدافر محرمانه مذاکره شد و موافق است، ولی هنوز با مجلس مذاکره نکرد هام. جنابعالی بدواً خیلی محرمانه در این باب مذاکره و نظریات دولت امریکا را معلوم نمایید.

خامساً، پس از صورت گرفتن امر استقراض، مقداری اسلحه از قبیل تفنگ و توپ و چند اروپلان و چند دستگاه اتوبوس زرهپوش برای دولت لازم است. در این باب، با شارژدافر مذاکره شد و مشارالیه موافق است و در این باب، بعد دستور داده خواهد شد.

سادساً، در تلگرافات سابق، اشعار داشت هام که چندین کمپانی برای تحصیل امتیاز نفت شمال برای مساعدت های نقدی هم حاضر شده بودند و در این موقع که امتیاز به استاندارد اوپل داده می شود و از مساعدت های نقدی مزبور صرف نظر شده، مقتضی است لاقلاً در باب میزان وجه استقراض مساعدت بیشتری بکنند که لاقلاً ده میلیون دلار استقراض شود. هر نوع اهمیاتی که ممکن است در این باب نموده، زودتر نتیجه اقدامات را تلگراف نمایید. اخبار رویت و تکذیبی که در جراید شده است، ذیلاً درج است"

علاء در تلاش

فشار دولت باعث شد حسین علاء بدون فوت وقت با مقامات شرکت مکرر دیدار کند، زیرا هر تعللی ممکن بود دولت را از رسیدن به هدفش بازدارد. او با تلگرافی در ۱۵ آذر ۱۳۰۰ / ۶ دسامبر ۱۹۲۱ گزارشی مشروح از اقدامات خود به قوام السلطنه ارائه کرد:

"اولاً، با کمپانی گفتگو کردم. در تمام شرایط، موافقت حاصل [است]، غیر از سهم‌دادن و حق دولت. در هر دو فقره قبل از وصول تلگراف حضرت اشرف، ن‌هایت کوشش داشتم راضی نشده، با کمپانی های دیگر مذاکره نمود، می خواستند صدای [پنج بدهند، باز اهتمام می کنم، اما امیدواری ندارم. ثانیاً، قبل از موافقت در باب حق دولت، صلاح نیست فوری امتیاز امضا شود. ثالثاً، لانسینگ هم اظهار داشت قبلاً مبادرت به استقراض اسباب امتناع کمپانی از قبول شرایط بهتر می شود. سعی می کنم هر دو با هم تمام شود. رابعاً، ضدیت روس و انگلیس نمی دانم در اینجا چه اثرات بیخشد. تصور می کردم بعد از رفع موانع به مجلس پیشنهاد خواهید کرد. حالا هم هرچه زودتر رفع مشکلات را تلگراف فرمایید. در اینجا، از روس ها اندیشه ندارند. از انگلیسی ها ملاحظه دارند؛ اما تصور می کنم با مقاومت دولت رفع خواهد شد. خامساً، در باب مستشار با اینکه هرروز وعده می دادند، می گویند رفتن مستشار قبل از وزیرمختار صلاح نیست. وزیرمختار عن قریب حرکت می کند. پس از رسیدن راپرت او فوراً مستشار مالیه معرفی می شود. عجله دولت حضرات را به خیال انداخته می گویند، این دفعه باید از مشکلات محتمله احتراز نمود. مساعدت هایی که خواسته اید، خواهیم کرد، ولی با اطمینان که زحمات هدر نرود. بهترین نتیجه که برد هاید، نماینده ای است که دوست رئیس جمهوری است. چهار ماه تأخیر نسبت به قرن ها عمر ایران اهمیت ندارد. تا وزیرمختار نرود راپرت ندهد، نمی توانیم صاحبان سرمایه را به دادن قرض کلی تشویق کنیم. اگر واقعاً مسئولیت معنوی دولت امریکا را در دادن مستشار می خواهید و فکر قرض هستید، باید به فرصت اقدام شود والا، خودتان هم می دانید هر کس را استخدام نمایید، جداً می گویند این ترتیب ربطی

به انگلیس ندارد. یقین دارم حقیقتاً میل مساعدت دارند، منت ها برای حفظ حیثیت وزیرمختار مقتضی می دانند که قبل از مستشار مالیه به تهران برسد. با لانسینگ مشورت کردم، می گوید اولاً، معلوم نیست که می خواهند وزیرمختار برود یا اختلافات داخلی در تعیین مستشار باعث تأخیر شده یا ملاحظات بین المللی است که قرض و مساعدت زیاد را که اسباب رنجش انگلیس می شود، صلاح نمی دانند. ثانیاً، هرگاه اجیرکردن مستشار را فوراً لازم بدانید، ممکن است آدم لایق به وزارت خارجه پیشنهاد و اگر ایراد نکردند، استخدام نمود که مشغول زمینه استقراض بشود و در موقع مقتضی عازم بشود. ثالثاً، حسن معرفی وزارت خارجه این است که منتخب آن ها شاید بیشتر طرف توجه امریکا واقع شود. از طرف دیگر، هرگاه از روی نظریات فرقه [ای] و خصوصی آدم نالایقی را معرفی نمایند یا اگر وزیرمختار خوب از آب بیرون نیاید، روابط زیاد داشتن مستشار با او صلاح نیست. رابعاً، استخدام مستشار بدون معرفی دولت امریکا و قناعت به تصدیق آن از معایب مذکوره در فوق شاید از دولت امریکا محظور احتمالی را که سبب تأخیر شده، رفع نماید. خامساً، رجحان استخدام به معرفی وزارت خارجه مسلم نیست. در باب قرض عمومی هم اثر کلی ندارد. پیشرفت استقراض منوط است به اوضاع داخله و اطمینانات و وثیقه های ایران. البته، اجیرکردن آن ها نباید طوری باشد که موجبات عدم رضایت وزارت خارجه فراهم شود و از نصیحت مساعد به سرمایه داران دریغ نمایند. این بود حاصل مشورت با لانسینگ؛ اما بنده به موجب دستورالعمل با وزارت خارجه مذاکره نموده، مترصد معرفی بودم. هنوز هم مایوس نیستم. لکن با شتاب دولت علیه، رفع عوائق بسته است به اینکه با ملاحظه اطراف [کذا] کمپانی میپرسد در امتیاز راه آهن جلفا به تبریز، حقی برای نفت داده شده یا نه. عین فصل راجع به امتیاز معادن و غیره در اطراف راه آهن مزبور را تلگراف فرمایید."

حسین علاء همچنین با ارسال نام های دیگر در ۱۷ آذر ۱۳۰۰ قوام السلطنه را در جریان میزان سود دریافتی ایران از استاندارد اوایل و مقدمات معرفی مستشار قرار داد:

"مقاومت دولت علیه اثر مطلوب کرده است و ظاهراً موافق و مؤید هستند. ولی کمپانی قدری تردید پیدا کرده، مجدداً سؤالاتی در باب مشروعیت امتیاز می کنند. متأسفانه، از ۳۲ درصد بالا نمیروند. اهل فن این میزان را عادلانه میدانند، معهداً در کار هستم بلکه به توسط مقامات رسمی، کمپانی را به افزودن حاضر نمایم؛ اما باز امیدواری ندارم. ثانیاً، لانسینگ و صاحبان نفوذ را واداشتم در فقره مستشار مذاکره کردند. وزارت خارجه کماکان جواب داد که از واقعه شوستر تجربه تلخی حاصل کرده ایم، می خواهیم این دفعه بااحتیاط قدم برداریم، راپرت وزیرمختار که رسید اقدام می کنیم. بهقاعده، راپرت، ماه آوریل به واشنگتن خواهد رسید. ثالثاً، وزیرمختار آمد، با او مذاکرات مفصل داشتیم، وعده داد در پیشرفت مقاصد حتیالمقدور کمک نماید. شخص متین خیرخواهی به

نظر می‌آید. ژانویه عازم است، عبوراً احساسات انگلیسی را نسبت به ایران خواهد سنجید. می‌خواهد در صورت امکان از راه مسکو برود که احساسات روس‌ها را هم بفهمد. آیا ممکن است به توسط سفارت مسکو عبور او را تسهیل فرمایید که سالم‌اً به تهران برسد یا نه؟"

رقیب انگلیسی قویتر از آن بود که "استاندارد اوایل" تاب مقاومت در برابر آن را داشته باشد و سرسختتر از آنکه راحت از میدان به در شود. دولت انگلیس که از رایزنی‌های حسین علاء در امریکا خبر داشت، مراتب ناراضیاتی خود را از اقدامات در حال وقوع به سفارت ایران در لندن بازتاب داد. شواهد امر حاکی از آن است که اقدامات دولت انگلیس شرکت استاندارد اوایل را در عقد قرارداد با ایران دچار تردید کرده بود. ناراضیاتی قوام از اوضاع در تلگرام ۱۸ آذر ۱۳۰۰ به حسین علاء مشهود است:

"قبلاً، احتمال می‌دادم که اقدامات انگلیسی‌ها از امضای سریع امتیاز جلوگیری کرده باشد، لکن به جدیت جنابعالی اعتماد داشتم که با تمام وسایل اقدامات آن‌ها را بی‌اثر نموده باشید. متأسفانه، [...] معلوم می‌شود که انتریک انگلیسی‌ها کمپانی استاندارد را در سرعت انجام امر مردد نموده و حال اینکه با مقاومت شدید دولت و دلایلی که بر بطلان دعوی انگلیسی‌ها اقامه شده است و با مسرت عمومی ایرانیان که از عموم طبقات و از تمام نقاط مملکت تلگرافات تبریک به دولت گفته و در مقابل دعوی باطل کمپانی نفت جنوب یک نوع هیجان عمومی تولید شده است. دیگر برای انگلیسی‌ها چاره‌[ای] جز تسلیم و تصدیق باقی نمانده، چنانکه اخبار رویتر مورخهٔ دوم دسامبر نیز حاکی است که کمپانی نفت جنوب با کمپانی استاندارد داخل مذاکره شده، امیدوار هستند که موافقتی حاصل نمایند و نیز رویتر به تاریخ فوق اظهار داشته است که امتیاز استاندارد لطمه‌[ای] به عملیات کمپانی نفت انگلیس و ایران در جنوب ایران وارد نمی‌نماید. راجع به سؤالات اخیر استاندارد در باب مشروعیت امتیاز، خود جنابعالی از دلایل دولت کاملاً اطلاع دارید. اقوی دلیل، عدم تصویب مجلس است و انگلیسی‌ها نمی‌توانند این دلیل را کافی ندانند، زیرا به همان دلیل که قرارداد ایران و انگلیس را یک کابینه منعقد نمود و پس از چندی، کابینهٔ دیگر ملغی کرد و انگلیسی‌ها هم تصدیق کردند دیگر نمی‌توانند مدعی شوند که دادن امتیاز به خوشتاریا در یک کابینه معتبر بوده و ابطال آن به وسیلهٔ کابینهٔ دیگر غیر معتبر است. در این صورت، برای کمپانی استاندارد هیچ نوع تردید و تأملی مورد نخواهد داشت و هر نوع مذاکره‌[ای] که با کمپانی نفت جنوب در این موضوع نمایند، زائد است؛ و اما راجع به حق دولت، چون مجلس تصویب کرده است بیشتر از صدی ده باشد، مجدداً نمی‌توان مطلب را در مجلس عنوان نمود. جنابعالی باید سعی نمایید هر قدر ممکن باشد، از صدی ده علاوه شود، ولو اینکه صدی دوازده یا کمتر باشد، به طوریکه عبارت بیشتر از صدی ده را که مجلس تصویب کرده است، شامل بشود. امیدوارم هر چه زودتر کمپانی را متقاعد نموده، اساس امتیازنامه را

به امضا برسانید و در باب قرض سعی کنید به وثیقه عایدات تحدید و دخانیات استقراض شود که وثیقه دادن عایدات نفت جنوب، انگلیسی ها را متأثر ننموده بر اشکالات بیفزاید. در باب مستشار، چون دولت ترجیح می دهد به وسیله وزارت خارجه معرفی و استخدام شوند، مذاکرات را به متانت تعقیب نمایید که بر خلاف میل امریکا اقدامی نشود. در باب خط مسافرت وزیرمختار با سفارت روس، مذاکره نموده، به جنابعالی اطلاع خواهم داد. راجع به امتیاز راه آهن جلفا - تبریز رجوع شد. در اطراف راه، به فاصله ده فرسخ، امتیاز زغال و نفت به کمپانی مزبور داده شده است. بدیهی است بعد از آنکه کمپانی استاندارد داخل عملیات شد، ممکن است در این باب هم وسایل موافقتی حاصل شود."

قوام السلطنه، دست به دامان علاء

عمر دولت قوام به قرارداد نفت شمال بستگی داشت. شایان یادآوری است که وضع مالی دولت در آن سال ها بسیار بد بود و کشور در شرایط بحرانی بود. به دلیل کمبود پول، بیشتر فعالیت های کشور به حالت نیمه فلج درآمد و به ویژه عقب افتادن حقوق قشون و پلیس جنوب عواقبی خطرناک برای دولت در پی داشت. قوام السلطنه همواره سعی می کرد اوضاع ایران را از حسین علاء مخفی کند، اما سرانجام در ۲۰ آذر ۱۳۰۰ با ارسال تلگرامی به حسین علاء از واقعیت داخلی کشور پرده برداشت و از او خواست هرچه سریعتر برای نجات دولت کاری بکند. حتی به او متذکر شد که برای جلب نظر امریکایی ها از سهم مجانی دولت از قرارداد، صرف نظر می کند و حق دولت را تا حدی که مجلس تصویب کند، پایین می آورد:

"بی پولی تمام کارها را فلج و وضعیت را خطرناک کرده. حقوق قشون و پلیس طهران چهار ماه است نرسیده. تنها قشون، دو میلیون و نیم طلبکار است. شارژدافر انگلیس نت (یادداشت) سخنی از طرف لرد کرزن دو روز قبل برای من قرائت کرد که فوق العاده اظهار نگرانی از اقدامات دولت در واشنگتن نموده و بالاخره با شرایطی وعده کرده بود که بانک شاهنشاهی و کمپانی نفت جنوب ممکن است نصیحت مساعد بدهد، لکن چنین شرایطی قابل قبول نیست. ناچار، کابینه به واسطه عسرت و بیپولی استعفا خواهد داد. فقط تا دو، سه روز دیگر جواب این تلگراف را انتظار دارم که اگر ممکن نشود پول از امریکا تهیه شود، بدون تأخیر مرا مطلع نمایید که استعفای خود را به حضور همایونی تقدیم دارم. از امضای امتیاز حمایت نمایید، به هر طور است، اساس امتیاز را به امضا برسانید. از سهم مجانی برای دولت صرف نظر نمایید. حق دولت را هر قدر ممکن شود، علاوه بر صدی ده

نمایید. همین قدر که تصویب مجلس را شامل شود، ولو اینکه قرض فعلی بر صدی ده افزوده شود و اگر رسماً صدی سی وجوه خالص را قبول می نمایند، به آن طریق انجام نموده، فوری جواب دهید."

قوام السطنه یکبار دیگر در ۲۱ آذر ۱۳۰۰ شرایط بحرانی دولت را به حسین علاء یادآوری کرد. او از حسین علاء خواست که با پایین آوردن حق السهم دولت ایران موافقت مسئولان شرکت را به هر نحو ممکن به دست آورد. چه عاملی باعث به وجود آمدن این بحران شد؟ چرا دولت ایران نتوانست از رقابت دولت های روس، انگلیس و امریکا برای بالابردن قیمت قرارداد استفاده کند و برای جلب نظر دولت امریکا به کمترین میزان درآمد تن داد؟

قوام در تلگراف دیگری به علاء می نویسد:

"انگلیسی ها شهرت داده اند که کمپانی استاندارد امتیاز نفت شمال را قبول نکرده. امیدوارم این خبر صحت نداشته باشد. ولی چیزی که اینجانب را فوق العاده نگران کرده است، تأخیر امضای امتیازنامه است که خیلی لازم بود برای احتراز از دسایس انگلیسی ها در امضای اساس امتیاز تسریع شده باشد. به هر قسم است، به فوریت امتیاز را به امضای کمپانی برسانید، ولو اینکه از ۳۲ درصد علاوه نشود. در این صورت، ۱۰ درصد عایدات غیر خالص را تبدیل به ۳۲ درصد از عایدات خالص نموده، رفع محذور تأخیر را بنمایید. [...] مشکلات بیپولی را گفته بودم و باز لزوماً می گویم اگر به فوریت وجه از امریکا نرسد، برای کابینه امکان مداومت در کار باقی نمانده. بانک شاهنشاهی دیناری مساعدت نمی کند و انگلیسی ها شرایطی در مساعدت نمودن بانک کردند که برای دولت قبول آن ها غیرممکن و با نقشه [ای] که به توسط جنابعالی در جریان است، منافات دارد. در این صورت اگر وجه فوری نرسد مجبور به استعفا خواهم بود. اگر تمام پنج میلیون دلار فعلاً ممکن نشود هر مبلغ که ممکن است، برسانید. جواب فوری را منتظرم."

ولی در اسناد موجود، خبری از جواب فوری حسین علاء نیست.

وزیرمختار امریکا در راه ایران

وزارت خارجه امریکا تعیین وزیرمختار در تهران را به معرفی مستشار ترجیح می داد، به همین دلیل قوام اصرار داشت وزیرمختار امریکا زودتر تعیین شود. همزمان، دولت امریکا برای اطلاع از موضع دولت شوروی نسبت به قرارداد استاندارد اوپل، وزیرمختار را از راه مسکو به تهران فرستاد. در این فاصله، قوام کوشید سفر وزیرمختار امریکا به تهران را تسهیل کند و در ۲۱ آذر ۱۳۰۰ نام های به تئودور روتشتاین، وزیرمختار شوروی در تهران،

نوشت. او خیلی زود قوام را از سفر وزیرمختار امریکا از مسیر مسکو یا باتومی - باکو، به ایران با خبر کرد. قوام از طریق مشاورالممالک انصاری، سفیرکبیر ایران در شوروی و حسین علاء به پیگیری ادامه داد. مذاکره حسین علاء با "استاندارد اوپل" بر سر بالابردن درصد عایدی دولت ایران از درآمد کمپانی به نتیجه مطلوب نرسید و چاره‌های جز امضای قرارداد برای او باقی نگذاشت. او در ۲۳ آذر ۱۳۰۰ به قوام نوشت:

"علت تأخیر امضای امتیاز و قرض، اصرار دولت در اضافه ۱۰ درصد و ازدیاد استقراض و تغییر وثیقه است که ممکن بود عمل را خیلی زود ختم کرد. استاندارد اوپل در پیشنهاد اول خود ثابت [است]، یعنی ۱۰ درصد حق دولت از [کذا] نفت استخراجی پنج میلیون استقراض با وثیقه عایدات نفت جنوب و در صورت لزوم، عایدات تریاک و توتون. شوستر قبول این شرایط را تجویز می کند. اهل فن صلاح نمیدانند حق دولت از منافع خالص برداشته شود، زیرا که ممکن است خیلی کم عاید بشود. اگر اجازه مرحمت فرمایند، مذاکرات را خاتمه داده، فوراً متن کنترات را تلگراف نمایم تا به تصویب مجلس رسیده، امضا شود."

قوام السطنه: من مسئولیت تمام امور را به گردن می گیرم

قوام می دانست شرایط شرکت "استاندارد اوپل" حافظ منافع دولت ایران نیست و حرف و حدیث های بسیاری میان نمایندگان ایجاد خواهد کرد، اما واهمه از شرایط پیش رو و سقوط دولت، او را وادار کرد به مسئولیت خود با امضای قرارداد موافقت کند. او بلافاصله پس از دریافت نامه علاء در پاسخ به او نوشت:

"نسبت به حق دولت که اظهار داشت هاید، کمپانی بیشتر از ۱۰ درصد نمی دهد. هرچند، با تصویب مجلس منافی است، معهداً چون تأخیر امضای امتیاز را به هیچوجه مقتضی نمیدانم، به مسئولیت خود قبول می نمایم که ۱۰ درصد را قبول نموده، فوراً و بلا تأخیر اساس امتیاز را به امضا برسانید. من هم مجلس را به این ترتیب متقاعد خواهم نمود. راجع به استقراض نیز اگرچه نمی خواستم انگلیسی ها نسبت به سیاستی که اتخاذ شده است بیش از این خشمناک شوند، ولی چون نرسیدن پول تولید مخاطرات می نماید، تصویب می کنم که قرض پنج میلیون دلار را به اعتبار سهم دولت از عایدات نفت جنوب فوری انجام نمایید. معهداً چنانچه ممکن شود، وثیقه قرض را در درجه اول از عایدات تحدید و تنباکو و در درجه ثانی از عایدات نفت قرار بدهید. در هر صورت، چون در مقابل نرسیدن حقوق قشون و ادارات به هیچوجه امکان مقاومت و تحمل باقی نمانده، به جنابعالی اختیار داده می شود که به هر طریق ممکن گردد، عمل استقراض را خاتمه داده، بدو هر مبلغ که ممکن شود به

طور مساعده برسانید که هرگاه به فوریت وجه نرسد، از شدت اضطراب کابینه استعفا خواهم نمود. منتظر جواب فوری هستم."

علاء از نگرانی های قوام آگاه بود و طی تلگرافی در همان روز، ضمن دادن قوت قلب به قوام، به او اطمینان داد ضرورتی برای استعفای کابینه وجود ندارد و با شوق و ذوق فراوان امریکا را نجاتدهنده ایران و وجودش را عاملی برای پایان دادن به دوران یکپهتازی های شوروی و انگلستان در ایران دانست:

"مأیوس نباشید. فقط اشکال امضای امتیازنامه [...] مسئله حق دولت است که آن هم با وجود سختگیری کمپانی سعی داشتم قدری از ۳۲ درصد علاوه کنم یا قرار گذاشته شود که هر قدر نفت زیادتر بیرون آمد، حق دولت را علاوه نمایند. این دو روزه نتیجه قطعی معلوم خواهد شد. اگر راضی نشدند، جز قرار ۱۰ درصد چاره نخواهد بود؛ اما اقدامات انگلیسی ها نباید موجب تزلزل کابینه واقع شود و با شیوه دیرینه خود که تهدید و تطمیع دولت است، می خواهند ملت ایران را از مساعدت امریکا که اسباب سعادت مملکت خواهد شد، محروم نمایند. وظیفه وطنپرستانه حضرت اشرف این است که با کل قدرت ایستادگی بفرمایید. مطمئن باشید کمک امریکا حتمی است و انگلیس نمی تواند کاری بکند. به رؤسای مجلس و سرکرد[ه] ها حالی بفرمایید که موقع تاریخی ایران رسیده. با اندک حوصله و فداکاری می توانند از تحت رقیت خارجه خلاص و با کمک صمیمی امریکا به اصلاحات مملکت خود موفق شوند."

عایدات نفت جنوب به عنوان وثیقه در قرارداد

در اثنای مذاکرات قوام با شرکت "استاندارد اوپل"، نامه اعتراضآمیز لرد کرزن، وزیر امور خارجه بریتانیا، به قوام السلطنه رسید که نشان می داد انگلیسی ها محتوای مذاکرات حسین علاء با "استاندارد اوپل" و وزارت خارجه امریکا را میدانند. آنان از تصمیم دولت ایران مبنی بر دریافت وام ۵ میلیون دلاری از دولت امریکا و راه اندازی راه آهن خرمشهر - بندرگز به دست امریکایی ها ناراضی بودند. در نتیجه، قوام در تاریخ ۲۴ آذر ۱۳۰۰ به حسین علاء تلگراف زد و تأکید کرد دولت امریکا عایدات نفت جنوب را به عنوان وثیقه وام در قرارداد مکتوب کند و ضمن آنکه به علاء خبر داد مجلس موضوع وام را تصویب کرده است، از او خواست خیال طرف امریکایی را از موافقت مجلس آسوده کند. او از بیم آنکه مبدا انگلیسی ها استقراض دولت ایران از امریکا را منافی منافع خود بدانند، محتوای تلگرام پیشین خود را که در آن خواسته بود در درجه اول عایدات تحدید و تنباکو به عنوان وثیقه وام در نظر گرفته شود، تغییر داد و سخنی از عایدات تحدید و تنباکو به میان نیاورد:

"اجازه داده بودم، اساس امتیاز را با قبول ۱۰ درصد حق دولت امضا نمایید. البته، منتظر نشوید که تمام مواد امتیاز تلگرافشده به تصویب مجلس برسد و بعد کمپانی امضا نماید، زیرا ممکن است در این تأخیر اشکالاتی پیش بیاید که کمپانی مردد شود. تعجیل نمایید اساس امتیاز امضاشده، بعد مواد آن را تلگراف نمایید تا به تصویب مجلس برسد. در باب وثیقه گذاشتن عایدات نفت جنوب با اینکه [...] اجازه داده بودم، معهداً رنجش انگلیسی ها را نافی حزم و موجب تولید زحمات دیگری میدانم که حتیالامکان احتراز از آن واجب است. در این صورت، لازم است اقدام نمایید کمپانی اساس استقراض را به وثیقه عایدات نفت جنوب کتباً متقبل شود، نوعی که بعد نتواند نکول نماید. همین که این سند را تحصیل نمودید، فوری اطلاع بدهید تا با مجلس مذاکره شده، پس از آن دستور قطعی داده شود. لرد کرزن تلگراف کرده است که مذاکراتی در امریکا راجع به قرض کلی ایران به وثیقه عایدات نفت جنوب و همچنین راجع به راه آهن از محمره به بندر جز در جریان است و خیلی از مسائل خشمگین شده است. البته، تصدیق می نماید که انتشار این نوع اخبار که کیفیت آن معلوم نیست، بیشتر سوءظن انگلیسی ها را تحریک می کند. بدیهی است این مطالب را مورد توجه قرار خواهید داد. راجع به امضای اساس امتیاز و تحصیل سند استقراض، منتظر اقدام فوری جنابعالی هستم که عجلتاً به اطمینان سند استقراض چند روزی قشون را ساکت نمایم. اگر تلگراف مساعد به فوریت نرسد، کار فوق العاده سخت خواهد شد."

تلگراف حسین علاء به معاون وزیر امور خارجه (انتظامالملک)

فشار انگلیس بر دولت ایران موجب شد حسین علاء تصمیم بگیرد در برابر آن مقاومت کند و در تلگرامی به تاریخ ۲۵ آذر ۱۳۰۰ به انتظام الملک، معاون وزارت خارجه ایران، همین دستور را داد و از او خواست با نمایندگان مجلس لابی کند تا با شرایط سرمایهگذاری اولیه امریکا در ایران موافقت کنند. از محتوای مکاتبات علاء برمیآید که در این مقطع سیاستمداران ایران، دولت امریکا و باز شدن راه نفوذ آن ها را وسیل های برای مهار نفوذ روزافزون بریتانیا در ایران می دانستند:

"حس می کنم که توپوتشر انگلیس در کار هست، دولت را خوفناک و مأیوس می کند. چون مساعدت امریکا با قدری صبر و فداکاری حتماً تحریک می شود و از معاندین کاری ساخته نیست، واجب است فوری جنابعالی فوراً با رئیس الوزرا و دوستان و رجال بانفوذ مجلس مذاکره فرمایید، اتحاد کرده، این موقع تاریخی را از دست ندهند و راضی نشوند مملکت از نجات حتمی محروم بماند. شرایط امتیاز نفت را شویتر که یقیناً طرف اطمینان ملت

است، قطع کرده می گوید، صدی ده از کلیه نفت استخراجی کافی است. اشکال این است، مجلس تصویب نموده است علاوه بر صدی ده قید شود، در صورتی که کمپانی از قبول کردن صدی ده منت میگذارد. داخل شدن سرمایه امریکا به ایران به قدری نافع است که تصور نمی کنم تأخیر امر استقراض و امتیاز مصلحت باشد. منتظرم سرکار مطلب و مشکل را فوراً حل نمایید که زحمات به هدر نرود و باز چون انگلیس به روی ایران گردد و از طرف مستر کالدول به مؤتمن الملک و ارباب کیخسرو پیغامی در زمینه فوق دهد، علاوه فرمایید که به سایر دوستان و خیرخواهان بگویند قدری حوصله و مقاومت در مقابل تهدید و انتریک انگلیس لازم است تا مساعدت امریکا ظاهر [شود]. امتیاز و قرض تا ده روز دیگر تمام می شود، ولی تغییر شرایط امتیاز که به حال ایران بسیار مفید است، ممکن نیست."

هنگامی که قوام السلطنه از متن تلگرام حسین علاء به انتظام الملک باخبر شد، فوراً در تلگرامی ناراحتی خود را به حسین علاء ابراز کرد و او را از جدیت موضوع انعقاد قرارداد با امریکایی ها و ورود نمایندگان "استاندارد اوایل" به تهران و ردوبدل شدن تلگرام های رمزدار میان آن ها و واشنگتن مطلع کرد:

"اولاً، تلگراف [...] جنابعالی را به آقای انتظام الملک دیدم. از اینکه نوشت هاید استنباط تردید و بیم از طرف دولت نمود هاید تعجب می کنم. البته در طی تلگرافات سابق و در صحبت از تصمیم خلل ناپذیر من مطلع شد هاید. با وجود فشار فوق العاده بیپولی و همه قسم تشبثاتی که هم در اطراف قضایا می شود، مقاومت کرده و خواهم کرد و همان طوری که اخیراً تلگراف کرد هام، باید هرچه زودتر امضای اساس امتیاز و استقراض را اطلاع دهید. همانطور که به تصمیم تغییرناپذیر خود مطمئن هستم، از جدیت جنابعالی هم اطمینان و انتظار دارم که به زودی نتیجه مطلوبه را مخابره فرمایید. از قرار معلوم، دو نفر نماینده از کمپانی استاندارد به تهران رسیده و مخابرات رمز بین آن ها و واشنگتن در جریان است.

ثانیاً، در باب خط مسافرت وزیرمختار امریکا بر طبق دو فقره تلگرافات جنابعالی با سفارت روس مذاکره کردم و با اظهار خرسندی از اینکه وزیرمختار از راه روسیه خواهد آمد، اظهار مساعدت می کند. به وزیرمختار ایران در مسکو تلگرافاً اطلاع دادم و بعد از این مقدمات شارژدافر امریکا اظهار میدارد که مشارالیه از راه بمبئی خواهد آمد. تصدیق می نمایم که این تغییر تصمیم با مذاکراتی که اینجا با وزیرمختار روس شده است، مناسب نبوده است. منتظرم تصمیم قطعی را مخابره فرمایید."

تفسیر مسیر وزیر مختار از مسکو به بغداد

حسین علاء در ۲۷ آذر ۱۳۰۰ تغییر مسیر وزیرمختار امریکا و آمدن از راه بغداد به ایران را به اطلاع دولت رساند. اقبال یکبار دیگر روی آورده بود. ممکن بود دیدار وزیرمختار امریکا و نمایندگان شرکت ایران و انگلیس آینده مذاکرات ایران و "استاندارد اویل" را دچار مشکل کند. گویی شوستر به علاء اطمینان داده بود شرکت استاندارد اویل هیچ تمایلی به همکاری با شرکت نفت انگلیس-پرشیا ندارد. علاء از دولت ایران خواست در بغداد یک مهماندار که رفاه وزیرمختار را فراهم کند در نظر بگیرد و بدین ترتیب تا حدودی خیال دولت ایران را از آینده مذاکرات آسوده کرد. متن تلگرام های دیگری در دست است که علاء در آن ها به قوام السلطنه اخباری را درباره آمدن نمایندگان یک شرکت نفتی به نام "سینکلر" به ایران می دهد که قوام در ۲۸ آذر ۱۳۰۰ به این شرط موافقت کرد که آنان «از مسافرت خود تقاضای خرج و خسارتی از دولت نکنند».

در حالی که رؤسای شرکت نفت انگلیس-پرشیا همچنان بر ادعای خود برای امتیاز خوشتاریا پافشاری می کردند، سند تصدیق سر پرسی کاکس هنگامی که دولت ایران بیاعتبار بودن امتیازنامه خوشتاریا را به اطلاع سفارت انگلستان رساند، در وزارت خارجه یافت نشد. از این رو، قوام در تاریخ ۲۸ آذر ۱۳۰۰ در تلگرافی به لندن، از وثوق الدوله خواست متن تصدیق سر پرسی کاکس را به دست او برساند. از سوی دیگر، «استاندارد اویل» به اعتراضات دولت انگلستان حساسیت نشان می داد و بلا تکلیف بودن اعتبار امتیاز خوشتاریا را ب هانه می کرد تا نوشتن قرارداد را به تأخیر بیندازد. استاندارد اویل از وضع مالی بد دولت ایران اطلاع داشت و برای تطمیع نظر دولت، با پرداخت مساعد های یک میلیون دلاری بدون اخذ وجه امتیاز به دولت ایران موافقت کرد. ۵۵ قوام السلطنه در برابر تردید "استاندارد اویل" و پیشنهاد مساعدت آن، با برخوردی قاطع در ۱ دی ۱۳۰۰، تمامی ادله حقوقی ممکن در رد امتیاز خوشتاریا را به اطلاع حسین علاء رساند تا با دست پر در مباحثه با طرف امریکایی حاضر شود. به نظر او دلیل پشت پرده این تردید "نفوذ و انتریک" انگلیسی ها در امریکا بود که او در تلگرام خود به آن اشاره کرده است:

"علاوه بر دلایلی که سابقاً ذکر شد، لازم است مسبق باشید که اولاً، امتیاز خوشتاریا در کابینه سپهسالار به تاریخ ۱۳۳۴ [هجری قمری] داده شده و در کابینه اول آقای وثوق الدوله به تاریخ اول سنه ۱۳۳۵ [هجری قمری] تجدید و تصدیق شده است. در این دو امتیاز، بدون اینکه قید فورس ماژور شده باشد، تصریح شده است که چنانچه تا مدت پنج سال صاحب امتیاز شروع به کار نماید، امتیاز از درجه اعتبار ساقط است، بنابراین امتیاز اولی در یک سال قبل ملغی و امتیاز دویم نیز قبل از واگذاری به استاندارد ملغی گردیده است. ثانیاً، در امتیازات خوشتاریا قید شده است که اگر صاحب امتیاز بخواهد با اشخاص دیگری شرکت نماید، باید قبلاً به وزارت فواید

عامه مراجعه نموده با تصویب آن وزارتخانه اقدام نماید. در اینجا معلوم می شود که فقط حق شراکت داشته است، نه حق انتقال. ثالثاً در کابینه اخیر آقای وثوق الدوله که گفتگوی انتقال امتیاز به کمپانی نفت جنوب در بین بوده است، آقای وثوق الدوله مراسله [ای] به سر پرسی کاکس در جواب نظریات دولت را در بطلان امتیاز خوشتاریا شرح داد هاند و سر پرسی کاکس در جواب، نظریات دولت را در بطلان امتیاز خوشتاریا تصدیق نموده است. حالا ممکن است کمپانی نفت جنوب به فرمان امتیاز سپهسالار راجع به معادن نفت تنکابن و کجور و کلارستاق که از طرف سپهسالار به خوشتاریا منتقل شده و خوشتاریا به کمپانی نفت جنوب انتقال داده است، استناد جوید. بطلان این عمل نیز کاملاً در نظر دولت مبرهن است، زیرا اولاً، از فرمان مزبور جز سوادى که نماینده جنوب در جراید تهران منتشر نموده، اثری موجود نیست و در این سواد مخصوصاً در مواردی که حق شراکت به اتباع خارجه می دهد، عباراتی مندرج است که در نظر اشخاص خبره و اهل فن ساختگی و الحاقی به نظر میآید. دلیل این مطلب هم این است که در سنه ۱۳۳۱ [هجری قمری] وزارت فواید عامه برحسب تصمیم دولت اعلانی منتشر کرده است که اتباع داخله که فرامین امتیاز دارند، چنانچه فرامین آن ها در تهران باشد، در مدت دو ماه و چنانچه در خارجه باشد، در مدت چهار یا شش ماه فرامین خود را به وزارت فواید عامه برده به ثبت برسانند و الا فرامین آن ها از درجه اعتبار ساقط است. سپهسالار نه در آن تاریخ و نه بعد از آن، فرمان خود را به وزارت فواید عامه ارائه نداده است. اولاً، از اینکه فرمان را ارائه نداده است، محتمل است در فرمان دست برده و کلماتی را الحاق کرده باشند و بر فرض، این احتمال هم واقعیت نداشته باشد، چون فرمان را ارائه نداده است، مطابق قطعنامه دولت از درجه اعتبار ساقط است. ثانیاً، در فرمان سپهسالار قید مدت به هیچوجه نشده است و سابقاً، مجلس به طور قطع اعلام نموده است که فرامین امتیاز که قید مدت در آن نباشد، از درجه اعتبار ساقط است و چون در این موقع که مجلس این تصمیم را اتخاذ نمود فقط از امتیاز معدن گل سرخ راجع به حاج معینالتجار اطلاع به هم رسانیده بود، بنا بر همین تصمیم، مجلس فرمان مزبور را ملغی نمود. بدیهی است فرمان سپهسالار نیز که قید مدت نداشته است، مشمول همین تصمیم است. ثالثاً، بر فرض که فرمان سپهسالار صحیح میبود، فقط به او حق داده شده است که با اتباع خارجه شرکت نماید و به هیچوجه حق انتقال به اتباع خارجه به او داده نشده است. با دلایل فوق که به هیچوجه جای تردید در حقانیت دولت باقی نمیگذارد، اگر کمپانی استاندارد باز هم تردید نماید، باید قائل شد که تحریکات انگلیس ها در او تأثیر نموده است و الا انگلیس ها در هیچ محکمه به هیچوجه نمی توانند دعوای موهوم خود را به ثبوت رسانند."

تردید استاندارد اوایل

پافشاری شرکت نفت انگلیس- پرشیا در قانونی بودن امتیازنامه خوشتاریا، "استاندارد اوایل" را درباره غیر قانونی بودن آن دچار تردید کرد. نمایندگان شرکت «استاندارد اوایل» در ملاقات با علاء از دولت ایران خواست پیش از امضای قرارداد به پرسش های آن ها پاسخ دهد. علاء نیز در ۱ دی ۱۳۰۰ درخواست شرکت را به اطلاع قوام رساند:

"می گویند اعلام دولت غلیه قرارداد روس و قطعنامه های مجلس، بر هان های درجه دوم است. سه مسئله عمده باید روشن بشود: ۱. اصل امتیاز خوشتاریا قانونی بوده یا خیر؟ کیفیت اختیارات حکومت وقت چه بوده است؟ زیرا مرعیالاجرا دانستن قانون اساسی [در] مدت شش سال غیبت مجلس و حکومت نظامی مدت جنگ، محل تأمل است.

۲. در شروع به عملیات استخراج، به شرایط امتیاز عمل شده است، یا نه.

۳. خوشتاریا به کمپانی روسی روپنپرس و این کمپانی به کمپانی نفت شمال که به توسط کمپانی نفت انگلیس و ایران تشکیل شده، انتقال داده است. این انتقالات موافق امتیاز ایضاً به اطلاع و ثبت دولت علیه رسیده است یا خیر؟ مراسله [ای] برای توضیح مسائل فوق حاضر کرد هام. نکات مفیدی که به نظر مبارک میرسد، فوراً تلگراف بفرمایید."

قوام پس از دریافت تلگرام علاء، با آوردن دلایل محکم و البته با استناد بر قانون اساسی، درصدد پاسخ گویی به سوالات شرکت استاندارد اوایل برآمد، هر چند معتقد بود قانونی نبودن امتیاز خوشتاریا نیازی به دلیل و منطق ندارد:

"اعمال و تصمیمات هیچ دولتی در ایران نمی تواند ناقض قانون اساسی مملکتی گردد و هرچند نظر به حوادث جنگ عمومی که به ایران متوجه گردید، مجلس مدت شش سال تعطیل بود، لکن اساس مشروطیت، یعنی تفکیک اختیارات دولت و مجلس، جز در مواردی که قانون تصریح می کند، تعطیل بردار نیست و هیچ قانونی به دولت اجازه اعطای امتیازات نداده است و این حق قانوناً وظیفه خاص مجلس بوده و اینکه به حکومت نظامی اشاره نمود هاند، حکومت نظامی در ایران قانون مخصوص دارد که در مواقع لازمه دولت می تواند فقط برای استقرار نظم و امنیت اعلان حکومت نظامی نماید و هیچ دولتی نمی تواند در موقع حکومت نظامی امتیازات اعطا کند یا در امور دیگری که قانون به او نداده است، اقدام نماید."

قوام به پرسش دوم شرکت اینگونه پاسخ داد:

"بعد از اینکه اساس امتیازات خوشتاریا را لغو بدانیم، هیچ نوع عملیاتی نمی تواند برای او اثبات حقانیت نماید و بر فرض برای تفحص نفت در یکی، دو موضع امتحانی کرده باشد، برای استخراج عملیاتی نکرده است."

درباره انتقال امتیاز، قوام دلایل مقبولی را ارائه کرد:

"راجع به انتقال به کمپانی روپنتو و کمپانی نفت جنوب، اولاً خوشتاریا حق نداشته است. ثانیاً، به دولت اطلاع نداده است و به علاوه اول دفعه ای است که دولت اسم کمپانی روپنتو را می شنود. ثالثاً، در موقع انتقال به کمپانی نفت جنوب، دولت به محض حصول اطلاع دلایل خود را بر بطلان امتیاز خوشتاریا از آن تاریخ تاکنون اعلام نموده و به طوریکه سابقاً هم گفت هام، سر پرسی کاکس، وزیرمختار انگلیس، دلایل دولت را در بطلان امتیاز تصدیق کرده است. اخیراً نیز، در ملاقات با وزیرمختار جدید انگلیس دلایل دولت را بر بطلان امتیاز خوشتاریا مفصلاً خاطرنشان نموده ام."

امریکا و انگلیس در یک ترازو

هنگامی که دولت برای استقبال از وزیرمختار امریکا در تهران آماده می شد، سفارت بلژیک در تهران پیشنهاد ساخت راه آهن در ایران را رسماً به دولت ارائه کرد. حسین علاء بیدرنگ با آن مخالفت کرد. بلژیک امتیاز بهره برداری از همه معادن مسیر (آذربایجان، خمسه، گیلان، مازندران، تهران، استرآباد و خراسان) خط آهن به جز معادن نفت را تا فاصله ده فرسخی از دولت ایران می خواست. ۶۰ هنوز وزیرمختار امریکا به ایران نرسیده بود و مذاکره بر سر این قرارداد طرف امریکایی را حساس می کرد، پس علاء از دولت خواست هرگونه مذاکره در این باره به بعد از سفر وزیرمختار امریکا موکول شود، اما شرکت "استاندارد اویل" نتوانست در برابر فشارهای شرکت ایران و انگلیس مقاومت کند و بر سر نفت شمال با این شرکت کنار آمد و در ۳۱ دسامبر ۱۹۲۱ / ۱۰ دی ۱۳۰۰، مقرر شد هر اقدامی در ارتباط با نفت شمال با توافق دو طرف صورت پذیرد. در حالی این توافق میان شرکت نفت انگلیس-پرشیا و «استاندارد اویل» صورت گرفت که علاء تلاش می کرد نماینده انگلیس، لرد کدمن را متقاعد کند استاندارد اویل به تنهایی از منابع نفت شمال بهره برداری کند. ۶۱ البته، مذاکرات کدمن با "استاندارد اویل" درباره نفت عراق و فلسطین در حاشیه این دیدار، در جلب نظر طرف امریکایی بسیار تاثیرگذار بود که شرح آن در تلگراف علاء به قوام در تاریخ ۱۲ دی ۱۳۰۰ آمده است:

"شوستر و بنده اینک راپرت قطعی مذاکرات را عرض می کنیم. بعد از اتمام شرایط امتیاز و قرض، استاندارد به شوستر اطلاع داد که مسئله مشروعیت امتیاز گیلان و مازندران و استرآباد خیلی مهم است. دولت انگلیس ضد قبول امتیاز از طرف هر کمپانی امریکا]بی] در اراضی مدعی ب های کمپانی انگلیس به اسم خوشتاریا به دولت امریکا پروتست کرده است. آنوقت، استاندارد اوایل با عالیترین علمای حقوق بین الملل مشورت کرد. او بعد از اصغای تمام دلایل دولت علیه که عیناً به کمپانی داده بودم، چنین رأی داد که محکمه بین المللی یا هیئت حکمیت، با ملاحظه تمام کیفیت ها ظن قوی می رود به صرفه امتیاز خوشتاریا رأی بدهد. لهذا، استاندارد از قبول هر امتیازی در این اراضی امتناع نمود تا حقانیت از سوسه بیرون بیاید. وزارت خارجه امریکا قصد موافقت دو کمپانی را ارائه مینمود.

استاندارد اوایل با سر جان کدمن، نماینده کمپانی نفت جنوب در امریکا، داخل مذاکرات شد. پس از مذاکرات متعدده فیما بین خودشان و شوستر به قطع و فصل ذیل رسیدند که به حضرت اشرف و مجلس پیشنهاد شود (ابتدا) (۱) از آنجا که یک نوشته به عنوان امتیاز نفت به توسط محمولی [خان سپهسالار] که رئیس الوزرای دولت ایران بود، امضا و در چهارم جمادیاول ۱۳۳۴ [۱۸ اسفند ۱۲۹۴ / ۹ مارس ۱۹۱۶] از طرف هیئت وزرا امضاشده در اوایل ۱۳۳۵ [هجری قمری] به توسط کابینه و ثوق الدوله تعدیل و تجدیدنظر شد، بنا به مضمون آن حق مانعالغیر استخراج نفت و گاز طبیعی به مدت هفتاد سال در بعضی نواحی مذکوره ایران به خوشتاریا اعطا شده بود. (۲) و از آنجا که تمام حق این امتیازات و فرمان ادعایی سپهسالار از بابت نفت تحت اختیار کمپانی نفت انگلیس و ایران آمده (۳) و از آنجا که استاندارد اوایل کمپانی نفت نیوجرسی امریکا طالب حق نفت در شمال ایران است (۴) و از آنجا که کمپانی نفت انگلیس و کمپانی استاندارد اوایل موافقت نمودند که انکشاف و عملیات چشمه های نفت در پنج ایالت شمالی تحت اداره و اختیار کمپانی استاندارد اوایل مذکور یا قائممقام آنکه مصدق دولت ایران باشد خواهد بود (۵) و از آنجا که بهترین مصالح ملت ایران استخلاص از تمام دعاوی نسبت به حق نفت در هر یک از پنج ایالت مزبوره است تا بدون بیش از این تأخیر و اشکال به استخراج و انکشاف چشمه های نفت مزبور اقدام شود (۶) و از آنجا که ماده ۲۴ قانون اساسی ایران مورخ ۳۰ دسامبر ۱۹۰۶ [۸ دی ۱۲۸۵] مشتمل است بر اینکه اعطای امتیازات به تصویب مجلس ملی موقوف است، بنابراین اینک دولت ایران با کمپانی انگلیس و ایران مذکور و کمپانی استاندارد اوایل مذکور موافقت می کند که به جای امتیاز مسماً به امتیاز نفت مورخ ۴ جمادی الاول ۱۳۳۴ [۱۸ اسفند ۱۲۹۴] که در اوایل ۱۳۳۵ [هجری قمری] تعدیل و تجدیدنظر و در آن خوشتاریا صاحب امتیاز نامی ده شده و هر قسم ادعای دیگر مراتب ذیل که اینک مجلس تصویب می نماید، تنها قرارداد و امتیاز را برای مقاصد مزبور در پنج ایالت شمالی تشکیل می دهد. (انتهای)

شوستر به دقت این اساس موافقت را گفتگو کرده، آن را صلاح ایران میدانند. [...] از نقطه نظر معامله تا حقانیت صریح نباشد، استاندارد میلیون ها نخواهد ریخت، به خصوص وقتی که بشنود ممکن است طرف مقابل فائق بیاید. [...] نکته دیگر اینکه انتقال خوشتاریا با وجود معایب، حسن اتفاقی بود. چه، موضوع هر دعوایی را که در نتیجه حوادث پلیتیکی از طرف روسیه پیدا شود، از بین برداشته برای پیشرفت کار لازم است روابط دو کمپانی خوب باشد؛ به سبب اینکه بهترین طریقه وصول نفت به بازار دنیا لوله جنوبی است که فقط بسته است به رضای کمپانی جنوب."

قوام و نگرانی از توافق انگلستان و امریکا

توافق "استاندارد اوایل" و شرکت نفت انگلیس- پرشیا چیزی نبود که قوام را خوشحال کند، زیرا علاوه بر رفع مشکلات مالی در توافق با امریکا، به دنبال اهداف دیگری بود. کمکردن نفوذ دولت انگلستان در ایران با تکیه بر قدرت امریکا برنامه مهم سیاسی بود که قوام در سر میپروراند که با توافق دو طرف، امید او به یأس مبدل شد. مقاومت نکردن «استاندارد اوایل» و تندادن به خواسته های بیپایه و اساس شرکت نفت انگلیس- پرشیا، به قوام اثبات کرد «استاندارد اوایل» در آینده نخواهد توانست در برابر دست اندازی های این شرکت مقاومت کند. او بیم داشت که شرکت نفت ایران و انگلیس در بلندمدت اختیار کامل نفت شمال را به دست آورد و به مرور زمان ادعا های تازه را مطرح کند. به همین دلیل، در پاسخ پیشنهادهای "استاندارد اوایل" و لرد کدمن، نماینده شرکت نفت ایران و انگلیس در امریکا، به تاریخ ۱۳ دی ۱۳۰۰ به حسین علاء نوشت:

"اولاً، توضیح کنید توافق بین دو کمپانی در چه زمینه است و به چه ترتیب استاندارد، کمپانی ایران و انگلیس را راضی می نماید؟ ثانیاً، این دیباچه که تلگراف کرد هاید، برای چه نتیجه است و تصویب آن برای کمپانی استاندارد چه حاصلی دارد؟ این سؤال برای این است که به نظر اینطور میرسد که نتیجه حاصله از این دیباچه فقط شناختن یک حقی برای کمپانی انگلیس است، زیرا در دو نقطه از آن دیباچه ذکر شده است که با موافقت کمپانی انگلیس اینطور تصمیم شده است. ثالثاً، چه اطمینانی کمپانی استاندارد و خود جنابعالی به نام دولت ایران دارید که پس از تصویب این دیباچه که یک نوع حقی برای کمپانی انگلیس در خراسان و آذربایجان که جزء امتیاز خوشتاریا هم نبوده است، منظور میدارد؟ خامساً، این دیباچه چنین میفهماند که مدرک الغای امتیاز خوشتاریا موافقت کمپانی انگلیس است. علاوه بر اینکه این نکته خود بالذات مضر است، تولید سابقه سوئی می کند که هر وقت امتیازی بدون تصویب مجلس به شخصی داده شود، در موقع الغای آن دولت ایران مجبور خواهد شد که موافقت طرف را جلب کند. بالفعل، مسئله راه آهن کرمانشاه الی تهران که در کابینه وثوق الدوله

به انگلیسی ها داده شد و حالا به دلیل عدم تصویب مجلس تردید شده است، با انگلیسی ها در مذاکره هستیم. لفظ موافقت که در این دیباچه مذکور است، ما را مجبور خواهد کرد که نسبت به راه آهن مذکور هم موافقت انگلیسی ها را تحصیل نماییم. نظر به مراتب فوق، لازم است ن هایت سعی را به عمل آورید که اصلاحاتی در این دیباچه بشود که نظر اساسی دولت که در ماده پنج ذکر شده است، محفوظ بماند و [...] چنانچه بعد از مساعی لازمه موفق به اصلاحات فوق نشوید، ناچار این دیباچه را که پیشنهاد کرد هاید، به تصویب مجلس خواهیم رساند."

تلاش انگلیس برای دورزدن امریکا

قوام که از توافق میان شرکت "استاندارد اوپل" و انگلیس و ایران ناخرسند بود، برای منصرفکردن استاندارد اوپل تلاش می کرد متن مکتوب تصدیق سرپرسی کاکس درباره باطل بودن امتیاز خوشتاریا را از وثوق الدوله بگیرد؛ اما در میان اسناد باقیمانده از آن دوران هیچ نشان های از پاسخ مثبت وثوق الدوله به قوام موجود نیست. تنها سند بجامانده از آن دوران مقال های است که وثوق الدوله به درخواست قوام السلطنه آن را تنظیم کرد و در روزانه تایمز لندن به چاپ رساند. مقاله ادعا های ایران درباره غیر قانونی بودن امتیاز خوشتاریا را تأیید می کند. در حقیقت، دولت انگلیس از توافق اولیه با استاندارد اوپل بر سر نفت شمال به دنبال اهداف دیگری بود. از سویی برای جلب نظر دربار حرف دادن وام به دولت ایران را به میان میکشید، از سوی دیگر سعی می کرد امریکایی ها را از سرمایهگذاری در نفت شمال منصرف کند. سیاستی دو پهلو که در صورت تحقق هر یک، برد با شرکت نفت ایران و انگلیس بود. حسین علاء که از دور شاهد این تحرکات بود، در کمال ناامیدی در ۲۴ دی ۱۳۰۰ قوام را در جریان گذاشت:

"تأخیر انجام مساعده به واسطه دسایس و ضدیت دولت انگلیس است. امروز کشف شد که نمی خواهند استاندارد اوپل داخل ایران بشود. متأسفانه رأی بزرگترین علمای حقوق امریکایی استاندارد را تشویق نمی کند. یک هفته است شب و روز در نیویورک سعی دارم کار تمام شود. لازم نیست عرض نمایم تا چه اندازه افسرده هستم. فردا قطعاً تلگراف خواهیم کرد که چه واقع شده و اوضاع از چه قرار است. اگر با استاندارد ممکن نشد کار صورت بگیرد با کمپانی دیگر امریکا مذاکره خواهیم کرد. واجب است حضرت اشرف به هیچوجه تزلزل به خودتان راه نداده استعفا ندهید، زیرا که افتادن کابینه در مقابل فشار خارجه، برای مملکت بسیار مضر خواهد بود."

شرکت ایران و انگلیس نتوانست از راه های دوستانه به اهداف خود برسد و به توافق و مشارکت با استاندارد اوایل رضایت داد. چه چیزی این تغییر ناگهانی در سیاست شرکت ایران و انگلیس را توجیه می کند. تنها سند موجود برای توجیه، تلگرافی است که از لندن به شرکت نفت مخابره شده و برنامه جدیدی را در مقابل شرکت قرار داده بود. شرکت ایران و انگلیس بر اساس آن باید میکوشید دولت ایران عایدات نفت جنوب را در ازای وام به عنوان وثیقه به استاندارد اوایل ندهد. حسین علاء و مورگان شوستر که نمی خواستند شرکت استاندارد اوایل از تصمیم خود منصرف شود، با راضی نگه داشتن انگلیس پایه های پیمان را محکم کردند. علاء در تاریخ ۲۵ دی ۱۳۰۰ برای قوام توضیح می دهد:

"دیروز موقعی که مذاکرات تمام و قرار قطعی در باب تمام مسائل متنازع فیه بین استاندارد اوایل و کمپانی نفت جنوب و وثیقه دادن عایدات نفت جنوب داده شده بود و مشغول پرداخت یک میلیون دلار بودیم، غفلتاً به استاندارد اوایل از لندن خبر دادند که دولت انگلیس مانع شده است که عایدات جنوب، وثیقه قرض در امریکا داده شود. این خبر در موقع ختم عمل، ضدیت دولت انگلیس را به حدی آشکار می سازد که استاندارد نمی خواهد امتیاز را قبول نماید یا پولی بدهد و با دولت انگلیس طرفیت پیدا کند، مگر اینکه دولت امریکا تقویت نماید. قرار شده است که رئیس استاندارد با وزیر تجارت و وزیر خارجه ملاقات نماید و عقیده آن ها را بخواهد. مستر شوستر و بنده امروز و فردا به واشنگتن مراجعت و با وزیر تجارت و وزارت خارجه جداً مذاکره خواهیم کرد. استاندارد اوایل و شوستر و بنده با نماینده کمپانی نفت جنوب سعی بلیغ داریم که رفع ممانعت دولت انگلیس بشود. اگر موقعیت خاص و وزارت خارجه امریکا موافقت کرد، امتیاز و قرض فوراً انجام می شود. استدعای مخصوص داریم که حضرت اشرف در این مدت جداً به سفارت انگلیس اعتراض فرموده و در مقابل این بحران استعفا نداده، بیش از پیش ایستادگی نمایید که حقوق مشروع ایران پایمال نشود. این دشمنی آشکار جابرانه انگلیس نسبت به ملت ایران بایستی حس بیداری و مقاومت دولت و مجلس را به حرکت آورد، نه اینکه برخلاف، ما را به تسلیم جلوی حوادث و قبول تسلط خارجه وادار نماید."

مشیر الدوله به جای قوام السلطنه

مذاکرات کمپانی و شرکت نفت انگلیس_ پرشیا در گبرودار کشمکش های سیاسی به درازا کشید و سرانجام دولت قوام زیر باری از مشکلات مالی در ۲۹ دی ۱۳۰۰ سقوط کرد. با استعفای او، حسن پیرنیا (مشیر الدوله) به نخست وزیری برگزیده شد. پیرنیا با سیاست قوام نسبت به اعطای امتیاز نفت شمال به امریکا موافق بود، اما

برخلاف اهداف قوام که ایجاد موازنه سیاسی در کشور بود، از مخالفت دولت شوروی در هراس بود. نگرانی مشیر الدوله از آن بود که این مشارکت خشم و نارضایتی شوروی را برانگیزاند و این دولت مرزهای شمالی ایران را عرصه تاخت و تاز خود کند. به همین دلیل، در نخستین تلگرافی که پس از نخست وزیر به حسین علاء در واشنگتن ارسال کرد به تشریح سیاست های خود پرداخت:

"به نظر من چنین می آید که باید امتیاز نفت تماماً با خود استاندارد باشد و اگر مشارالیه می خواهد قراری با کمپانی جنوب بدهد، این قرار در هر حال نباید بر اساس شرکت باشد. مثلاً، اگر استاندارد امتیاز را تماماً خود بگیرد، ولی قراری بدهد که درصدی فلانقدر از نفت استخراجی را به کمپانی جنوب به عنوان فروش یا غیر آن خواهد داد، به اصول مصوبه مجلس خللی وارد نمی آید و تصور نمی کنم جای ایراد باشد. با این ترتیب، مقصود کمپانی جنوب که داشتن نفت است، به عمل می آید، بدون اینکه شرکت او تولید زحمات لاتعد و لاتحصی نماید. ماحصل آنکه این امتیاز باید به کمپانی امریکایی داده شود و در دست او باشد."

چند هفته پس از آنکه دولت قوام به دلیل مشکلات مالی تن به استعفا داد، در بهمن ماه ۱۳۰۰ مذاکرات دریافت وام یک میلیون دلاری از استاندارد اوپل به نتیجه رسید. استاندارد اوپل در صورتی با پرداخت وام به دولت ایران موافقت کرد که آن را موضوعی مجزا از قرض پنج میلیون دلاری و قرارداد نفت شمال بشمارد. ۷۰ پیش از آن مشیر الدوله با ارسال تلگرامی به علاء در ۳۰ بهمن ۱۳۰۰ درخواست کرده بود جوانب امر را به خوبی بسنجد. نگرانی او این بود که مبدا دریافت وام، نسنجیده و بدون بررسی اوضاع صورت گیرد:

"تلگراف جنابعالی و شوستر در باب اینکه یک میلیون دلار حاضر است و نرخ لیره و قران را پرسیده اید، رسید. [...] چون از سفارت انگلیس اظهار کرد هاند و اسناد راجعه به رفع اختلاف و استقراض امضا شده است، لازم است بدانم که رفع اختلاف در چه زمینه است. اگر در زمینه شرکت باشد، یعنی امتیاز به هر دو کمپانی داده شود که این مطلب در مجلس قبول نخواهد شد، زیرا که برخلاف اصول پنجگانه است که راجع به امتیاز از مجلس گذشته است. دیگر اینکه استقراض یک میلیون دلار هم باید موافق ماده اول قطعنامه باشد که از مجلس گذشته است. اگر غیر از این باشد، یعنی در واقع امر کمپانی جنوب این پول را بدهد، ممکن است که چهار میلیون دلار دیگر را در آتیه ندهند و دولت ایران هم نتواند از استاندارد استقراض نماید، زیرا که با این ترتیب عایدات نفت جنوب وثیقه یک میلیون دلار می شود. دیگر دولت محلی برای استقراض چهار میلیون نخواهد داشت. لازم است در این باب ها دقت کامل نموده، طوری فرمایید که امتیاز و استقراض بر خلاف اصول مصوبه در مجلس نباشد و این محظورات برای دولت حاصل نشود."

تأسیس شرکت نفت ایران و امریکا

صورت تلگرام های ردوبدل شده میان مسئولان نشان می دهد شرکت استاندارد اوایل با وجود توافق با شرکت نفت انگلیس- پرشیا، از عقد قرارداد با ایران طفره میرفت. شاید دلیل این تعلل تردید از آینده شراکت با شرکت نفت انگلیس- پرشیا بود. سرانجام، پیشنویس قرارداد با حضور مورگان شوستر به نمایندگی دولت ایران تهیه شد. پیرنیا به ناچار با شرایط شراکت میان دو کمپانی - به شرط رعایت محظورات سیاسی میان ایران و شوروی و سازگاری با مصوبه مجلس شورای ملی - موافقت خود را به کاردار سفارت امریکا در تهران اطلاع داد. ۷۲ با توافق دو طرف مقرر شد شرکت نفت ایران و امریکا، امتیاز کشف و استخراج و بهره برداری از نفت پنج ایالت شمالی ایران را در اختیار داشته باشد که سهم هر دو طرف از آن یکسان در نظر گرفته شد. حسین علاء توضیحاتی را که مورگان شوستر، مشاور مالی سفارت ایران در واشنگتن، به او داده بود، در ۳ اسفند ۱۳۰۰ برای پیرنیا نوشت:

"اولاً، پس از مطالعه، تنها وسیله دخول سرمایه معتبر امریکا در میدان نفت شمال، موافقت با مصالح نفتی انگلیس است. وزارت خارجه امریکا نیز با این عقیده موافق است.

دویم، استاندارد از دنبال کردن مذاکرات قطعاً امتناع داشت تا اینکه موافقتی در باب امتیاز خوشتاریا با کمپانی جنوب حاصل شود.

سیم، در این دیباچه [پیشنویس قرارداد] به منت ها حد امکان نظریات دولت [ایران] رعایت شده است.

چهارم، هیچ کمپانی چندین ده میلیون دلار خرج اسباب های لازمه نمی کند که داخل اختلافات بین المللی بشود.

پنجم، استاندارد مجبور است بدو صد هزار لیبره از بابت نصف مطالبات خوشتاریا به کمپانی جنوب بپردازد و تعهد کرده است در مدت یک سال ۱۰۰ لیبره ی دیگر بدهد مگر اینکه نفت به مقدار قابل تجارت یافت نشود. به علاوه، کنارگرفتن مشارالیه در ظرف یک سال حادثه بعیدی خواهد بود.

ششم، استاندارد سواد قرارداد خود را با کمپانی جنوب به من [شوستر] می دهد. موافق آن کمپانی امریکایی فوق به اسم کمپانی نفت ایران و امریکا تشکیل و تحت نظر و اداره استاندارد عمل می کند که در سرمایه آن، هر دو کمپانی مبلغ مساوی سهم خواهند داشت. ولی شرط شده است که دولت و اتباع ایران حق دارند تا میزان صدی بیست در سرمایه آن شریک شوند. این قرارداد به کمپانی استاندارد اختیار می دهد که قبل از مارس

۱۹۲۳ [اسفند ۱۳۰۱] خود را کنار بکشد. می گویند این حق را فقط برای موقعی ذخیره کرد هاند که مقدار کافی نفت یافت نشود. در صورت خارج شدن استاندارد، سهم های آن به دست کمپانی انگلی خواهد افتاد، لیکن کمپانی نفت ایران و امریکا در هویت امریکایی خود باقی میماند و مجبور خواهد بود به اجرای تمام شرایط امتیاز و خرج کردن وجوه معتنا به برای استخراج نفت، و الا امتیاز باطل است. به علاوه، قید شده است که اگر کمپانی مزبور اقدامی بر ضد حقوق سلطنتی ایران نماید، امتیاز از درجه اعتبار ساقط است. ملاحظه مهم برای ایران تبعیت کمپانی صاحب امتیاز است که امریکایی است. مطابق قانون امریکا مالکیت سهم اساسی هر کمپانی به هیچوجه به تبعیت آن مربوط نیست و تفتیش و تبعیض صاحبان سهام در هر صورت راه قانونی و عملی ندارد. هفتم، اگر موافقت فوق به عمل نیامده باشد، هر کمپانی بخواهد نفت شمال را استخراج کند، به خصومت دولت انگلیس و عدم امکان کشیدن لوله جنوبی تصادف خواهد کرد[...].

هشتم، بنابراین عقیده ثابت من این است، دولت علیه قبول پیشنهاد یا ترک اعطای امتیاز را تا مدتی که امتیاز خوشتریا مُجرا است اختیار نماید."

پیرنیا و نگرانی از آینده شراکت

هنگامی که متن دیباچه قرارداد شرکت نفت انگلیس- پرشیا و استاندارد اوایل به دست پیرنیا رسید، او سعی کرد طرف امریکایی را از این شراکت منصرف کند. پیرنیا اطمینان داشت که نمایندگان مجلس به قرارداد رأی موافق نخواهند داد، اما این تنها نگرانی نبود. او از واکنش دولت شوروی هم نگران بود. اگر می توانست استاندارد اوایل را از شراکت بازدارد، می توانست به آینده مذاکرات امیدوار باشد. بنابراین، یکبار دیگر تلاش کرد تا از طریق علاء مخالفت دولت ایران را از این مشارکت به گوش مدیران استاندارد اوایل برساند. علاء به حسب وظیفه، نظر دولت ایران را درباره این مشارکت به وزارت خارجه امریکا اطلاع داد. وزارت امور خارجه آن کشور در ۹ اسفند ۱۳۰۰ از طریق کاردار خود در تهران به دولت ایران پاسخ داد:

الف. قراردادی بین شرکت استاندارد و شرکت نفت ایران و انگلیس منعقد شده که نفت شمال را با شرکت یکدیگر بهره برداری نمایند.

ب. طبق قرارداد مزبور، شرکت استاندارد مسئول اداره کردن شرکت نفت ایران و امریکا خواهد بود و اکثریت آرای هیئت مدیره هم با آن خواهد بود.

ج. دولت امریکا طرفدار سیاست در گشوده بوده و به این مناسبت توافقی را که بین دو شرکت شده است، تصویب می نماید".

سینکالر به دنبال عقد قرارداد با ایران

شرکت استاندارد اوایل تنها شرکت نفتی امریکایی نبود که به مشارکت با ایران تمایل داشت. سینکالر یکی از رقبای اصلی استاندارد اوایل محسوب میشود. این شرکت برگی برنده داشت که او را نسبت به حریف خود در موقعیت مناسبتری قرار می داد و آن روابط بسیار خوب با دولت شوروی بود که در صورت کشف نفت به راحتی می توانست آن را صادر کند. سینکالر قصد داشت در صورت اخذ امتیاز و کشف نفت، آن را به شوروی صادر و معادل آن را در مرز های شوروی برای صادرات به اروپا تحویل بگیرد. این امکان برای شرکت استاندارد اوایل فراهم نبود. مدیران سینکالر که از دور حوادث را زیر نظر گرفته بودند، از اختلافات پیش آمده به نفع خود بهره جستند و پیشنهاد های خود را به دولت ایران ارائه کردند. بررسی پیشنهاد شرکت از جمله مسائلی بود که نظرات مخالف و موافق بسیاری را برانگیخت. جناح مخالفان که در رأس آن حسین علاء قرار داشت، این امر را مغایر با عرف بین الملل می دانست و از بیاعتبار شدن دولت ایران در عرصه بین المللی سخن میگفتند. از این رو، علاء در تلگرافی به تاریخ ۱۸ اسفند ۱۳۰۰ به حسن پیرنیا (مشیر الدوله) نوشت:

"بنده فقط مصلحت مملکت را در نظر دارم. نمی خواهم از معامله استاندارد طرفداری نمایند. ولی در دولتخواهی لازم میدانم دقت شود که اولاً شرایط سینکالر چیست؟ از صدی ده نفت است یا زیادتر می دهد و قرض فوراً تهیه می کند یا نه؟ مخارج کلی استخراج فوری نفت را می تواند متحمل شود یا نه؟ [...] ادعای کمپانی جنوب را چه قسم تصفیه می نمایند که بعد ها برای دولت علیه تولید مشکلات نکرده، میدان نفت را به واسطه مناقشه و محاکمه چند سال معطل نگاه دارند؟ و بالاخره فرضاً، حکمیت بر علیه دولت علیه تمام شود؛ کار چه صورتی پیدا خواهد کرد؟ [...] آیا اطمینان دارید که دولت امریکا از کمپانی امریکایی که با مخالفت انگلیس امتیاز را بگیرد، تقویت خواهد کرد؟"

دربار ایران که کنجکاو شد پیشنهاد شرکت سینکلر را بشنود، به صورت غیررسمی با نمایندگان این شرکت دیدار کرد. پیشنهاد های شرکت وسوس هانگیز بود و دولت را به اندیشه همکاری با این شرکت انداخت، اما به لحاظ امکان مذاکره سیاسی با این شرکت پیش از به نتیجه نرسیدن با نمایندگان استاندارد اوایل وجود نداشت. پیرنیا در ۱۸ اسفند ۱۳۰۰ علاء را از شرایط مناسب سینکلر مطلع کرد:

"مطلع باشید نماینده آن [شرکت سینکلا] در تهران شرایطی پیشنهاد می کند که ادعای کمپانی جنوب را خود به عهده می گیرد و از ضدیت انگلیسی ها نمی ترسد و متعهد می شود که با دیگری شرکت نکند و قرض هم می دهد."

مذاکرات وزیرمختار امریکا در لندن

اواخر اسفند ۱۳۰۰، کرنفلد، وزیرمختار امریکا در تهران، از مسیر بغداد عازم تهران شد. او در مسیر سفر خود به ایران برای مذاکره درباره نفت شمال، به لندن هم سفر کرد و در روزهای شانزدهم تا نوزدهم ژانویه ۱۹۲۲ [۲۶، ۲۸ و ۲۹ دی ۱۳۰۰] با آلیفانت، یکی از اعضای وزارت خارجه بریتانیا و چارلز گرینوی، رئیس شرکت نفت انگلیس- پرشیا، دیدار کرد. مذاکرات کرنفلد با گرینوی در حضور کاردار سفارت امریکا در لندن انجام شد. گرینوی تلاش کرد به کرنفلد تفهیم کند تشکیل شرکت نفت انگلیس و امریکا برای بهره برداری از نفت شمال ایران نخستین گام برای آغاز همکاری میان دو دولت خواهد بود و اطلاعاتی درباره سندیکای راه آهن در ایران - که پیش از آن تأسیس شده بود - در اختیار کرنفلد قرار داد. انتقال نفت از مسیر شمال به سواحل خلیج فارس نیاز به ساخت جاده مناسب داشت و باید در این ارتباط تصمیمات مناسبی گرفته میشد. به همین دلیل در آخرین دیدار میان کرنفلد و گرینوی در روزهای ۱۶ تا ۱۹ ژانویه ۱۹۲۲ / ۲۶ تا ۲۹ دی ۱۳۰۰ دو طرف درباره ساخت جاده و راه مناسب شوسه با یکدیگر صحبت کردند. این موضوع تلویحاً احتیاجات شرکت امریکایی را برای انتقال نفت به جنوب و سواحل خلیج فارس به کرنفلد یادآوری می کرد. گرینوی برای آشنایی بیشتر کرنفلد، نقش های از راه های ایران در اختیار او قرار داد.

مشیر الدوله: ما از مذاکرات ناراضی هستیم

اخبار مذاکرات و گفتگوی میان شرکت استاندارد و شرکت نفت انگلیس- پرشیا دولت ایران را خشمگین کرد. دولت ایران بارها از طریق تلگراف ناراضیتی خود را از مذاکرات ابراز کرده بود. اوایل سال ۱۳۰۱ ش، دولت ایران یکبار دیگر بر غیر قانونی بودن شراکت انگلیسی ها در نفت شمال تأکید کرد. اما مقامات دولت امریکا و استاندارد اوایل به نحوی رفتار می کردند که این خواسته به حق ایران نادیده گرفته میشد. حسین علاء در تاریخ ۱۲ فروردین ۱۳۰۱ به حسن پیرنیا (مشیر الدوله) نوشت:

"دیروز، استاندارد به شوستر گفته است، هرگاه دولت ایران مایل است، محض موافقت جهد خواهند کرد کمپانی نفت جنوب را به انداختن دیباچه راضی نمایند و امتیاز کمپانی نفت ایران و امریکا اعطا شود. این ترتیب، قرارداد کمپانی استاندارد با کمپانی انگلیس را [...] تغییر نمی دهد. شوستر این راه حل را توصیه می کند، چون اعلام آشکاری است راجع به حق مسلم دولت ایران که بدون ذکر خوشتراریا و غیره نفت پنج ایالت را امتیاز خواهد داد. عجلتاً جواب دادم این ترتیب دولت را قانع نمی کند، زیرا که نظریه دیگر داشتند که حاصل نشده."

در جواب این تلگرام، پیرنیا که از بیاعتنایی طرف امریکایی به اظهارات و درخواست های دولت ایران خشمگین بود، به حسین علاء در ۱۵ فروردین ۱۳۰۱ نوشت:

"طرف های دولت ایران همه نوع اسباب کار دارند، منجمله آوکا های زبردست که از یک حرف استفاده می کنند تا چه رسد به یک جمله. باید در انتخاب کلمات خیلی دقیق بود و رشته امور باید کاملاً در دست خودتان باشد. در باب مسئله امتیاز، نقطه نظر دولت را در تلگرافات قبلی صریحاً گفت هام. به واسطه محظورات سیاسی از طرف روس ها لازم است این امتیاز به استاندارد داده شود و موافق قطعنامه مجلس باشد. اگر استاندارد می خواهد قراری در خارج بابت دادن نفت به کمپانی جنوب بدهد، به ما مربوط نیست."

سقوط کابینه مشیر الدوله

در اواخر فروردین ۱۳۰۱، شوستر بار دیگر پیشنهاد دولت ایران برای انعقاد قرارداد با استاندارد اوپل را به رؤسای آن شرکت منتقل کرد، اما شراکت استاندارد اوپل با شرکت نفت انگلیس-پرشیا در عراق و فلسطین فرصتی را برای پاسخگویی به دولت ایران باقی نگذاشته بود. ۸۵ شوستر که از نزدیک در جریان عملکرد استاندارد اوپل قرار داشت، با ارسال تلگرامی به مقامات سیاسی ایران در واشنگتن اشاره کرد که در مذاکره و معامله با شرکت سینکلر باز است. ۸۶ استاندارد اوپل به محض اطلاع از این موضوع تلاش کرد شرکت نفت انگلیس-پرشیا را برای پذیرش درخواست های دولت ایران متقاعد کند. همزمان با این تلاش ها، مشیر الدوله در تلگرامی به تاریخ ۱۳ اردیبهشت ۱۳۰۱ از علاء خواست مهلتی چندروزه در اختیار استاندارد اوپل قرار دهد، اما از فرستادن این پیغام تا سقوط کابینه مشیر الدوله چند روزی بیشتر طول نکشید و خبر سقوط کابینه در ۱۹ اردیبهشت ۱۳۰۱ از سوی رضاخان پهلوی - وزیر جنگ - به اطلاع حسین علاء رسید. ۸۷ در فاصله سقوط کابینه حسن پیرنیا (مشیر الدوله) تا تشکیل کابینه بعدی به دست قوام السلطنه، مذاکرات ناپیوسته بیش از یک ماه ادامه یافت. با

طولانی شدن مذاکرات، شرکت سینکالر از نمایندگان خود خواست تهران را ترک کنند، اما رضاخان در تلگرامی در ۱۱ خرداد ۱۳۰۱ از حسین علاء خواست تا دستیابی به نتیجه مطلوب خروج آن ها را به تأخیر اندازد.

ادعای جدید درباره نفت شمال

صبح ۱۲ اردیبهشت ۱۳۰۱ / ۳ می ۱۹۲۲، تلگرافی عجیب از سوی مورگان شوستر به حسین علاء مخابره شد و بحث و حیرت او را برانگیخت. حکایت آن بود که مستر هنکز نامی در تماس با شوستر خود را نماینده ژنرال پوتوپوف معرفی کرده بود. پوتوپوف مدعی بود که قبل از آغاز جنگ، امتیاز نفت شمال ایران را از دولت اخذ کرده است. شوستر ضمن رد ادعای او، از پوتوپوف خواست برای حرف خود سندی بیاورد و سپس ماجرا را به علاء خبر داد:

"دیروز یک نفر، مستر هنکز نامی، از اهالی این شهر به وسیله تلفن به بنده میگفت من نماینده یک نفر ژنرال پوتوپوف نامی هستم که او مدعی است، قبل از جنگ امتیاز نفت و سایر حقوق ۱۷۵/۰۰۰ جریب زمین واقعه در ایالات مازندران و استرآباد از طرف دولت علیه به وی اعطا گردیده است. بنده به مستر هنکز جواب دادم که در آن باب اطلاع ندارم و تصور هم می کنم اشتباهی به او دست داده باشد. بعد، سؤال کردم آیا در این باب سندی هم دارید یا خیر؟ مشارالیه جواب مثبت داد و بنا شد فردا صبح نزد بنده بیاید. امروز صبح، مکتوبی از طرف مستر ولمن عضو کمپانی استاندارد اوایل واقعه در نیوجرسی واصل شد و در آن مرقوم رفته بود که مستر هنکز از جانب یک سندیکا که یک عضو آن یک نفر مستر گاردینر نامی از اهالی لندن است، نزد من آمده و مدعی است امتیازی که دولت علیه به ژنرال پوتوپوف داده است، متعلق به سندیکای مزبور است. علاوه بر این، مستر هنکز اشعار میدارد که تاریخ اعطای امتیاز در طهران ثبت است. مکتوب ولمن هم در خاتمه چنین اشعار می دارد: نظر به اینکه دولت علیه به شما نمایندگی داده است که اظهار دارید که هیچگونه امتیاز مجرا نشده [ای] در کار نیست؛ لهذا هرگاه اطلاعی در این موضوع به بنده بدهید، ن هایت امتنان و تشکر حاصل خواهد گردید. قبل از اینکه بنده جوابی به مکتوب مزبور بدهم، میل دارم بفهمم آیا جنابعالی در خصوص امتیاز موهومی مذکور اطلاعی دارید یا خیر و اگر ممکن نیست، لطفاً تلگرافی به ایران مخابره نموده و تقاضا کنید یک جواب قطعی داده شود."

شوستر پنج روز بعد در ۱۷ اردیبهشت ۱۳۰۱ / ۸ می ۱۹۲۲ در تلگرامی به حسین علاء او را با لحنی آمیخته به تعجب در جریان ملاقات خود با نماینده توتوتوف قرار داد:

"مستر استدمن هنکز که هفته گذشته نزد بنده آمده، سندی به بنده داد و اینک اصل آن را لفاً ایفاد می دارم. بنده به او گفتم که به عقیده من موکلین وی، یعنی نوبل سیندیکت، ابدأً حقی در باب نفت های ایران ندارد. مستر ولمن به وسیله تلفن به من اظهار داشت که مستر هنکز نزد من آمده و نظر به اینکه ظاهراً سپهسالار اعظم دو فقره حقوق خود را در املاک شخصی واگذار کرده است، قدری متوحش به نظر میآمد. جنابعالی هیچ تصور می کنند در سنه ۱۸۹۶ [۱۲۷۴ - ۱۲۷۵ ش] به موجب فرمان صحیحی امتیاز حقوق نفت واقعه در املاک سپهسالار یا یک قسمت آن داده شده باشد؟ بنده تصور می کنم مستر هنکز این یادداشت ها را برای اطلاع خود تهیه کرده است."

پاسخ علاء به ادعای توپوتوف

مباحثات میان توپوتوف و مورگان شوستر گویای آن است که ادعای توپوتوف مربوط به اراضی منطقه شیرگاه - از توابع سوادکوه مازندران - و استخراج معادن و نفت آن منطقه بوده است که ادعایی بیاساس بیش نبود. ممکن نبود وثوق الدوله این امتیاز را بدون اطلاع دولت به کسی بخشیده باشد و چرا آن شخص تا آن زمان ادعای خود را مطرح نکرده بود؟ علاء با توجه به این مسئله، به شوستر نوشت:

"اولاً، مالکیت شیرگه و سایر اراضی وسیعه از جانب سپهسالار اعظم همیشه متنازعٌ فیه واقع بوده و در صورتی که مشارالیه صاحب اصلی آن نقاط باشد، قانوناً حق انتقال حقوق خویش را به اتباع خارجه ندارد. ثانیاً، به موجب عهدنامه های با روسیه و سایر ممالک، اتباع خارجه حق داشتن اراضی و مستغلات را ندارند و فقط اجازه دارند که خانه برای سکونت اجاره یا ابتیاع نموده و انبار هایی نیز برای امتعه خود داشته باشند. ثالثاً، کلیه حقوق معدنی در ایران متعلق به دولت است و لهذا سپهسالار اختیار [انتقال] امتیاز نفت یا معادن دیگر را به اتباع خارجه ندارد. بنده فقط بعضی نکات را که حالیه به خاطر رسید اظهار داشته و پس از اطلاع از تهران مجدداً به شما خواهم نوشت."

یادداشت شرکت استدمن به وزارت خارجه

شرکت "استدمن هنکز" که بر مواضع خود همچنان پافشاری می کرد، اینبار با ارسال یادداشتی حقه‌جانب به وزارت خارجه ایران به تفصیل ادعا های پوتوپف درباره اراضی ایران و امتیازات وابسته به آن پرداخت. مطابق

یادداشت مذکور، پوتوپف در اراضی گسترده‌های از املاک سپهدار تنکابنی در ایالت‌های مازندران، استرآباد و درچی کتول امتیازی برای استخراج معادن و راه‌اندازی راه آهن دریافت کرده بود:

"نوبل سیندیکت که کلیه املاک و حقوق ژنرال پوتوپف را در شمال ایران و سایر روش‌های دارای امتیازات را در سرتاسر ایران حالیه در ید دارد، اصرار دارد که ایران همیشه باید کنترات‌ها را محترم شمارد و الا در نتیجه فسخ و لغو آن‌ها هیچگونه امتیازاتی به واسطه نقض غیرقانونی داده نخواهد شد. کلیه اسناد اصلی این املاک و حقوق و قبالة خرید شیرگه در دست نوبل سیندیکت است. تماماً هم محکم است، زیرا در مسجد طراز اول طهران ثبت گردیده و سفارت روس نیز تصدیق نموده است. اسناد ذیل در دست نوبل سیندیکت است: الف. وکالتنامه راجع به اداره کردن و ترقی دادن املاک سپهسالار اعظم که تصدیق گردیده است. ب. فرمان‌های فارسی شاه راجع به املاک فوق‌الذکر. پ. قبالة خرید ناحیه شیرگه."

یادداشت مذکور زمین‌هایی را که توتوپوف خریده بود، در منطقه شیرگاه مازندران به مساحت ۷۵ تا ۱۰۰ هزار جریب و اراضی اطراف آن شامل برنجستانک، بورچنیل، داغستان، منجیل، بولک، سرخ قلعه، پولادقلعه، چای، فرامرقلعه، هگشیر و بازار شیرگک عنوان کرده بود، با این یادآوری که: "املاک مزبور در جاده مهمی واقع است که از داخله ایران به بحر خزر ممتد است، علاوه بر این مجاور املاک مشهور تجارتخانه طومانیانس واقع است." ادعای پوتوپف بخش‌هایی از ایالت استرآباد را نیز در برمی‌گرفت، چنانکه در یادداشت کمپانی استدمن هنکز آمده است:

"ژنرال پوتوپف از سپهسالار اعظم وکالت تام دارد که مدت ده سال در بعضی اراضی و مستغلات سپهسالار اعظم، واقعه در ایالت استرآباد، معامله کرده و آن نقاط را از نقطه نظر صنعتی ترقی داده و اختیار دارد هر قسمت زمین را مدت مدید اجاره داده و نفت آنجا را استخراج نموده و سایر معدنیات و محصولات طبیعی زمین را نیز استخراج کند. این اراضی وسیعه هیچگاه صحیحاً معاینه و مساحی نشده و معادل چندین میلیون جریب زمین است و در ایالت استرآباد اطراف زاویه شمال شرقی بحر خزر نزدیک سرحد ماورای بحر خزر واقع است و یک قسمت عمده ساحل جزء آن است. بلوک عمده آن از این قرار است: ۱. کرد محله ۲. انزان ۳. کاتول ۴. ایارت ۵. نمرودان ۶. کرج سرات ۷. گنجی ۸. چیناشوک ۹. رامیان ۱۰. هندوز ۱۱. وتون"

ناظم العلوم، وزیر فلاحت و تجارت و فواید عامه که از ادعای پوتوپف مطلع شده بود، بررسی اسناد این وزارتخانه را آغاز کرد، اما هیچ سندی مبنی بر واگذاری این امتیاز به توتوپف نیافت. او پس از نخست وزیری قوام السلطنه، نتیجه بررسی‌های خود را به او اطلاع داد.

سینکدر در تلاش برای جلب نظر نمایندگان مجلس

در بحبوحه سقوط کابینه مشیرالدوله و رویکارآمدن قوام السلطنه، نمایندگان شرکت سینکدر با عده ای از نمایندگان مجلس که از همکاری استاندارد اوایل و شرکت نفت انگلیس-پرشیا ناخشنود بودند، وارد مذاکره شدند و موفق شدند نظر مساعد آنان را جلب کنند. قوام پنج روز پیش از تشکیل رسمی کابینه در تاریخ ۲۱ خرداد ۱۳۰۱ گزارش مذاکرات نمایندگان شرکت سینکدر و برخی نمایندگان مجلس را به حسین علاء تلگراف کرد و توضیح داد که نمایندگان مجلس قصد دارند در مصوبه پیشین استاندارد اوایل اصلاحاتی اعمال کنند. قوام به علاء متذکر شد تغییر در مصوبه مجلس به معنای پایان مذاکره با استاندارد اوایل نیست و نمایندگان صرفاً قصد دارند برای استاندارد اوایل رقیبی پیدا کنند. در واقع، قوام قصد داشت پیشاپیش نگرش بدی را که بر ضد استاندارد اوایل وجود داشت، تعدیل کند تا به قول خودش: "دیگران از پیشامد در مقام استفاده برنیامده تحریکاتی نکنند و اذهان سرمایه داران را آشوب ننمایند" از سویی، برخی سیاسیون در تهران به نمایندگان شرکت نفت ایران و انگلیس گفته بودند چنانچه استاندارد اوایل ۲۰۰ هزار تومان رشوه دهد، امتیاز به او داده خواهد شد، وگرنه سینکدر برنده قرارداد خواهد بود. در ۲۵ خرداد ۱۳۰۱ / ۱۶ ژوئن ۱۹۲۲ مجلس شورای ملی مصوب های صادر کرد که تصریح می کرد استاندارد اوایل یا هر شرکت مستقل امریکایی دیگر، نمی تواند در زمینه امتیاز نفت شمال بدون اطلاع و موافقت مجلس با شرکت دیگری شریک شود. این مصوبه اصلاحی های بر مواد اول و پنجم مصوبه پیشین بود.

لستر تامپسون ۱۰۱ نماینده شرکت سینکدر در تاریخ ۲۹ خرداد ۱۳۰۱ پیشنویس لایح های را که برای انعقاد قرارداد باید به تصویب مجلس میرسید، به قوام تحویل داد. پیش نویس به گون های تنظیم شده بود که مستقیماً تحویل مجلس شود و برای تصویب آماده باشد:

"نظر به اینکه مجلس شورای ملی ایران به موجب این نوشته اعلام می دارد که دولت ایران یگانه مالک کلیه نفت و مومیایی و گاز های طبیعی و موارد هیدروکربونه طبیعی موجوده در ایالات آذربایجان و گیلان و مازندران و استرآباد و خراسان و ولایت اردبیل است و نظر به اینکه پارلمان ایران اعلام میدارد که در موقع امضای این نوشته راجع به معدنیات مزبوره امتیازاتی که به تصویب مجلس شورای ملی رسیده و قانونیت و حقانیت داشته باشد، داده نشده و نظر به اینکه پارلمان مایل به کشف و استخراج مواد معدنی فوق الذکر است که در صورت یافت شدن به توسط سرمایه های امریکایی که طرف اعتماد دولت ایران است و به وسیله یک یا چند کمپانی که دولت ایران در منافع حاصله از عملیات آن ها شرکت خواهد داشت، صورت بگیرد، نظر به مراتب فوق، پارلمان ایران امتیازنامه ذیل را در ضمن قانون مخصوصی مابین دولت ایران و سینکدر اکسپلریشن کمپانی تصویب

می نماید. امضاکنندگان ذیل رئیس‌الوزرا از طرف دولت علیه ایران که بعد از این به لفظ دولت مذکور می شود و لستر طمسن از طرف Sinclair Exploration که شرکتی است که مطابق قانون دولت دلاوار از دول متحده امریکا تشکیل شده و مرکز اداری آن در شهر نیویورک، خیابان ناسو، نمره ۴۵ است) و همچنین از طرف اخلاف دارندگان سهام آن جمعاً ام بعضاً که بعد از این به لفظ صاحب امتیاز مذکور می شود، مواد ذیل را قبول می نمایند.

ماده ۱. به موجب این سند دولت به صاحب امتیاز برای مدت پنجاه سال که از تاریخ رسمیت یافتن این امتیازنامه شروع می شود، اختصاصاً حق کشف و استخراج و تصفیه و معامله و صدور تمام مواد نفت و قیر و مومیایی و گاز های طبیعی و مواد هیدروکربونه که طبیعتاً در زمین موجود است و محصولات فرعی آن ها را در حدود حالیه ولایات آذربایجان و گیلان و مازندران و استرآباد و خراسان و ولایت اردبیل امتیاز می دهد.

ماده ۲. دولت به صاحب امتیاز حق می دهد که در تمامی یا قسمتی از اراضی محدوده ولایات مذکوره در ماده ۱ داخل عملیات شود و به او حق می دهد که در اراضی مزبوره مساحتی از اراضی را که برای هر قسم عملیاتی استفاده نماید. چنانچه اراضی مزبوره لمیزرع و متعلق به دولت باشد، بدون هیچگونه خرجی به صاحب امتیاز واگذار خواهد شد و هرگاه اراضی مزبوره مزروع باشد، صاحب امتیاز حق خواهد داشت اراضی مزبوره را به نرخی که از مظنه معموله محل تجاوز نکند، خریداری نماید یا چنانچه مایل باشد در طول یا در تحت اراضی مزبوره ابنیه یا جاده یا راه آهن یا خیابان بسازد مشروط بر آنکه آنچه را که خراب کرده بسازد یا تعمیر نماید یا ضررهایی را که از تأسیس ابنیه و جاده و غیره باعث شده است، جبران کند. چنانچه اراضی متعلق به مالکین خصوصی باشد و صاحب امتیاز به وزارت... اطلاع بدهد که خود به معامله و خریداری اراضی مزبوره موفق نشده است یا چنانچه مالکیت اراضی مزبوره مشکوک باشد، دولت فوراً برای سلب مالکیت مالکین خصوصی از نقطه نظر نفع عمومی اقدام خواهد نمود و قیمت آن را به حساب کمپانی خواهد آورد.

ماده ۳. صاحب امتیاز در هر موقع حق خواهد داشت کلیه ماشین آلات و ادوات و اعضا و محصولات خود را آزادانه و به سهولت به اراضی تحصیلی خود وارد یا از آنجا خارج نماید، ولو اینکه اراضی مزبوره در اراضی اشخاص ثالث محصور باشد.

ماده ۴. هرگاه دولت اراضی و ادارات راه آهن موجود یا مطروح واگذار نماید، در هیچ مورد این امر نباید به حقوقی که به موجب این قرارداد به صاحب امتیاز داده شده است، از حیث استفاده از سطح یا اعماق اراضی مربوطه به صاحب امتیاز خلل برساند.

ماده ۵. دولت به صاحب امتیاز اجازه می دهد که یک یا چند کمپانی در دول متحده امریکا یا ایران برای اجرا و اعمال این امتیاز تشکیل بدهد و صاحب امتیاز می تواند به کمپانی یا کمپانی های مزبور تمامی یا قسمتی از حقوق و امتیازاتی را که به موجب این کنترات به دست آورده است، به دلخواه خود انتقال دهد یا واگذار نماید. اسامی و قوانین و نظامنامه های کمپانی یا کمپانی های مزبوره و همچنین اسامی رؤسا و مدیران آن ها باید از طرف صاحب امتیاز معین شود، با این یگانه شرط که در موقع تأسیس هر کمپانی صاحب امتیاز سواد مصدق قانون و نظامنامه های کمپانی مزبور را با نقشه عمومی که محل کارکردن کمپانی جدید التأسیس را معین بنماید، به وسیله کمیسر ایران که به موجب ماده ۱۰ تعیین و منصوب خواهد شد، به دولت ابلاغ نماید.

تبصره ۱. اسهام کمپانی یا کمپانی های فوق الذکر به استثنای اسهامی که در ید دولت یا اتباع یا شرکت های ایرانی باشد، اختصاصاً باید در دست رعایا و کمپانی های دول متحده امریکا باشد.

تبصره ۲. صاحب امتیاز حق انتقال امتیاز را به دولت یا کمپانی های غیر از کمپانی هایی که در این ماده معین شده است، ندارد.

تبصره ۳. نقض تبصره ۲ از ماده ۵ موجب فسخ این امتیازنامه می شود، ولی در چنین پیشآمدی قبلاً مراتب کتباً به صاحب امتیاز اعلام و برای اصلاح تخلف شش ماه به او فرجه داده خواهد شد. به علاوه، در صورتی که صاحب امتیاز درصدد اصلاح تخلف بر نیامد، قبل از آنکه فسخ امتیاز قانونیت و رسمیت یابد، صاحب امتیاز باید در محاکم صالحه حضور به هم رسانیده از خود دفاع نماید. چنانچه همچو نقضی حقیقتاً و قانوناً بر علیه صاحب امتیاز مدلل شد، به طوری که اشعار گردید، امتیاز بدون هیچگونه حق ادعای خسارت از طرف صاحب امتیاز باطل و خالی از اعتبار خواهد بود.

ماده ۶. صاحب امتیاز یا کمپانی یا کمپانی هایی که موافق ماده ۵ فوق تشکیل می شوند، در ظرف ششماهه اول هر سال، مبلغی که کمتر از صدی شانزده عایدات خالص سنه قبل که در نتیجه این امتیاز حاصل شده نباشد، مطابق خلاصه حساب کمپانی به دولت خواهند پرداخت. برای اینکه دولت از منافع اضافی که از این امتیاز ممکن است حاصل شود سهم ببرد، میزان سهم دولت از منافع خالص به قرار ذیل خواهد بود:

- چنانچه منافع اضافی کمتر از ۵۰ درصد از سرمایه مصروفی باشد، سهم دولت ۱۶ درصد از منافع خالص خواهد بود.

- چنانچه منافع اضافی بین ۵۰ درصد و ۶۰ درصد از سرمایه مصروفی باشد، سهم دولت ۱۷ درصد از منافع خالص خواهد بود.

- چنانچه منافع اضافی بین ۶۰ درصد و ۷۰ درصد از سرمایه مصروفی باشد، سهم دولت ۱۸ درصد از منافع خالص خواهد بود.

- چنانچه منافع اضافی بین ۷۰ درصد و ۸۰ درصد از سرمایه مصروفی باشد، سهم دولت ۱۹ درصد از منافع خالص خواهد بود.

- چنانچه منافع اضافی بین ۸۰ درصد و ۹۰ درصد از سرمایه مصروفی باشد، سهم دولت ۲۱ درصد از منافع خالص خواهد بود.

- چنانچه منافع اضافی بین ۹۰ درصد تا ۱۰۰ درصد از سرمایه مصروفی باشد، سهم دولت ۲۳ درصد از منافع خالص خواهد بود.

- چنانچه منافع اضافی زیاده بر ۱۰۰ درصد از سرمایه مصروفی باشد، سهم دولت ۲۵ درصد از منافع خالص خواهد بود.

تبصره ۱. توضیح می شود که جمله "منافع اضافی" از قرار ذیل تعریف می شود: منافع اضافی عبارت از منافع خالص پس از وضع ۱۵ درصد نفع سرمایه مصروفی و چنانچه در یک سال این ۱۵ درصد به واسطه نکث منافع تأدیه نشد، از منافع سال بعد یکجا برداشت و محسوب می شود.

تبصره ۲. صاحب امتیاز ملتزم خواهد بود که در موقع تشکیل کمپانی اولی که بر طبق ماده ۵ فوق تأسیس می شود، یک هزار سهم اساسی آن کمپانی را به دولت تسلیم نماید.

ماده ۷. حقوقی که برای صاحب امتیاز در این کنترات تصریح شده، در نواحی مذکوره در ماده ۱ متضمن حق انحصاری دایرکردن لوله های اصلی و استفاده و نگاه داری آن ها و همچنین لوله های فرعی است که صاحب امتیاز لازم بداند برای حمل و نقل کلیه یا قسمتی از محصول تصفیه شده یا تصفیه نشده خود از محل معدن تا بحر خزر یا هر نقطه از ایران که بخواهد، خواه در داخله مملکت خواه در ساحل با رعایت حقوقی که طرف ثالثی به موجب امتیازات مشروعه و موجوده دارا باشد.

تبصره ۱. حقوق مزبوره حق ساختن و استفاده و نگاهداری هرگونه چاه و مخزن و انبار و محل هایی برای ذخیره و توزیع و تلمبه زدن و هرگونه کارخانجات و حفريات و تعمير عمارات و افزاشتن تأسيسات ديگري را كه صاحب امتياز براي عمليات راجعه به اين امتيازنامه لازم بدانند نيز متضمن خواهد بود.

تبصره ۲. تعيين خط و انتها اليه لوله بسته به نظريات صاحب امتياز است.

ماده ۸. كمپاني يا كمپاني هايي كه صاحب امتياز مطابق ماده ۵ تشكيل مي دهد و همچنين اجزاي آن ها و نيز حقوق و اراضي واگذاري دولت (موافق اين كئترات) و اراضي ملكي صاحب امتياز (مطابق مواد ۲ و ۳) يا ساير اراضي متعلقه به كمپاني با كلييه محصولات معدني واقعه در آن ها خواه تصفيهشده و خواه از هرگونه حقوق گمركي و ماليات و هر قسم مخارج و عوارض داخله و عوارض صادرات در تمام مدت كئترات خواه آنچه در داخله فروخته و مصرف مي شود و خواه آنچه از مملكت صادر مي گردد، معاف خواهد بود. كلييه ماشين آلات و ادوات و ملزومات و هر قسم اشيايي كه صاحب امتياز براي اكتشاف يا كار كردن در اراضي و حقوق مربوطه به آن لازم مي داند و همچنين اشيا و ادوات مربوطه به تصفيه و حمل و معامله محصولات معدني كه به ايران وارد مي نمايد، از حقوق گمركي و مالياتي و هرگونه عوارض ديگر معاف خواهد بود. جبران و تلافی این معافیت مطلق از عوارض ماليات را صاحب امتياز به وسيله ماده ۶ اين كئترات مي نمايد.

ماده ۹. صاحب امتياز متعهد است كه در مدت شش ماه از تاريخ رسميت يافتن اين امتياز به خرج مخصوص خود يك يا چند نفر متخصص براي تفحص در اراضي و اكتشاف مواد معدني مذكوره در ماده ۱ به ايران بياورد و چنانچه بعد از اتمام امتحانات راپورت متخصصين رضايتمبخش باشد، صاحب امتياز به اسرع مايمن اجزاي فني و ماشين آلات و ملزومات و ادوات به ايران خواهد فرستاد كه مشغول كار شده، ارزش واقعي امتياز را معين و شروع به استخراج نمايند.

تبصره. بر حسب تقاضاي صاحب امتياز، دولت به خرج خود متعهد خواهد بود قواي نظامي كافييه براي حمايت و تأمين حفاظت و دستگاه و عمليات صاحب امتياز تهيه نمايد و در صورتي كه دولت از عهده تهيه وسايل تأمينات كافييه برنيآيد، موضوع فورس ماژور مذكور در ماده ۱۴ اين امتيازنامه متحقق خواهد شد.

ماده ۱۰. دولت يك نفر كميسر معين مي نمايد كه در تمام امور راجعه به اين امتياز نماينده دولت خواهد بود و صاحب امتياز و رؤسا و مديران كمپاني يا كمپاني هاي مؤسسه به موجب ماده ۵ به او دسترس خواهند داشت. كميسر مزبور كلييه اطلاعات مفيده را كه دارد، به صاحب امتياز و رؤسا و مديران هر كمپاني داده و به علاوه آن ها را راهنمايي خواهد كرد كه براي تعقيب منافع امتياز بهترين رويه را اتخاذ نمايند. كميسر مزبور ضمناً با

موافقت صاحب امتیاز طبقه نظامات کارها را معلوم می نماید تا بتوان پیشرفت عملیات صاحب امتیاز را به دولت راپورت داد؛ با این نظر که دولت را دائماً و صحیحاً برای حفظ منافی که در این امتیاز دارد، مستحضر سازد. وظایف فوق الذکر کمیسر در نظامنامه های هر یک از کمپانی هایی که بر طبق ماده ۵ فوق تشکیل می شود، قید خواهد شد. صاحب امتیاز درازای خدمات کمیسر سالیانه مبلغ ۴۰۰۰ دلار طلای امریکا خواهد پرداخت و ابتدای خدمت کمیسر از تاریخ ورود دسته اول متخصصین مأمور اکتشافات در نواحی معینه در ماده ۱ محسوب خواهد گردید.

ماده ۱۱. عملجاتی که برای عملیات مربوط به این امتیاز لازم است تا حدی که به عقیده صاحب امتیاز با کارهای مربوط به این امتیاز سازگار باشد، از اتباع ایران اجیر می شوند، لیکن این مقدمه راجع به اعضای فنی از قبیل رؤسا و مدیران و مهندسين و مساحان و سرکارها نخواهد بود.

تبصره. دولت علیه کلیه تسهیلات و مساعدت های لازمه را برای تهیه عده عملجات ایرانی که برای عملیات راجعه به این کنترات لازم است خواهد نمود.

ماده ۱۲. دولت صاحب امتیاز را معناً و عملاً تقویت خواهد نمود و اقدامات لازمه را که در نفع ایران و صاحب امتیاز موجب پیشرفت آزادانه و مؤثرانه امور راجعه به امتیاز و حفاظت اجزا و ملزومات متعلقه به صاحب امتیاز است، به عمل خواهد آورد. از جمله صاحب امتیاز حقوق ذیل را خواهد داشت:

دایر نمودن و استفاده و نگاهداری و بهکار انداختن دستگاه های برقی و سیم های نقاله و تلفن و تلگراف بیسیم یا باسیم که صاحب امتیاز برای پیشرفت عملیات امتیاز خود لازم بداند.

ساختن و استفاده و نگاه داری و به کار انداختن هر قسم راه عرابه رو و راه آهن و تراموه که صاحب امتیاز برای حمل تمام یا قسمتی از محصولات و ماشین آلات و ملزومات و ادوات و اجزای خود لازم بداند.

ساختن و استفاده و نگاه داری و به کار انداختن هر بندری در یک یا چند نقطه از بحر خزر یا جا های دیگر (به انتخاب صاحب امتیاز) که برای صاحب امتیاز سهولت داشته و برای سوار و پیاده کردن محصولات و ماشین آلات و ملزومات و اشیا و ادوات و اجزای خود لازم بداند.

ساختن و استفاده و نگاه داری و به کار انداختن کارخانجات تصفیه و دستگاه های محرک و کلیه دستگاه هایی که برای هرگونه عملیات راجعه به مواد منظوره در این کنترات لازم است، در هر نقطه یا نقاطی که صاحب امتیاز

اختیار نماید و به طور کلی اقدام به کلیه عملیاتی که مستقیماً یا غیرمستقیم مربوط به اجراییات این کنترات است.

تبصره. مقرر است که کلیه مؤسسات و احداثات مذکوره در تبصره های ۱ و ۲ و ۳ و ۴ این ماده فقط برای احتیاجات اختصاصی صاحب امتیاز است و به معرض استفاده عمومی مأجوراً یا بلاعوض گذاشته نخواهد شد. به علاوه، مقرر است که در موقع احتیاج دولتی، دولت حق دارد برای عملیات نظامی بدون تأدیه هیچگونه خرجی از تلفن و تلگراف و راه ها و راه آهن هایی که صاحب امتیاز ساخته است، استفاده نماید، مشروط بر آنکه در نتیجه استفاده دولت به منافع صاحب امتیاز ضرری وارد نیاید.

ماده ۱۳. در صورتی که در اراضی مذکوره در ماده ۱ نفت به مقدار کافی برای معامله یافت شود، صاحب امتیاز به مملکت ایران حق تقدم می دهد که مقدار نفتی را که حقیقتاً برای احتیاجات آن لازم است به قیمتی که برای صاحب امتیاز تمام می شود به علاوه صدی پانزده در سر معدن خریداری نماید. این نکته نیز منظور است که صاحب امتیاز تا وقتی که کارخانه تصفیه در ایران دایر نکرده، مجبور نیست نفت تصفیه شده تحویل نماید.

تبصره. برای توضیح این ماده، جمله "قیمت تمام شده" اینطور تعریف می شود: مبلغی که نفت در موقع فروش برای صاحب امتیاز تمام شده است.

ماده ۱۴. در موقع حدوث وقایع غیرمترقبه یا موارد فورس مازور که صاحب امتیاز را از تعقیب عملیات مربوطه به این کنترات مانع شود، تمام مدت وقایع غیرمترقبه یا فورس مازور به علاوه دو ماه، بر مدت های باقیه امتیاز می شود و صاحب امتیاز در این قبیل موارد باید به فوریت کامل دولت را از وضع حوادث مزبوره کتباً مطلع سازد.

ماده ۱۵. برای توضیح این کنترات تذکار می شود که مقصود از کلمه "اکتشاف"، هرگونه عمل یا عملیاتی است برای اینکه وجود یا عدم مقدار کافی نفت و مومیایی و گاز های طبیعی و مواد هیدروکربونه متعلقه به آن در اراضی معلوم و معین شود که مواد معدنی مزبوره ممکن است از نقطه نظر تجارت استخراج شود و بنابراین عملیات اکتشافیه ممکن است فقط عملیات معرفتالارضی و مطالعات زمینی و نقشهبرداری باشد و ممکن است شامل حفر چاه برای جستوجو و استطلاع نیز بشود. مقصود از کلمه استخراج، هرگونه عملیاتی است برای دریافتن نفت و مومیایی و گاز های طبیعی و مواد هیدروکربونه از زمین (اگر یافت شود) و حمل و تصفیه و معامله آن؛ بنابراین اول کاری که برای تحصیل نفت به جهت عملیات تجاری می شود، از قبیل حفر چاه، مقدمه استخراج شمرده می شود.

ماده ۱۶. در صورت بروز اختلاف بین طرفین امضاکننده این قرارداد در باب تفسیر بعضی مواد فوق این کنترات یا در باب حقوق و مسئولیت های یکی از طرفین، موضوع مختلفیه به دو نفر حکم که یکی از طرف دولت و دیگری طرف صاحب امتیاز معین شود، رجوع می گردد و هرگاه بین حکمین موافقت میسر نشود، طرفین امضاکننده این قرارداد متفقاً حکم ثالثی معین نموده و در این صورت تصمیم حکم ثالث قطعی خواهد بود.

ماده ۱۷. صاحب امتیاز متعهد است اقدام نماید که بانک های امریکایی اسهام قرض برای دولت ایران به مبلغی که جمع آن از ده میلیون دلار طلای امریکایی تجاوز نماید، خریداری کنند و مجلس شورای ملی دولت ایران را به اصدار اسهام مزبوره مجاز می نماید. به اسهام مزبوره سالیانه ۷ درصد تنزیل تعلق خواهد گرفت و مدت استهلاک اسهام بیست سال خواهد بود. سایر شرایط راجعه به صدور سهام خریداری آن در نیویورک به وسیله مذاکرات مستقیم نماینده دولت با نمایندگان بانک ها تعیین خواهد شد. برای حصول اطمینان راجع به اسهام مذکوره در قسمت فوق پارلمان، دولت ایران را مجاز می نماید که محل و مبالغ عایدات ذیل را که از هرگونه مزاحمت و دعاوی سابقه مصون باشد و به طریقی که برای بانک ها رضایتبخش باشد، وثیقه قرار بدهد:

عایدات سهمی دولت ایران از کمپانی نفت ایران و انگلیس.

عایدات دولت از تجارت دخانیات در داخله ایران.

عایدات دولت از تجارت تریاک در داخله ایران.

ماده ۱۸. کلیه قوانین و کلیه مقررات قانونی ایران که مخالف مندرجات این قرارداد یا مخالف بعضی از قسمت های آن باشد، نسخ و تا حدی که به این امتیازنامه برمیخورد، بلااعتبار اعلام می شود. این امتیازنامه که شامل هیجده ماده است، به نسختین و به زبان ایرانی و انگلیسی تحریر شده و در موقع تردید در معانی متن آن، فقط نسخه انگلیسی معتبر خواهد بود."



نماینده شرکت سینکلر در تهران

اصلاحیه مصوبه مجلس درباره قرارداد استاندارد اوپل در ۳ تیر ۱۳۰۱ به دولت ابلاغ شد. حسین علاء بعد از دریافت موافقت دولت امریکا با شرکت سینکلر، همزمان مذاکرات خود را با شرکت استاندارد اوپل و شرکت سینکلر ادامه داد. در واقع، دولت ایران قصد داشت با ایجاد یک فضای رقابتی بر سرعت مذاکرات بیفزاید. شرکت

استاندارد اوپل که رقیبی سرسخت را در مقابل خود میدید، در ۹ تیر ۱۳۰۱ به حسین علاء اطلاع داد استاندارد اوپل حاضر است همه شرایط ایران برای امضای قرارداد را بپذیرد. در چنین شرایطی، قوام با توجه به مشکلات مالی دولت از علاء خواست بدون حضور شوستر مذاکره با دولت امریکا را آغاز کند و نظر این دولت را درباره این دو شرکت جویا شود. ۱۰۵ در ۱۰ تیر ۱۳۰۱ آخرین فرصت به شرکت استاندارد اوپل داده شد تا حداکثر در مدت ۱۰ روز تصمیم ن هایی خود را به دولت ایران اعلام کند، همزمان شرکت سینکلر ۱۰۶ نیز نمایندگان خود را به ایران فرستاد. این هیئت در دیدار با مسئولان ایران پنج شرط را برای گرفتن امتیاز نفت شمال پیش پای دولت ایران قرار داد:

"مدت امتیاز بین چهل تا پنجاه سال باشد.

اراضی بایر دولتی که مورد احتیاج امتیازگیرنده است، مجاناً واگذار شود و اراضی دایر دولتی و خصوصی به قیمت عادله خریداری گردد.

کلیه اثاثیه و ملزومات برای عملیات امتیاز از کلیه حقوق گمرکی و عوارض معاف باشد.

امتیازگیرنده، شرکت یا شرکت هایی برای استخراج نفت تشکیل خواهد داد و تعهد می کند کلیه سهام شرکت های مزبور منحصراً در دست ایرانیان و امریکاییان باشد و نیز تعهد می کند که سهام مزبور را به هیچ دولت یا شرکت خارجی انتقال ندهد و در صورت تخلف امتیاز ملغی باشد.

سایر شرایط امتیاز طبق قانون مربوط به شرکت نفت استاندارد و با توافق طرفین تنظیم اعطای امتیاز به شرکت سینکلر".

شرکت سینکلر همزمان با تلاش برای کسب امتیاز نفت شمال ایران برای اخذ امتیاز استخراج نفت در شوروی تلاش می کرد، اما بر خلاف ایران که از رقابت با شرکت استاندارد اوپل ناگزیر بود، به دلیل نفوذ رئیس شرکت در دولت امریکا در شوروی نسبت به سایر رقبای خود در موضع بهتری قرار داشت. آمدن نمایندگان شرکت سینکلر به تهران آغاز درگیری میان نمایندگان طرفدار دو شرکت بود و مطبوعات میدان درگیری آنان شد. هر دسته سعی می کرد با چاپ مقالات تند رقیب را از میدان به در کند. طرفداران شرکت استاندارد اوپل از جانب انگلیسی ها و طرفداران سینکلر از جانب شوروی پشتیبانی میشدند. سرانجام مجلس تحت تأثیر طرفداران شرکت سینکلر در ۲۳ خرداد ۱۳۰۲ ش با تصویب لایح های در مجلس با در نظر گرفتن دو پیش شرط اعطای وام ۱۰ میلیون دلاری به دولت ایران و اختصاص انحصاری امتیاز به امریکایی ها، اجازه اعطای امتیاز نفت شمال را

(محدود به خراسان، آذربایجان و دو ایالت از سه ایالت شمالی مازندران، گیلان و استرآباد) به یک شرکت مستقل امریکایی داد. بدین ترتیب در آذر ۱۳۰۲ ش / دسامبر ۱۹۲۳ م امتیاز نفت شمال از سوی دولت ایران به شرکت نفتی سینکلر واگذار شد.

قرارداد با سینکلر به تاریخ پیوست

رویداد های تابستان ۱۳۰۳ مذاکرات امتیاز نفت شمال را به سوی شکست سوق داد. دولت از اعطای امتیاز نفت شمال به شرکت سینکلر و دریافت وام ۱۰ میلیون دلاری از این شرکت خوشحال بود که وقوع چند حادثه داخلی و خارجی یک بار دیگر اوضاع را به عقب برگرداند. پس از مرگ وارن هاردینگ، رئیس جمهور امریکا، شرکت نفوذ خود را در امریکا از دست داد. در همین حال، ات هاماتی به مسئولان این شرکت مبنی بر پرداخت رشوه به وزیر کشور مطرح شد. همین دو علت کافی بود که سینکلر مانند گذشته از جایگاه مناسبی در امریکا برخوردار نباشد. حتی به دنبال این حوادث قرارداد این کشور با دولت شوروی نیز ملغی شد. در ایران هم، یک حادثه غیر مترقبه زمینه تنش میان دو دولت را فراهم کرد.

در تیرماه ۱۳۰۳، هنگامی که شرایط سیاسی ایران آماده تغییر پادشاهی از قاجار به پهلوی بود، خبری مبنی بر وقوع معجزه در سقاخانه خیابان شیخ هادی منتشر شد. بعد از انتشار این خبر مردم دسته دسته برای بازدید از سقاخانه به این محل هجوم بردند. کنسول امریکا، سرگرد رابرت ویتنی ایمریکه از سوی نشریه نشنال جئوگرافی برای عکسبرداری از رویداد ها و مناظر دیدنی ایران مأموریت یافته بود، به همراه یکی از دوستان خود، به نام سیمور، برای دیدن سقاخانه و عکسبرداری به خیابان شیخ هادی رفت. مردم با دیدن ایمری که در حال عکاسی از محل بود، به او حمله کردند. پلیس ایمری و سیمور را از معرکه خارج و به بیمارستان منتقل کرد. جمعیت خشمگین به بیمارستان حمله و ایمری را مجروح کردند. شدت جراحات به قدری بالا بود که ایمری زنده نماند. این رویداد رابطه دولت ایران و امریکا را تیره و تار کرد و اهمیت آن به قدری بود که تنش میان دو دولت آغاز شد. شرکت سینکلر این رویداد را ب هان های برای فسخ قرارداد با ایران قرار داد. چند ماه بعد، دولت ایران حتی شرط قرض ۱۰ میلیون دلاری را نیز از امتیازنامه حذف کرد، اما سینکلر حاضر به امضای قرارداد با دولت ایران نشد. شرکت نفت انگلیس - پرشیا نیز به مرور زمان و پس از به سلطنت رسیدن پهلوی اول از امتیاز خوشتاریا چشم پوشی کرد.

سال ۱۳۱۵ ش، یکبار دیگر نفت شمال موضوع قرارداد اقتصادی قرار گرفت. در ۱۵ بهمن ۱۳۱۵ / ۴ فوریه ۱۹۳۷ بنا بر مصوبه مجلس شورای ملی، حق اکتشاف و استخراج نفت در بخش هایی از شرق و شمال شرق ایران به شرکت نفت امیرانین (شرکت نفت ایران و آمریکا) ۱۱۱ داده شد که از شرکت های وابسته شرکت نفت "سیبورد" بود. شروط کلی این قرارداد همانند قرارداد ۱۹۳۳ میان دولت ایران و شرکت نفت انگلیس - پرشیا تنظیم شده بود.

در ۱۸ بهمن ۱۳۱۵ / ۷ فوریه ۱۹۳۷ مجلس به یکی از شرکت های تابعه سینکالر به نام شرکت لوله نفت ایران ۱۱۴ اجازه ساخت و نگهداری لوله حمل نفت را داد. مقرر شد این شرکت لوله های مورد نیاز برای انتقال نفت به افغانستان را بسازد و به ازای جابجایی هر تن نفت، ۳ پنس (ربع شیلینگ) به دولت ایران بپردازد. اما کوشش شرکت امیرانین برای کشف نفت ناکام ماند و این شرکت دو سال پس از عقد قرارداد از ادامه کار منصرف شد.

بیست و شش فروردین ۱۳۱۸ / ۱۶ آوریل ۱۹۳۹، نیز دولت امتیاز نفت شمال را به یک شرکت هلندی به نام "آلگمین اکسپلوراتی ماچاپای" یا شرکت اکتشاف عمومی داد، اما آغاز جنگ جهانی دوم شرکت هلندی را از ادامه حضور در ایران منصرف کرد. به این ترتیب تا سال ۱۳۲۰ ش هیچ نفتی از مخازن شمال ایران استخراج نشد و ماجراهای نفت شمال بی هیچ نتیجه ای به پایان رسید.

نفت سمنان

کویر خوریان

کویر خوریان در مسیر سمنان به خراسان و در ۱۰ کیلومتری جنوب شرق شهر سمنان قرار دارد. خوریان از شرق به کویر نمک سمنان و از غرب به رودخانه گیناب و کویر دلازیان محدود است. بخش گسترده ای از کویر پوشیده از گنبد های نمکی است و جنوب آن در گذر زمان تحت تأثیر رودخانه گیناب به دشتی با زمین های پفکی قلیایی و باتلاق های گلی رُسی تغییر ماهیت داده است. پوشش گیاهی آن در نواحی شمال، استپی و در مرکز و جنوب، گیاهان هالوفیت و شورپسند است که به دلیل وجود معادن نمک و گوگرد شهرت داشته است. بازرگانان از دیرباز نمک منطقه را به گیلان و مازندران می فرستادند. زندگی مردم این منطقه به دلیل کمبود آب از گذشته به قنات ها و کاریز های چند ده کیلومتری وابسته بود.

نخستین نشانه های نفت در کویر خوریان

زمین شناسان در اوایل قرن بیستم، وجود نمک در یک منطقه را دلیل احتمالی وجود نفت می دانستند. زکریای رازی، شیمیدان ایرانی، نفت را در طبقه بندی اجناس شیمیایی زیر مجموعه نمک قرار داده است. وجود نمک و گوگرد در کویر خوریان و جوشش نفت در بخش هایی از آن، در دوره قاجار، سرآغاز تلاش هایی هشتادساله برای کشف نفت در این منطقه شد.

در میانه دوره قاجاریه و در ماه صفر ۱۲۹۷ (دی و بهمن ۱۲۵۸ / ژانویه و فوریه ۱۸۸۰) طی چهار فرمان، ناصرالدین شاه مالکیت ۳۵ معدن گوناگون در شاهرود، بسطام، سبزوار، سمنان و دامغان را به دو بازرگان تهرانی به نام های حاج علی اصغر و حاج علی اکبر امین معادن واگذار کرد. مالکیت معادن سرب و مس کات کبود شاهرود و بسطام به حاج علی اصغر و مالکیت معادن مس و سرب کات کبود و زغال سنگ و نفت کویر خوریان نیز به ازای ۱۰ سال معافیت از مالیات و عوارض و پس از ۱۰ سال، دریافت عشر سود سالانه از سوی دیوان اعلی، با سه فرمان دیگر به حاج علی اکبر امین معادن رسید که پس از مرگ دو برادر، این امتیازنامه به ورثه آن ها انتقال یافت.

نقشه روسیه برای معادن سمنان

در سال ۱۲۹۵ - ۱۲۹۶ ش / ۱۹۱۶ - ۱۹۱۷ م، قهرمان خان سردار اعظم (نوه دختری ناصرالدین شاه و خواهرزاده ظل السلطان) با حمایت روس ها بر آن شد که امتیاز های حاج علی اصغر و حاج علی اکبر را از ورثه آن ها اجاره کند. به روایت مصطفی فاتح، ایادی روسیه تزاری از طریقی به واگذاری معادن پی برده و به سردار اعظم اطلاع دادند معادن را اجاره کند. ۱۱۹ در آن زمان، سردار اعظم املاک فراوانی در اصفهان داشت و خود را تحت الحمایه سفارت روس قرار داده بود تا کسی متعرض املاک او نشود. قهرمان خان هر چهار فرمان را به ازای پرداخت ۲ هزار و ۵۰۰ تومان مساعده نقدی و تا ۵ سال سالانه ۴ هزار و ۵۰۰ تومان و پس از ۵ سال سالانه ۵۰۰۰ تومان اجاره بها، از وراث حاج علی اکبر و حاج علی اصغر اجاره کرد. علاوه بر آن، متعهد شد به محض آغاز بهره برداری از معادن، ۶ درصد از منافع خالص را در اختیار موجرین بگذارد. سردار اعظم مخیر بود حقوق خود را به شخص، اشخاص یا شرکت هایی برای بهره برداری واگذار کند. او پیش از امضای قرارداد با روس ها توافق کرده بود که پس از انعقاد قرارداد، امتیازنامه را در اختیارشان قرار دهد که جنگ جهانی اول مانع از آن شد.

در سال ۱۲۹۶ ش، دولت ایران از توافق سردار اعظم با روس ها مطلع شد. دولت در واکنش به این موضوع، در ۹ مهر ۱۲۹۶ / ۱ اکتبر ۱۹۱۷، تصویب نامه ای صادر کرد که مطابق آن، اگر صاحب امتیازنامه معدنی "بدون عائق فوق العاده" برای بهره برداری از آن اقدامی نکند، این امتیازنامه خودبهخود باطل خواهد شد. با استناد به این تصویب نامه، وراث حاج علی اکبر امین معادن به دلیل آنکه سردار اعظم اقساط را نپرداخته بود، در ۴ مهر ۱۳۰۲ / ۲۷ سپتامبر ۱۹۲۳ موفق شدند قرارداد با او را - که در آن زمان در قید حیات نبود - فسخ کنند. چهار روز بعد (۸ مهر ۱۳۰۲) وراث حاج علی اکبر با امضای قراردادی دیگر معادن ذکرشده در فرمان ناصرالدین شاه را به حاج محمدصادق، معروف به بانکی، اجاره دادند. در قرارداد جدید، پیش بینی شد حاج محمدصادق حق دارد مستأجری برای املاک مزبور - و از جمله معدن نفت خوریان - پیدا کند و از اجاره املاک، ۵۱ درصد را خود بردارد و ۴۹ درصد را به ورثه حاج علی اکبر امین معادن بپردازد. حاج محمدصادق بانکی بر اساس همین وکالتنامه، در تاریخ ۳ آبان ۱۳۰۲ / ۲۶ اکتبر ۱۹۲۳ معادن ذکرشده در قرارداد را برای هفتاد سال به اجاره مرتضی خان فتوحی قیام (یمنالملک) درآورد.

خوشتاریا در تهران

چندماه پس از امضای قرارداد میان حاج محمدصادق بانکی و مرتضی خان فتوحی، خوشتاریا به نمایندگی از دولت شوروی به ایران آمد تا امتیاز معادن سمنان، به ویژه نفت خوریان را برای شوروی کسب کند.

او در تهران در خانه شخصی به نام آقا میر حمزوی ساکن و به واسطه او با برخی رجال و سیاسیون آشنا شد و برای کسب امتیاز نفت خوریان زمینه چینی کرد. در آن زمان، نماینده ورثه حاج علی اصغر و حاج علی اکبر امین معادن، نوه دختری میرزا علی اکبر امین معادن، حاج میرزا علی اکبر ستوده (معروف به وینه)، بود. خوشتاریا برای به دست آوردن امتیاز با او دیدار و موفق به جلب نظر او شد.

در سال ۱۳۰۳ ش، دولت ایران با ابلاغ فرمانی، به صاحب الامتیازهای مختلف دو ماه فرصت داد تا امتیازهای خود را در دفتر وزارت فواید عامه ثبت کنند. خوشتاریا از فرصت پیشآمده استفاده کرد و به همراه نماینده حاج محمدصادق بانکی که فرمان ها را در اختیار داشت، در ۲۶ تیر ۱۳۰۳ فرمان ها را به نام میرزا علی اکبر خان ستوده و میرزا عبدالحسین خان امین معادن ثبت کرد که سال ها بعد، مرتضی خان فتوحی قیام (یمنالملک) به آن اعتراض کرد.

مصطفی فاتح اعتراف نامه ای را به قلم حاج محمدصادق بانکی منتشر کرده است که در آن از چگونگی دستیابی خوشتاریا به امتیازنامه و شیوه ثبت آن اشکال گرفته شده است. متن اعتراف نامه به تاریخ ۲۰ آذر ۱۳۰۲ / ۱۲ دسامبر ۱۹۲۳ به قرار زیر است:

"اقرار و اعتراف نمود، جناب مستطاب عمده الاعاظم آقای حاج صادق بانکی، ولد مرحوم مشهدی رضای قزوینی الاصل، ساکن تهران که چهار طغرا فرامین ناصرالدینشاهی راجع به معادن مختلفه در خاک سمنان و دامغان و شاهرود و بسطام و سبزوار که نزد حاج مشارالیه بوده و جناب آقای حاج صادق بانکی معادن مزبور را وکالتاً از طرف مالکین به موجب وکالتنامه شرعیه در تاریخ پانزدهم شهر ربیع الاول ۱۳۴۲ به مدت هفتاد سال شمسی از قرار کنترات جداگانه به جناب اجل آقای میرزا مرتضی خان فتوحی قیام، یمنالملک سابق، به اجاره واگذار نموده بود، از طرف آقایان مالکین به من اظهار شد که فرامین را به آن ها بدهم تا ثبت شود. من به آن ها جواب دادم که چون من واسطه معامله و امین طرفین بود هام، به توسط یک نفر از پسر های خودم فرامین را برای ثبت میفرستم، شما هم می خواهید حضور داشته باشید؛ و در روز شانزدهم رجب المرجب ۱۳۴۲ [۲ اسفند ۱۳۰۲ / ۲۲ فوریه ۱۹۲۴] فرامین مزبور را به توسط میرزا حسین خان، پسر خودم، به وزارت فواید عامه برای ثبت فرستادم. جنابان آقایان، میرزا عبدالحسین امین معادن و حاج علیاکبر خان ستوده، پسر مرحوم شکرالله تهرانی هم در وزارتخانه حاضر می شوند. ابتدا به طور بیخیالی با میرزا حسین خان برخورد کرده، پس از مذاکراتی که از راه تدبیر با او کرده، به هر ترتیبی بوده است، مشارالیه را فریفته و اغفال نموده، فرامین را از دست میرزا حسین خان، پسر من، گرفته و به طور قاچاق از این اتاق به آن اتاق رفته و از راهی که در مد نظر بوده است، بیرون میروند. بعد که میرزا حسینخان به منزل مراجعت کرد، به من خبر داد که چنین حرکتی از آقایان محترم ظاهر شده. اینجانب برای اینکه بدون زحمت فرامین را به طوریکه مطلب کشف نشود از آن ها بگیرم، مدتی به مذاکره و مکاتبه با آن ها اقدام کردم و هرچه اقدامات نمودم که فرامین حقاً و شرعاً تا هفتاد سال دیگر متعلق به دیگری است و می بایست نزد اینجانب باشد به من دهند، هرچه کردم تا امروز فرامین را به من ندادند. ناچار، قضیه را به آقای میرزا مرتضی خان فتوحی قیام اطلاع دادم. لهدا، چنانچه آقایان امین معادن و حاج علیاکبر خان ستوده، معادن مزبور را با دیگری معامله کرده باشند یا بعد بنمایند، آن معامله فاسد و از درجه اعتبار ساقط خواهد بود و این نوشته برای ادای تکلیف دیانت و برای اینکه در روز حاجت حجت بوده باشد و عندالله و عندالرسول مسئول نباشم، به آقای میرزا مرتضی خان فتوحی قیام می سپارم."

پس از ثبت امتیازنامه، خوشتاریا در سال ۱۳۰۴ ش / ۱۹۲۵ م با سرمایه ۵۰ میلیون ریال شرکت سهامی نفت خوریان را تأسیس کرد. سهام شرکت بیاسم بود و ۶۵ درصد در اختیار بانک روس و ۳۵ درصد آن در اختیار

خوشتاریا قرار داشت. او بعد ها بخشی از سهام خود را به صاحبمنصبان و تجار ایرانی فروخت. از آن میان، تیمورتاش یک میلیون ریال، آقا میرققازی حمزوی (امیر منظم) ۵۰۰ هزار ریال، علیاکبر ستوده ۱۰۰ هزار ریال و امین معادن ۱۰۰ هزار ریال از سهام این شرکت را خریدند. به گفته مصطفی فاتح، در اوان شکل گیری شرکت نفت خوریان، ۲ میلیون ریال سهام هم به مقامات بالاتر تقدیم شده بود که نپذیرفتند و این مبلغ سهام به بانک پهلوی (سپه امروزی) هدیه شد. خوشتاریا برای تأسیس شرکت با برخی از مسئولان رده بالای مملکتی دیدار و تلاش بسیاری کرد و برخی نمایندگان مجلس مانند دکتر مصدق به دلیل واگذاری این امتیاز به دولت اعتراض کردند.

مصدق در جلسه ۲۴۳ دوره پنجم مجلس شورای ملی به تاریخ ۶ بهمن ۱۳۰۴ اظهار کرد:

"دیروز، مدارکی به دست بنده رسیده که حقایق را کاملاً روشن می نماید و اصل قضیه این است که در شهر صفر ۱۲۹۷ هجری [قمری] فرمانی راجع به چند فقره معدن سمنان و دامغان از قبیل سرب، زغال سنگ و مس و گوگرد و نفت کویر خوریان به ملکیت حاج علی اکبر امین معادن صادر می شود که تا ده سال از مالیات معاف و بعد یک عشر از منافع آن ها را به دولت بپردازد. این است سواد فرمان. (ارائه نمودند) و در سیزده سال قبل، یعنی ۱۳۳۱ هجری [قمری] اعلانی از طرف وزارت فواید عامه طبع و منتشر شده است که این عین اعلان است. بنده میخوانم: اعلان رسمی با مهر وزارت عامه - چون اغلب فرامین که درباره استخراج معادن و تأسیس کارخانه ها و طرق و شوارع و امتیاز پار های منابع و غیره رسیده است، در هیچیک از وزارتخانه های مربوطه ثبت و سواد ندارد، به این جهت ممکن است در مورد بعضی امتیازات در آتیه زحماتی و مشکلاتی برای اولیای دولت و صاحبان امتیاز تولید شود. علیهذا، به موجب این اعلان، به عموم اخطار می شود که از تاریخ اول حوت ۱۳۳۱ [۱] اسفند ۱۲۹۱ ش / ۱۳ ربیعالاول ۱۳۳۱ ق / ۲۰ فوریه ۱۹۱۳ م] تا دو ماه برای سکنة تهران و چهار ماه به ساکنین سایر ولایات مهلت داده می شود که در ظرف این مدت هر کس هر فرمان امتیازنامه و دستخط به هر شکل و در هر خصوص داشته باشد، به اطلاع و ثبت وزارت فواید عامه برساند. هرگاه تا انقضای مدت معینه در این باب تسامح و غفلت شد و از طرف دولت امتیازات و اختصاصاتی اعطا گردید، هیچکس حق نخواهد داشت که به موجب فرامین و دستخط ها و احکامی که ارائه نکرده، حق تقدم برای خود فرض و ادعا نماید (از طرف وزارت محمود) و بعد در چهاردهم ذی حجه سنه ۱۳۲۵ [۲۷ دی ۱۲۸۶ ش / ۱۸ ژانویه ۱۹۰۸ م] تصویبنامه به عنوان قانون موقتی معادن در کابینه مرحوم علاء السلطنه صادر می شود که ماده پانزدهم آن از این قرار است:

ماده پانزدهم: هرگاه، صاحب امتیاز شش ماه بدون عایق فوق العاده در معدنی کار نکرد، دولت می تواند امتیاز را از او سلب نماید، ولو اینکه اقساط مالیاتی را مرتباً پرداخته باشد.

خلاصه اینکه فرمان حاج علی اکبر امین معادن اگر صحیح و بی عیب هم باشد... (همهمه بین نمایندگان) عرض کردم اگر تأمل بفرمایید، اگر صحیح و بی عیب هم باشد، به واسطه اعلان دولت، نامه هیئت وزرا از درجه اعتبار ساقط است، زیرا نه معدن کار شد و نه تا اول اسد ۱۳۳۱ هجری [۱ مرداد ۱۲۹۲ ش / ۱۸ شعبان ۱۳۳۱] که اعلان وزارت فواید عامه برای ثبت معادن معین نموده، فرمان مزبور به ثبت رسیده است و بعد در دو سال قبل یعنی ۲۱ حوت ۱۳۰۲ که ظاهراً با وزارت فواید عامه آقای حاج عزالممالک مصادف بوده است، قطعاً عرض نمی کنم. برای اینکه اگر آقای حاج عزالممالک در این تاریخ به مجلس آمدند و از چنین اعلان مضر بی اطلاع هستند، خودشان تکذیب فرمایند، وزارت مزبوره اعلانی صادر می کند که هر کس فرمان و اسنادی دارد، باید در وزارت فواید عامه ثبت نماید. از هفدهم سرطان ۱۳۰۳ که مصادف با کفالت آقای مشار الدوله است، فرمان ملکیت حاج علی اکبر امین معادن در وزارت مزبوره ثبت می شود. " (همهمه نمایندگان)

تهرانی و کازرونی: غلط است.

مصدق: در صورتی که همین فرمان را متعاقب اعلان ۱۳۳۱ هجری [قمری] در وزارت فواید عامه که برای ثبت ارائه نموده بودند، وزارت مزبوره به جهاتی که بنده نمی خواهم عرض کنم، قبول نکرد و از ثبت آن امتناع نموده است. خلاصه اینکه بعد از ثبت، معدن نفت به عنوان اجاره به چند نفر انتقال یافته و اخیراً شرکتی به نام شرکت نفت خوریان با سرمایه پنج میلیون تومان که اساسنامه شرکت مزبور اگر صحیح باشد، به موجب اطلاعی که به بنده رسیده است، شرکا با مشورت آقای داور قبل از وزارتشان تهیه شده و بر طبق مقررات قانون تجارتی که اخیراً از مجلس شورای ملی گذشته است، در اداره ثبت اسناد تهران به ثبت رسیده و مبلغ دو هزار و پانصد تومان هم به اداره مزبور بابت حق تمبر پرداخته اند و هر یک از این فقرات که آقای وزیر فواید عامه با دلیل تکذیب فرمایند، آنچه که بفرمایند صحیح است. خلاصه، فعلاً بنده خواب نیستم و بیدارم. چاه نفت نیست و چاه ها است. معدن نیست و معادن است. امتیاز نیست، مالکیت است؛ زیرا فرق امتیاز و مالکیت این است که امتیاز محدود به زمان است و مالکیت محدود به زمان نیست و اگر امتیاز این معادن هم در موقع دادن امتیاز معادن صفحات شمالی به کسی داده شود، منافعی بیش از صدی ده که در فرمان نوشت هاند، عاید می گردد. در نتیجه، به عرض آقایان محترم میرسانم که تا این درجه وظیفه یک ایرانی است که اگر وکیل هم نباشد، از منافع وطن خودش دفاع نماید. (بیشتر نمایندگان: صحیح است) ولی برای آسایش خود به تمام مقدسات عالم قسم یاد می کنم که دیگر در این موضوع عملاً و کتباً اقدامی نکنم و چون مملکت صاحب دارد، البته هر چه را که دولت

و مجلس صلاح می دانند، خواهند فرمود. سواد فرمان و اعلان وزارت فواید عامه را هم به مقام ریاست تقدیم می نمایم

در جلسه بعدی مجلس شورای ملی در تاریخ ۱۰ بهمن ۱۳۰۴، میرزا عبدالله یاسایی به سؤال مصدق پاسخ داد:

"در دوفرسخی جنوب شرقی سمنان، معدن نفتی است، در نیم فرسخی مزرعه خوریان و یکطرف آن هم مزرعه حاجی آباد است. فعلاً، سه چاه نفت کنده شده و آن چاه ها هم از طرف مرحوم ضیع الدوله توسط آقای میرزاعلی خان بصیر معادن حفر شده. در قدیم، اول فرمانی که داده شده است در ۱۲۹۴ هجری [قمری] بوده است که به مرحوم میرزاعلی خان معدنچی - ملقب به بصیر معادن - داده شده که در آن فرمان، مساحت سه هزار ذرع زمین معین کرده اند (همان زمینی که نفت دارد) و امتیاز آن را به ایشان واگذار کردند که از نقطه نظر تخصصی که دارند، مشغول کار شوند. آن فرمان بعد چه شده است که منتقل به میرزاعلی خان مستشارزاده - که از اعضای تقنینیه مجلس است - شده. ایشان هم با حیدری یک کنتراتی کرد هاند، بعد به موجب آن کنترات رفتار نشده و کارشان کشیده است به محاکم عدلیه و الان هم گویا در محکمه استیناف عدلیه مشغول محاکمه هستند؛ این، یک فرمان. یک فرمان دیگر هم بعد از سه سال از آن تاریخ در ۱۲۹۷ داده شده است به حاج علی اکبر امین معادن و آن همان فرمانی است که آقای دکتر مصدق اظهار کردند و آن هم یک فرمان نیست؛ چهار فرمان است...مطلبی اینجاست. یکی دیگر، اجاز های است که وزارت فواید عامه داده است به ضیع الدوله راجع به نفت سمنان، در ۱۳۲۸ در دوره مشروطیت. این چهار فرمان و امتیاز و اجازه الآن مطرح گفتگو است. فرمان اولی الآن متعلق است به مستشارزاده، فرمان دوم متعلق است به ورثه حاج علی اکبر امین معادن، آن اجازه نامه وزارت فواید عامه هم در دست بررسی مرحوم ضیع الدوله، یکی از دعاوی واهی هم کمپانی نفت جنوب دارد. [...] کمپانی نفت جنوب چون مدعی است امتیاز کلیه نفت ایران داده شده است به من، به استثنای پنج ایالت، [...] سبب بطلان ادعای کمپانی است و بهترین دلیل نقشه خود کمپانی است که حدود محل امتیاز در آن معین است که ثابت می کند معدن نفت سمنان جزء نفت جنوب نیست و آن نقشه به فرانسه است و نزد ورثه مرحوم ضیع الدوله است...این فرمان که آقای دکتر مصدق تعقیب کردند، منجر شده است به تشکیل کمپانی و شرکت ۱۰ کروری، بدون اجازه مجلس و بدون اینکه در تحت نظارت دکتر میلسپو دربیاید و از قراری که بنده شنیده ام، ایشان هم اعتراض کردند [...] و سهامی هم در بین مردم مجانی و غیرمجانای منتشر کرد هاند و اشخاصی را که ذکر کردند، آقای قاضی زاده سبزواری است، آقای امیر منظم است، آقای امیر قفقازی و میرزا عبدالحسین خان و حاج علی اکبر خان ستوده. این پنج نفر از شرکا هستند و بنده متحیرم که چگونه این ها ۵ میلیون پول، یعنی ۱۰ کرور سرمایه برای این کار و این شرکت فراهم می کنند. به هر جهت اخیراً، بنده شنیدم که این چهار فرمان

که از تهران الی خراسان است، به دست خوشتاریا افتاده و آن هم انتقال داده به ۱۳۰ هزار تومان به یک ترتیب مخصوصی. اما اینکه اینجا گفته شد که آقای داور شرکت داشت هاند و به مشاوره ایشان بوده است، آنچه بنده اطلاع پیدا کرد هم، ایشان نه چیزی را امضا کرد هاند و نه فرمائی را تصدیق کرد هاند و نه در این جریانات شرکتی داشته اند. بنده تصور نمی کنم مسئولیتی متوجه ایشان باشد. به طوری که بنده اطلاع پیدا کرده ام، دوسیه ۱۲۳ این کار را برد هاند در هیئت وزرا تا هر تصمیمی که هیئت وزرا اتخاذ کنند، همان را اجرا کنند و به موقع عمل گذارند. بنده تقاضا می کنم که یک کمیسیونی پس از آنکه تنفس داده شد، انتخاب شود و آقایان شش نفر را انتخاب کنند و دوسیه های این کار را از وزارت فواید عامه بخواهند، به اسناد و نوشتتهجات رسیدگی کنند و بالاخره در اطراف این فرامین هر تصمیمی که لازم است گرفته شود، باید از طرف مجلس باشد و ما که حالا برای اقتصادیات مملکت داریم یک کار هایی می کنیم، خوب است در ابتدا دست به این امر مهم بزنیم، زیرا مسئله معدن نفت سمنان خیلی قابل توجه است و مطابق تحقیقات میگفت متخصص روسی که الآن در گراند هتل اقامت دارد و این معادن و چاه ها را رفته و بازدید کرده است، فوق العاده مهم است و ۷۰ فرسخ امتداد دارد و معلوم نیست چه قدر چاه می خورد و با این اهمیت سزاوار نیست که توجه کامل به این موضوع نشود"

پس از تأسیس شرکت سهامی نفت کویر خوریان، شرکت نفت انگلیس - پرشیا باز هم به اعطای امتیاز نفت سمنان به خوشتاریا اعتراض کرد، اما دولت ایران با این استدلال که سمنان در زمان عقد امتیازنامه داری جزئی خراسان بوده است، اعتراض انگلیسی ها را وارد ندانست و شرکت نفت انگلیس - پرشیا به همین میزان پیگیری درباره نفت خوریان بسنده کرد. در سال ۱۳۰۵ ش / ۱۹۲۶ م، دولت ایران از شرکت نفت ایران و انگلیس محرمانه درخواست کرد کارشناسان زمینشناس خود را به سمنان بفرستند تا درباره احتمال وجود نفت در آن منطقه اظهار نظر کنند. گزارش کارشناسان انگلیسی وجود نفت را در سمنان نفی کرد. در همان سال، مهندسان روس شرکت نفت خوریان در حاجیآباد در عمق ۱۰۰ متری زمین آب آمیخته به نفت یافتند، اما برای ادامه کار که لازم بود تا عمق ۶۰۰ متری زمین حفاری ادامه یابد، تلاشی نکردند. در سال ۱۳۰۶ ش / ۱۹۲۷ م، دولت ایران به دلیل بی حاصل ماندن کار در معدن خوریان به شرکت روسی اعتراض کرد. رؤسای شرکت نفت خوریان در پاسخ این اعتراض پیشنهاد کردند بخشی از سهام شرکت به فرانسوی ها واگذار شود تا با گسیل کارشناسان و سرمایه های خود، کار را توسعه دهند. در سال ۱۳۰۸ ش / ۱۹۲۹ م شرکت نفتی فرانسوی "پتروفینا" حاضر شد به شرط آنکه عملیات فنی کاملاً در اختیارش باشد، در پروژه نفت سمنان مشارکت کند، اما رؤسای روس شرکت نفت خوریان این شرط را نپذیرفتند. در سال ۱۳۰۹ ش / ۱۹۳۰ م چند کارشناس فرانسوی برای بررسی های زمین شناختی به سمنان رفتند و نتیجه امیدبخشی از مطالعاتشان به دست نیامد.

در ۴ آبان ۱۳۱۰ / ۲۷ اکتبر ۱۹۳۱، در معاهد های میان دو دولت ایران و اتحاد جماهیر شوروی، بار دیگر به شرکت نفت خوریان اشاره شد. معاهده درباره واردات و صادرات و به امضای محمدعلی فروغی و ا. پطرسکی بود. یکی از شرکت های مختلف مشمول آن قرارداد، شرکت نفت خوریان بود و در بخشی از معاهده آمده است:

"راجع به ماده ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ موافقت حاصل است که مقصود از مؤسسات مختلط مذکوره در قرارداد، شرکت های ذیل می باشد: شرق، پرس خلوپک، پرس آذنف، بیوروپرس، روس پرس بانک، شرکت کویر خوریان، پرس ریبا. مواد قرارداد راجع به عملیات تجارتي فقط به شرکت هایی که مبادرت به صادرات و واردات می نمایند، شامل می گردد. شرکت های مزبوره به استثنای شرکت کویر خوریان و پرس ریبا که شرایط عملیاتشان به موجب مقاولات مخصوصه موجوده درباره آن ها معین کرده است، این حق را برای خود محفوظ می دارند که به عملیات خود خاتمه داده و مبادرت به تسویه کار های خود نمایند یا اینکه کاملاً جنبه مؤسسه شوروی بودن را به خود بدهند. در این صورت اخیر، شرکت های مزبوره از مزایایی که به موجب قرارداد به مؤسسات اقتصادی شوروی اعطا می گردد، بهرهمند خواهند بود."

در آن سال ها، خوشتاریا نفوذی روزافزون در عرصه سیاسی و اقتصادی ایران یافت. یکی از سهامداران شرکت نفت خوریان، عبدالحسین تیمورتاش - از نزدیکان و وزیر دربار پهلوی اول - بود. از شواهد و قرائن برمی آید که خوشتاریا با نزدیک شدن به تیمورتاش او را برای اهداف خود جذب کرد. به گفته یکی از افسران اطلاعاتی شوروی به نام باژانف، تیمورتاش از طریق خوشتاریا جاسوس حکومت شوروی شد و این شرط را قرار داده بود که جز اعضای دفتر سیاسی حزب کمونیست شوروی (پولیت بورو) هیچکس دیگری حتی سازمان امنیت شوروی (گ. پ. ئو) نباید از جاسوسی تیمورتاش باخبر باشد. این پیشنهاد پذیرفته شد. به گفته باژانف: «مسکو در مسائل جزئی تیمورتاش را ناراحت نمی کرد و او تنها مسائل سیاسی بسیار مهم و عمدهی دولت ایران را در اختیار روس ها قرار می داد." ناگفته نماند که خوشتاریا خواهرزن خود را به همسری تیمورتاش درآورد و شاید این دلیلی دیگر بر اهمیت فعالیت تیمورتاش باشد. چنانکه مشهور است، تیمورتاش در سال ۱۳۱۲ ش / ۱۹۳۳ م به اتهامی نامشخص و به فرمان پهلوی اول در زندان به قتل رسید. همسر دوم او نیز بعد ها در قبرستان آرامنه در دروازه دولاب تهران به خاک سپرده شد.

خوشتاریا یک کاخ شخصی در بندرانزلی ساخته بود. گویا زمانی که بیشتر خانه های بندر انزلی از برق محروم بود، کاخ خوشتاریا شب ها جلوه ای ویژه داشت. بعد ها، کاخ آتش گرفت و از بین رفت. پهلوی اول دستور بنای کاخ جدیدی را در همان محل صادر کرد که امروز به نام کاخ میانپشته شناخته می شود. ساختمان کاخ

بدن های دودیواره دارد که از بلوک های سیمانی ساخته شده است. کاخ ۱۱ اتاق و یک سالن پذیرایی و ۴ حمام و دستشویی دارد. سقف اتاق های کاخ از بتن مسلح ساخته شده که روی آن را گچبری زیبایی پوشانده است.

به مرور زمان، نفت خوریان سمنان به یک طرح نفتی بیحاصل تبدیل شد تا آنکه قوای شوروی هنگام اشغال ایران در ۱۳۲۰ ش / ۱۹۴۱ م برای بهره برداری از نفت خوریان تسهیلات بیشتری خواستند و دولت ایران مشکلات استخراج و کشف نفت خوریان را به خود شوروی مربوط دانست.



ادعای مالکیت مرتضی خان فتوحی قیام

در سال ۱۳۲۳ و در حالی که ایران در اشغال متفقین بود، مرتضی خان فتوحی قیام (یمن الملک) در مقام بازرس اداره رسیدگی و تمرکز حساب ها در وزارت دارایی درصدد احقاق حقوق خود برآمد. او با شکوائیه های متعدد به مجلس شورای ملی و دیگر نهاد های سیاسی تلاش کرد شرایط را تغییر دهد، اما تلاشش به نتیجه ای نینجامید. او در یکی از نامه های خود در تاریخ ۷ آبان ۱۳۲۳ / ۲۹ اکتبر ۱۹۴۴، خطاب به مجلس شورای ملی نوشت:

"تعقیب نامه شماره ۱۱۱۴ - ۱۳۲۳/۲/۱ راجع به نفت خوریان که رونوشت آن به هیئت دولت و آقای دکتر میلسپو، رئیس کل دارایی و اغلب نمایندگان مجلس و سفارتخانه ها و جناب آقای کافتارادزه، معاون کمیساریای خارجه دولت اتحاد جماهیر شوروی نیز با پست سفارشی ارسال شده، توضیحاً معروض میدارد معدن نفت کویر

خوریان و بیستودو معدن دیگر از قبیل مس، سرب، قلع، زغال سنگ، گوگرد، کات و غیره از تهران تا خراسان به موجب فرامین ناصرالدینشاهی به ملکیت تفویض و در حکم خالصجات انتقالی محسوب است و از تاریخ صدور فرامین در تصرف مالکین معادن نامبرده بوده و مورد عمل و استفاده قرار گرفته [کذا] تا امروز در حیطة تصرف مالک و اشخاصی که سند انتقال از وراثت مالکین در دست داشت هاند، بوده است و مدت چند سال هم به عنوان کنترات هفتادساله در تصرف قهرمان میرزا (سالار اعظم) و در معادن مسئول عملیات و استخراج بوده است. بعد از فوت آن مرحوم و فسخ کنترات، به موجب اسناد معتبره از طرف وراثت به مدت هفتاد سال به اینجانب واگذارده و تاکنون برای این معامله مخارج بسیاری نموده و خسارات هنگفتی به اینجانب وارد گردیده که سوابق آن در کلیه مقامات صلاحیتدار داخلی و بعداً بر حسب پیشآمد به کلیه سفارتخانه ها و وزارت خارجه های دول متحابه و کمپانی های بزرگ نامه های اینجانب ارسال و اغلب پاسخ هایی نوشت هاند که با کلیه اسناد و سوابق کار نزد اینجانب ضبط است و بعد از عدد کنترات از طرف مقامات خارجی برای انتقال معامله به اینجانب مراجعه کرد هاند که با دادن مبلغ معتناهایی حق خود را به آن ها واگذار کنم، ولی با شرایطی که دیگران می خواستند، چون بر زیان کشور تمام میشد، از سود خود چشم پوشیده و با زیان طاقت فرسایی که متحمل شده بودم ساخته و خدمت بزرگی به وطن خود انجام داد هام. (اسناد معتبره آنچه را که ذکر شد نزد اینجانب مضبوط است.) نظر به اینکه عده بسیاری از مردمان هواپرست و سودطلب از این قضیه مستحضر بوده، در آن موقع در اطراف یکدیگر تجمع و به قصد توطئه با ترتیبات مخصوصی وراثت مالکین را تطمیع و اغفال نموده و فرامین نامبرده را که به موجب شرط کنترات در محل ثالثی مرضیالطرفین به طور ودیعه ضبط بوده، برابیند و می برند. در آن اوقات، اینجانب در مأموریت خارج بودم. پس از برگشتن و اطلاع از سرقت فرامین، بعد از چند مکاتبه با خوشتاریا که فرامین را از آن ها خریداری کرده بود و اعلام سرقت فرامین، به کلیه مقامات داخلی و خارجی، ناچار به وسیله وزارت فواید عامه و وزارت دادگستری و وزارت امور خارجه و وزارت دارایی اشخاص مسئول را برای استرداد فرامین تعقیب کردم. نامه های مقامات رسمی تمام در نزد اینجانب حاضر است؛ مخصوصاً در نامه وزارت فواید عامه که عبدالحسین امین معادن و علیاکبر ستوده، وراثت مالکین اولیه را تعقیب می نمایند که چرا با معامله که با من کرد هاند، در بردن فرامین و دادن به خوشتاریا شرکت نمود هاند. آن ها به کلی منکر شده اند که ما در این کار شرکت نداشته ایم و همینطور هم وزارت فواید عامه به امضای مرحوم داور به اینجانب می نویسد، چون این ها منکراند از راه عدلیه تعقیب کنید. به وزارت عدلیه و وزارت امور خارجه هم مراجعه کرد هام. جواباً مرقوم فرمود هاند به وسیله وزارت فواید عامه در استرداد فرامین اقدام کنید که اسناد عدیده که شرح آن فعلاً در این نامه ضرورت ندارد، در نزد اینجانب ضبط است. با این حال، جای تأسف است که حق مسلم اینجانب که فقط از نظر وطن خواهی و حفظ حقوق کشور عمری با زحمت و زیان طاقتفرسا در این زمینه پافشاری کرد هام،

دستخوش لطمات [کذا] ارباب جراید که هر یک به نام نفت کویر خوریان قلمفرسایی می نمایند، واقع گردیده و بدون اینکه بدانند مالک کویر خوریان کیست و جریان آن از چه قرار بوده، در ضمن دعوت مطبوعاتی در سفارت اتحاد جماهیر شوروی که مذاکره با آقای کافتارادزه، معاون کمیساریای خارجه اتحاد جماهیر شوروی، راجع به نفت خوریان در کارکردن در آنجا سخن به میان آورده اند. در صورتی که جز اینجانب احدی حق مداخله در معادن نامبرده ندارد و بدیهی است مالکیت شخصی به هیچ عنوانی و طبق هیچ ماد های از قوانین موضوعه تماس و ارتباط با سیاست دول متفق نخواهد داشت. علیهذا، هر عملی در معادن مورد بحث باید انجام شود، استرضای خاطر اینجانب که مستلزم صلاح و صرفه کشور نیز خواهد بود، شرط حتمی است و مصرأ استدعای بذل توجه و رسیدگی کامل دارم که حقیقت امر کاملاً بر همه کس واضح و آشکار شود. البته اسامی کسانی که در دوره رضاشاهی از موقعیت خودشان سوءاستفاده کرده و مسئول عمل شناخته می شوند، به وقت خودش به موجب اسناد معرفی خواهم کرد و همان اشخاص موجد اساسنامه شرکت سهامی خوریان و کلیه کار های بیاساس در این زمینه بود هاند که اقدامات آن ها به هیچوجه در مقابل قوانین حقوقی و قضائی منشأ اثری نیست."

با تقدیم احترام

مرتضی فتوحی قیام (یمن الملک)، بازرس اداره رسیدگی و تمرکز حساب ها

7/8/23

کافتارادزه در ایران

کافتارادزه، معاون کمیساریای ملی امور خارجه و نماینده تامالاختیار شوروی سوسیالیستی، در سال ۱۳۲۳ ش / ۱۹۴۴ م به ایران آمد تا با نخست وزیر درباره نفت خوریان و نفت شمال ایران مذاکره کند. این سفر، ناگ هانی و بدون اطلاع نمایندگان مجلس انجام شد که واکنش های متفاوت نمایندگان و مطبوعات را در پی داشت. همه کنجکاو بودند اهداف این سفر را بدانند. ساعد که دیگر نمی توانست مردم و نمایندگان مجلس را از دلایل آن بی اطلاع نگه دارد، بعد از ملاقات با کافتارادزه ترتیب یک مصاحبه مطبوعاتی را داد که متن آن در روزنامه اطلاعات منتشر شد. انتشار این خبر بر خشم مردم ایران نسبت به دولت شوروی افزود. کافتارادزه در پاسخ به پرسش یکی از خبرنگاران درباره اهداف سفر خود به ایران گفت:

"من در رأس یک هیئت دولتی به منظور مطالعه وضع شرکت نفت "کویر خوریان" و تحصیل اطلاعات در مورد منابع طبیعی نفت شمال ایران، وارد ایران شد. این امر که در مسکو آغاز شده بود، به کمک یک عده از کارشناسان و علمای زمین شناس بزرگ که با من وارد شده اند، اینک به انجام رسیده است. ما به بازدید تمام نقاطی که مورد نظر ما بود، موفق شدیم و کارشناسان و زمین شناسان شوروی از وضع و ساختمان طبقات ارتفاعات محلی و سایر آثاری که دال بر وجود احتمال چاه های نفت باشد، اطلاعات کامل به دست آوردند. من نتایج عملیات خود را به اطلاع دولت متبوع خویش رسانیده ام و اینک به کمیسیونی که من در رأس آن قرار دارم، اجازه داده شده است که پیشنهادی به دولت ایران تقدیم داریم که کشف و استخراج نفت در مناطق شمالی ایران به دولت شوروی واگذار شد. دولت شوروی تصور می کند که وجود منابع نفت در شمال ایران و عمل کارگران و مهندسين ایرانی توأم با صنعت کامل اتحاد جماهیر شوروی، نتایج نیکویی برای هر دو کشور به بار خواهد آورد و عامل مؤثری در صنعتی ساختن شمال ایران خواهد شد. دولت شوروی برای این مسئله اهمیت شایانی از نظر تحکیم روابط و مراودات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی میان دو کشور همجوار قائل است. من در خصوص این موضوع با مقامات رسمی کشور ایران به مذاکره پرداختیم... امیدواریم که چنین عمل مهم و مفیدی برای دو کشور با موفقیت انجام شود..."

ساعد که قصد داشت نظر مثبت نمایندگان مجلس و مردم را به سوی دولت شوروی و اهداف آن ها درباره امتیاز نفت شمال جلب کند، درباره اهداف شوروی توضیحاتی را خطاب به نمایندگان مجلس ارائه کرد:

"دولت اتحاد جماهیر شوروی در نظر دارد امتیاز نفت نواحی آذربایجان شمالی، گیلان و مازندران و قسمتی از ناحیه سمنان و چند ناحیه از خراسان شمالی را تحصیل نماید. در ضمن متذکر گردید که صاحب امتیاز مناطق فوق متعهد میشود که پرداخت کلیه هزینه های مربوط را تضمین خواهد کرد و تعهد خواهد داد که مواد نفتی را با شرایط استمهالی، چه برای احتیاجات دولت و چه برای احتیاجات مردم ایران برآورده نماید. ایجاد چاه های نفت، ساختمان اماکن برای کارگران و تعمیرگاه ها و راه های شوسه مورد احتیاج از سوی صاحب امتیاز تأمین خواهد شد و سرانجام پس از انقضای مدت امتیاز، از کلیه بنگاه های صاحب امتیاز در حالی که قابل بهره برداری باشد، بلاعوض به دولت ایران واگذار خواهد شد."

بعد از انتشار این خبر موج اعتراضات به دولت ساعد در جامعه بالا گرفت. ساعد برای کاهش غلیان احساسات مردمی بیانی های صادر کرد تا نظر مردم و نمایندگان را نسبت به این موضوع جلب کند، اما نمایندگان مجلس دستبردار نبودند. ساعد به ناچار در ۲۷ مهر ۱۳۲۳ برای پاسخگویی در مجلس حاضر شد. او در جواب پرسش یکی از نمایندگان گفت:

"در روز های اخیر در اطراف موضوع نفت چیز هایی نوشته شده و گفتگو هایی هست که لازم دیدم توضیحاتی بدهم. آقایان نمایندگان محترم! از چندماه پیش، موضوع نفت ایران توجه محافل ذی علاقه ایران و نمایندگان مجلس شورای ملی را جلب و در جراید و مجامع و در اطراف آن بحث ها نموده اند و در همین مجلس اظهارات آتشین نمایندگان و نصایح مصلحین بر این بود که دولت به هیچوجه نباید ذخایر نفت را به عنوان امتیاز به اجانب بدهد و بلکه این ذخایر و این منابع ثروت را برای تحکیم بنیان ثروت ملی و توسعه امور اقتصادی برای آینده حفظ و برای استفاده از این منابع سرمایه ملی ایران را جلب نماید. (نمایندگان: صحیح است. صحیح است.) در همین مجلس، به خیال اینکه دولت در پشت پرده برای دادن امتیاز به شرکت های خارجی داخل معاملاتی شده، نسبت استتار را به دولت در مسائل مهم اقتصادی دادند، ولی در مقابل سؤال نمایندگان توضیحات لازمه را در اطراف پیشنهاد های شرکت ها و مطالعات دولت دادم و اضافه نمودم که دولت برای تأمین منافع عالی اقتصادی کشور از متخصصین عالی مقام خارجی نظریات خواسته تا سیاست خود را در مسئله نفت روشن و خط روش خود را با تطبیق با اوضاع و احوال کنونی ایران ترسیم نماید. در خاطر دارم چه در موقع جواب سؤال، چه در موقع بحث در اطراف برنامه دولت، نظر عموم نمایندگان بلااستثنا نسبت به امتیاز نفت منفی بوده و در چهره های باز و بی آرایش نمایندگان آثار نگرانی هویدا بود که مبادا در این موقع جنگ و ستیزه، دولتی در سر کار باشد که بدون مراجعه به رأی مجلس و استجازه از این مقام مقدس در مقابل شرکت ها و دولت ها تعهدی کرده یا وعده اعطای امتیازی داده باشد و برای من یقین حاصل بود که اگر به یکی از شرکت ها حتی وعده شفاهی داده بودم یا در مذاکرات با نمایندگان سیاسی دول ذی علاقه راجع به اعطای امتیاز تعهدی داشتم، با مخالفت شدید آقایان نمایندگان مواجه میشدم (نمایندگان: صحیح است.). پوشیده نماند در کابینه قبل اینجانب، آقایان نمایندگان تصور کرده بودند و سوءظن داشتند که دولت بدون مراجعه و مشاوره قبلی با مجلس می خواهد امتیازی به کمپانی های خارجی بدهد در همین مجلس دولت قبل در استتار حقایق مربوط به نفت مورد سوءظن بود. در صورتی که استتاری در کار نبوده است و دولت همواره از عقاید عده کثیری از نمایندگان هدایت میشده که نباید با مشکلات عدیده و اوضاع عمومی کشور امتیازی به شرکت های خارجی داده شود و مخصوصاً در افکار عامه این عقیده راسخ حکمفرما بود که شاید در مذاکره راجع به امتیاز نفت، دولت آزادی نظر و آزادی تصمیم را نداشته باشد، اما تاریخچه آمدن نمایندگان کمپانی های نفت و مطالعات دولت به قرار ذیل است: در دیماه ۱۳۲۲ (ژانویه ۱۹۴۴) نمایندگان شرکت شل و شرکت امریکایی استاندارد واکيوم و بعداً سینکلر به تهران آمده و راجع به تقاضای امتیاز نفت در بعضی از قطعات ایران به دولت وقت پیشنهادی داده و تقاضای مطالعه طرح های پیشنهادی را نموده بودند. دولت وقت مناسب دیده بود به متخصصین عالی مقام در امور نفتی مراجعه نماید که مطالعات علمی و عملی در پیشنهاد های نموده، طرحی تهیه نمایند که از هر حیث

با مصالح عالی و منافع اقتصادی کشور وفق بدهد و اشتباهات گذشته تکرار نشود، ولی در جریان مطالعات متخصصین به نمایندگان شرکت ها هیچ نوع جواب مثبت داده نمیشد و بلکه نظر دولت بر اینکه مطالعه موضوع امتیازات به بعد از جنگ موکول گردد، خاطر نشان میشد. در این ضمن، اطلاعاتی هم مربوط به کنفرانس نفت در امریکا و جریان مذاکرات آن کنفرانس، از مأمورین دولت شاهنشاهی در خارجه واصل شد که دولت را بیش از پیش متوجه به لزوم اتخاذ خط مشی و رویه ثابتی که حافظ منافع عالی کشور در حال و آتیه باشد، نمود و به این

جهات در اولین جلسه هیئت وزیران فعلی، در روز شنبه یازدهم شهریور ۱۳۲۳ (دوم سپتامبر ۱۹۴۴)، این موضوع مطرح و اینطور مذاکره و تصمیم گرفته شد که قبل از روشن شدن اوضاع اقتصادی و مالی دنیا و استقرار صلح عمومی، مطالعه اعطای هیچگونه امتیاز خارجی مقتضی و ضروری نیست (نمایندگان: صحیح است). دو هفته پس از اتخاذ این تصمیم، جناب آقای کافتارادزه، جانشین کمیسر خارجه دولت شوروی، به تهران آمده و در باب تقاضای امتیاز نفت در برخی از قطعات ایران با اینجانب مذاکره نمودند. موضوع مذاکرات فیما بین با توضیحات کافی در جلسات متعدده هیئت وزرا مطرح و نظریه اولیه در ۱۱ شهریور در هر بار تأیید گردید. در اطراف امتیاز نفت در بعضی جراید، دیده شد که گویا عدم اعطای امتیاز در حال حاضر و موکول نمودن مطالعه آن به زمان بعد از جنگ و استقرار صلح شاید موجب کدورت و تیرگی روابط با متفقین بشود. اینجانب جزئیات مذاکراتی را که اخیراً با نمایندگان دولت شوروی نموده بودم، به اطلاع هیئت دولت رسانیدم و از آنجایی که روابط ایران با دولت شوروی در اساس پیمان سهگانه و شرکت در جنگ و کمک در پیروزی متفقین بوده، دولت خواهد کوشید روح همکاری و حسن تفاهم را با متفقین خود و مخصوصاً دولت جوانمرد شوروی محکم و استوار نگاه دارد و مساعدت های دولت شوروی را برای بهبودی اوضاع اقتصادی خود جلب نماید و راجع به تحکیم و توسعه روابط تجارتي و اقتصادی با دولت شوروی، حاضر است داخل همه نوع مذاکرات بشود و از ملاقات حضوری و مذاکرات دوستانه که به نفع دو کشور باشد، کمال مسرت را خواهد داشت.

در جلسه، علاوه بر ساعد، کافتارادزه هم حضور داشت. جهانگیر تفضیلی، مدیر روزنامه ایران ما، از کافتارادزه درباره شرکت نفت خوریان و دلیل مخالفت آن ها در سال های اخیر پرسید و کافتارادزه پاسخ داد:

"از بدو تأسیس شرکت مذکور، ما با اشکالات فراوانی مواجه بود هایم و این وضعیت تا اوایل جنگ کنونی وجود داشته است. بدیهی است که دولت شوروی در موقع جنگ نمی توانست به اندازه کافی به مسائل شرکت نفت خوریان سمنان توجه نماید، زیرا به کار های بزرگتر و مهمتری که مربوط به جنگ است مشغول بوده است."

سخنرانی کوبنده مصدق در آبان و آذر مجلس شورای ملی، پرونده اعطای امتیاز نفت به دولت شوروی را به حافظه تاریخ سپرد.

دولت شوروی که از شرایط پیش آمده راضی نبود، با توسل به حزب توده دولت را تحت فشار قرار داد. حزب توده که تا پیش از آن در واکنش به حضور نمایندگان شرکت های امریکایی در ایران ندای مخالفت با اعطای امتیازات نفتی را سر می داد، حال با یک تغییر موضع و با برگزاری نشست ها یا تظاهرات خیابانی به دفاع از دولت شوروی و خواسته آن پرداخت. کیانوری، آخرین دبیرکل حزب توده، در دفاع از درخواست دولت شوروی گفته بود: "روسیه برای جلوگیری از تبدیل شدن شمال ایران به منطق های تحت سلطه امریکا این پیشنهاد را کرد."

این سفر برای هیئت روسی هیچ نتیجه ای در پی نداشت. کافتارادزه به رغم تمام تلاشی که برای جلب نظر دولت ایران انجام داد، در نهایت با مخالفت دولت ساعد ناچار به ترک ایران شد.

پرده آخر سناریوی نفت سمنان

پروژه اکتشاف و استخراج نفت سمنان هیچگاه به نتیجه نرسید و کار شرکت نفت خوریان با ملی شدن صنعت نفت یکسره و سرانجام در سال ۱۳۳۶ ش / ۱۹۵۷ م شرکت منحل شد. هنگامی که شاه بنا به دعوت مارشال وراشیلوف، صدر هیئت رئیسه اتحاد جماهیر شوروی، در ۴ تیر ۱۳۳۵ به مسکو سفر کرد، دولت شوروی با افزایش ارتباطات بازرگانی با دولت ایران موافقت کرد. ارتباطات تجاری میان دولت سبب شد دولت شوروی با انتقال همه تجهیزات شرکت نفت خوریان به دولت ایران موافقت کند.

در بهمن ماه ۱۳۳۵، تاراسف، رئیس هیئت اتحاد جماهیر شوروی، پیرو اندیشه های لنینیستی و به دنبال نتایج سفر شاه به مسکو، مأموریت یافت به ایران سفر کند.

تاراسف در دیدار با مسئولان کشور در ۲ بهمن ۱۳۳۵، در مجلس حاضر شد و در یک سخنرانی برای نشان دادن حسن نیت دولت متبوع خود، اموال شرکت نفت خوریان را به دولت ایران واگذار کرد. با آنکه شرکت در سال ۱۳۳۶ ش منحل شد، برخی از سهامداران آن سال ها در پی سرمایه ازدسترفته خود بودند. از جمله دو نفر از سهامداران این شرکت به نام ای محمد محکی و غلامرضا کوثر در تاریخ ۷ شهریور ۱۳۳۶ / ۲۹ آگوست ۱۹۵۷ نامه ای به مجلس سنا نوشته اند که نمونه ای از آن است:

ریاست محترم مجلس سنای ایران

محترماً، به شرف عرض عالی می‌رساند، در سی سال قبل که قائد عظیم الشان ایران برای سربلندی و عظمت میهن گام برمیداشت و ملت شاهدوست به پیروی از نیت مقدس آن رادمرد بزرگ خود را موظف می‌دانست که برای پیشرفت اقتصادیات کشور طبق منویات ملوکانه از هرگونه مجاهدتی دریغ ننماید. از جمله اقداماتی که در آن زمان با نظر و همت شاهنشاه فقید معظم صورت گرفت، تأسیس شرکت کویر نفت خوریان سمنان بود که از این راه ملت ایران بتواند با قوه و اراده خود در استخراج معادن به اقتصادیات مملکت خویش اقدام نماید و بازرگانان ایرانی در آن موقع از نیت مقدس حسن استقبال نموده، سهام شرکت مزبور را خریداری کردند. از جمله اینجانبان در آن موقع هر یک [کذا] از سهام شرکت کویر نفت خوریان خریداری کرد. متأسفانه بعد از شهریور ۲۰، وضع سیاسی کشور صورت دیگری به خود گرفت که فعالیت‌های قبلی را کد ماند و شرکت هم عملیاتی متوقف شد و در مدت بیست سال هر نوع مطالب‌های که سهامداران بابت سود و زیان و اصل سهام خود نموده‌اند از وزارت دارایی جواب مثبتی داده نشد. اخیراً در روزنامه اطلاعات مورخه سه شنبه ۱۱ تیر ۳۶، مشاهده شد که شرکت ملی نفت ایران به نمایندگی از طرف دولت دعوتی از صاحبان سهام به عمل آورده و دستور جلسه را اتخاذ تصمیم درباره انحلال شرکت قرار داده. لذا بدین وسیله، دادخواهی می‌نماید که این شرکت خود به خود به وجود نیامد. وجود شرکت از سرمایه ملت ایران به عمل آمده و تاکنون دولت هیچگونه اطلاعی از موضوع سود و زیان یا اصل سرمایه در اختیار صاحبان سهام نگذارده و الحال که تصمیم به انحلال شرکت دارند، تکلیف یک عده سهامداران جزء که در شهرستان‌ها پراکنده هستند، چه خواهد بود؟ مستدعی است مقرر فرمایند وزارت دارایی نسبت به وصول حقوق قانونی اینجانبان اقدام مقتضی معمول و نتیجه را ابلاغ دارند.